درباره صدای نخراشیده «دافی»ها که در غیبت محصول‌های خوب بدمستی می‌کنند

# وقتی موسیقی بهداشتی ترک تحصیل کرد

صفحه ۲


فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۰۸
یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
اول اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۷۰

| Sun | 1 Oct 2023 | vol.15 | No. 3970 | 16 Pages

عوامل هالیوود اولین مانع را بر سر گسترش هوش مصنوعی قرار دادند

## هالیوود برای تکنولوژی گشت گذاشت

۱۲ و ۱۳

چرا با وجود افزایش تولید، فروش خودروسازان کم شده است

# خواب ماشین‌ها در جاده مخصوص

آمار منتشر شده سال ۱۴۰۲
رشد تولید سایپا: ۳۰ هزار، کاهش فروش: ۲۱ هزار
رشد تولید ایران‌خودرو: ۳۵ هزار، کاهش فروش: ۳۳ هزار

صفحه ۱۶

نگاهی به موضع همسر رئیس‌جمهور درباره «بانوی اول»

## اشتباه اول

۱

«فرهیختگان» از تحولات حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد گزارش می‌دهد

## روایت تغییر نگاه به کشاورزی در دانشگاه آزاد

۴، ۵

از کاسبی جدید اپوزیسیون رونمایی شد

## برانداز ۲ دلاری

۷

نگاهی به موضع همسر رئیس‌جمهور درباره «بانوی اول»

# اشتباه اول

سرمقاله

مسعود فروغی
سردبیر

نمی‌دانم روزی خواهد رسید که سیاستمداران و صاحبان تریبون (که به هر دلیلی کنش‌هایشان برای رسانه‌ها و افکار عمومی مهم است) بفهمند چه زمانی و در چه جایی چه حرف‌هایی را بزنند و کدام را نگویند. روزی که آنها متوجه شوند هر حرف ساده‌شان ممکن است اثرات اجتماعی و سیاسی عمیقی روی جامعه بگذارد و دقت کنند. روزی که درک کنند بار کلماتی که به سادگی به زبان می‌آورند می‌تواند سال‌ها تلاش و کار برای جاانداختن مفاهیمی ارزشمند را نابود کند. روز گذشته یکی از همین گزاره‌های عمیقا موثر از زبان خانم جمیله علم‌الهدی مطرح شد. او در واکنش به دعوت مجری یک همایش که گویا همسر رئیس جمهور را «بانوی اول» خطاب قرار داده بود، به‌جای آنکه اصل این خطاب را نهی کند، گفت: «من تازه متوجه شدم که بنده را به عنوان بانوی اول معرفی کرده‌اند. لازم است توضیح دهم در ساختار جمهوری اسلامی ایران بانوی اول همسر رهبر معظم انقلاب هستند.» درباره این جمله خانم علم‌الهدی نکات زیادی قابل طرح است، اما آنچه را اجمالا می‌توان گفت در چند نکته زیر دسته‌بندی می‌کنم.

یکم. از ویژگی‌های ناب و منحصربه‌فرد رهبر انقلاب (حتی دشمنان ایران بارها به‌صراحت به آن اعتراف کرده‌اند) این است که با وجود تلاش زیاد مخالفان هیچ نقطه سیاهی از اعضای درجه یک خانواده ایشان در طول سال‌های طولانی پس از انقلاب وجود ندارد. منع صریح رهبری بر حضور و نقش‌آفرینی اعضای خانواده از آنها تصویری کاملا موجه در افکار عمومی ایران ساخته است. به خصوص درباره همسر رهبر انقلاب برخلاف تقریبا تمام چهره‌های مهم و درجه یک تاریخ انقلاب که نام و نشانی از همسرشان یا حضوری رسانه‌ای از آنها در دسترس است، حتی یک تصویر ساده از ایشان وجود ندارد. یعنی برای اینکه خانم دکتر علم‌الهدی از لفظ «بانوی اول» برای همسر رهبری استفاده نکند، حتی نیاز به تجزیه‌وتحلیل خاصی هم نبود. فقط کافی بود همسر رئیس جمهور به مشی و روش رهبری توجه کند.

دوم. بار معنایی لفظ «بانوی اول» با هیچ توضیح و تفسیری ربطی به آداب سیاسی ایران ندارد. اصل پذیرش این لفظ هم از سوی خانم علم‌الهدی عجیب است. در ساختار سیاسی ایران اساسا چنین جایگاه و عنوانی وجود ندارد که بر سر اینکه به چه کسی تعلق دارد بحث صورت گیرد. شاید همسر رئیس جمهور تصور می‌کند پذیرش چنین عناوینی در ساختار سیاسی منجر به ارتباط گرفتن بخشی از بدنه اجتماعی با ساختار است. با این پیش‌فرض که همه می‌دانند در آمریکا این جایگاه وجود دارد و به نوعی فضایی مدرن در حکمرانی را به ذهن تداعی می‌کند. فرضی که از اساس غلط است. مخاطب در این فرض خیلی ظاهرگرا و کم‌هوش تصور شده است، مخاطب با صفت و عنوان احساس رضایت نمی‌کند. خبر بد برای این فرض اینکه مخاطب باهوش‌تر از این حرف‌هاست و می‌گوید حالا که ساختار با عناوین اینچنینی را می‌پسندید، مثل آنها در همه امور مدیریت کنید. حتما همسر رئیس جمهور می‌داند این طوری کار به جاهای باریک کشیده می‌شود.

سوم. اگر هدف از کنش‌های خانم علم‌الهدی پوشش ضعف‌های حکمرانی ما در حوزه زنان است، بهتر بود ایشان از نفوذ و جایگاه خاص خودش برای حل مسائل اساسی حوزه زنان استفاده کند. انبوهی از کارهای بر زمین مانده در این حوزه وجود دارد که رهبر انقلاب درباره آن به صراحت موضع گرفته‌اند: «انصاف این است که در جامعه ما در درون بعضی از خانواده‌ها به زن‌ها ظلم می‌شود؛ مرد با تکیه بر توان جسمی خودش، چون صدایش کلفت‌تر است، قدش بلندتر است، بازوهایش کلفت‌تر است، زور می‌گوید به زن؛ ظلم می‌شود به زن‌ها؛ خب راهش چیست؟ چه کار کنیم؟ خانواده را هم می‌خواهیم حفظ کنیم دیگر؛ راهش این است که قوانین مربوط به داخل خانواده آنچنان محکم و قوی باشد که هیچ مردی قادر به ظلم کردن به زنان نباشد؛ بایستی قوانین، اینجا به کمک طرف مظلوم بیایند.» هرچند برای پیدا کردن مساله در حوزه زنان نیازی به ارجاع مستقیم به فرمایشات رهبری نیست اما جهت محکم‌کاری و از این جهت که می‌دانیم مشی و فکر رهبر انقلاب برای دولت فعلی حجت است، این چند خط را برای نمونه آوردم.

حتما دست‌اندرکاران دولت می‌دانند در مسائل حوزه زنان بیشتر از هر چیزی به یک صورت‌بندی روشن و مبنایی قابل اجماع در سطح نخبگان نیاز داریم. تا وقتی در مبانی و ایده‌های اصلی توافق صورت نگیرد، تصمیمات گاه و بیگاه مشکلات را حل نمی‌کند. شاید کسی بگوید در گفتار و عمل رهبران انقلاب و اندیشمندانی مانند شهید مطهری حرف‌های اساسی زده شده است که البته نکته قابل انکاری نیست. اما مقصود اصلی چاره‌مندی اندیشه‌ها مبتنی بر مسائل جاری زنان است. شاید تفاوت ظهور و بروز زنان در حوزه اجتماعی در دهه ۹۰ با ابتدای انقلاب و تغییرات اساسی در لایه‌های زیرین جامعه که نشانه‌های ظاهری آن بیشتر در سطح عمومی مورد توجه بوده، به ما هشدار می‌دهد اگر در حوزه زنان به فهمی مشترک در مبانی نرسیم، کار در آینده سخت‌تر خواهد شد. سخت از این جهت که شاید تصور سیاستگذاران از نسبت مبانی فقهی، ارزش‌های انقلابی و مفاهیمی پایه مثل عدالت و آزادی در حوزه زنان با بخشی موثر از جامعه زاویه بیشتری پیدا کند. به هر حال انتظار از فعالان سطح بالایی مثل خانم علم‌الهدی که نقش ویژه‌ای در دولت سیزدهم دارند، این است که به حل اساسی‌ترین مسائل حوزه زنان بپردازند. با این زاویه نگاه که اجماعی حداکثری در مبانی و تصمیمات در حوزه نخبگان و عمومی صورت گیرد؛ اجماعی که در میان‌مدت و بلندمدت توانایی حل واقعی مشکلات را داشته باشد و فقط در حد حرف و شعار باقی نماند. هرچند احتمالا باید مشخص شود نسبت معاونت زنان ریاست جمهوری در این مسیر چیست و ساختارهای سیاسی و قانونی موجود چه امکان و قدرتی دارند؟

بحثی درباره نسبت علوم اجتماعی و مفهوم ایران

# پوپولیسم ایران‌ستیز و دانشگاه ایرانی

یادداشت

میثم مهدیار
جامعه‌شناس

ارتگایی گاست، در «طغیان توده‌ها» مهم‌ترین مطالبه «جنبش‌های توده‌ای» را خواست «زندگی معمولی» می‌داند و فرم خشونت‌بار این جنبش‌ها را ضروری چنین مطالبه‌ای عنوان می‌کند. اینکه در یک سال گذشته دانشگاه و به خصوص دانشکده‌های علوم اجتماعی ما به جای اتخاذ موضع روشنفکرانه و انتقادی (چیزی که همیشه ادعای آن را داشته) نسبت به این ناجنبش و ناهنجاری‌ها و خشونت‌های کلامی و رفتاری سوژه‌های مغزشویی شده «من و تو» و «اینترنشنال» در آن، واکنشی منفعلانه و حتی پیروانه در پیش گرفته و به توجیه‌گری و مشروعیت‌بخشی به رفتارهای کاتوره‌ای و توده‌وار سوژه‌های فعال آن پرداخته‌اند، نشان از بحرانی عمیق در علوم انسانی و علوم اجتماعی دارد. اینک اما ۵۵ مدرس علوم اجتماعی دانشگاه تهران از طیف‌های مختلف در بیانیه‌ای تلاش کرده‌اند بالاخره پا را فراتر از پوپولیسم جاری گذاشته و با خروج از انفعال در مقابل برخی جریان‌های دانشجویی واگرایانه ضدمیهنی که فعالیت‌شان در سال‌های اخیر مجددا شدت گرفته، موضع مستقل‌تری بگیرند. اگرچه جای شکر این کنشگری حداقلی باقی است اما «مساله علوم اجتماعی» فراتر از این «بیانیه سیاسی» است. باید توجه داشت این جریان‌های واگرایانه که پیش از این در دهه هشتاد نیز با درخواست حمله نظامی آمریکا به ایران عرض اندام کرده بودند، بیشتر از اینکه محصول کانون‌های بیرون از دانشگاه باشند، زمینه‌ای در خود گفتمان‌های غالب علوم اجتماعی در ایران در دهه‌های اخیر دارند.

اینجا مجالی نیست تا توضیح دهم چگونه، اما نظریه «استبداد ایرانی» در طی هشتاد سال گذشته به گفتمان هژمون علوم اجتماعی در ایران تبدیل شده و تقریبا غالب رویکردهای نظری جامعه‌شناختی درباره ایران تحت تاثیر مدعیات و مفروضات تاریخی این گفتمان قرار دارند و مستقیم یا غیرمستقیم و آگاهانه یا ناآگاهانه توسط آن اشراب می‌شوند. حتی جریان چپ آکادمیک در ایران که از دهه بیست خورشیدی و تحت تاثیر حزب توده تلاش می‌کرد با نظریه «فئودالیسم ایرانی» تحولات تاریخی ایران را ذیل همان تکامل پنج مرحله‌ای تاریخی مارکس صورت‌بندی کند، در نسل‌های اخیرش و از دهه شصت به بعد در یک شیفت پارادایمی با انقطاع از ریشه جامعه‌شناسی تاریخی‌اش، تحت تاثیر گفتمان هژمون استبداد ایرانی قرار گرفته و شاید به‌واسطه همین کنده شدن از ریشه است که چپ ایرانی امروز در بلاتکلیفی به سر می‌برد و دچار موضع‌گیری‌های زیگزاگی شده است؛ در اقتصاد عدالتخواه، جمع‌گرا و جامعه‌گرا، ولی در فرهنگ لیبرال و فردگرا به‌طوری که در برخی مواضع حتی گوی سبقت را از لیبرتارین‌ها نیز ربوده است. روزی منتقد سوژه نئولیبرال است و دگر روز همان را هگل زمانه می‌خواند. روزی با سلبریتی‌ها و «مذهبی‌های مصرفی و صورتی» نرد عشق می‌بازد و روز دیگر منتقد سلبریتیسم و مصرف‌گرایی مدرن است و...

به هر ترتیب نظریه استبداد ایرانی یک نظریه تاریخی درباره سیاست، فرهنگ و بوم ایران است و مستقیم یا بی‌واسطه تبعات مخربی را در چند دهه گذشته در حوزه‌های اقتصادی، محیط زیستی، فرهنگی و تربیتی در ایران برجای گذاشته است. از این رو علوم اجتماعی ما بیش و پیش از هر چیز نیازمند بازاندیشی در مفروضات تاریخی خود و تامل جدی در نسبت خود با مفهوم «ایران» است و همان‌گونه که اشاره شد رشد بخش عمده‌ای از جریان‌های توده‌ای و واگرایانه قومی و فرهنگی ایران‌گریز و ایران‌ستیز در دانشگاه که مجددا در بلوای ۱۴۰۱ به اوج رسید، زمینه‌ای در هژمون شدن این گفتمان بر سپهر علوم اجتماعی و حتی علوم انسانی در ایران دارد اگرچه نمی‌توان همه بار آن را روی دانشگاه یا علوم اجتماعی انداخت. نظریه «استبداد ایرانی» سه مولفه عمده درباره ۱- بوم و اقلیم، ۲- سیاست و ۳- فرهنگ ایران را ترویج می‌کند:

۱. از دید استبداد ایرانی، در مقابل رطوبت بالا و بارش‌های فراوان و سواحل طولانی در اروپا به خصوص اروپای مرکزی و غربی که مهم‌ترین عامل رشد صنعت و تجارت و تمدن در آن مناطق بوده، «اقلیم فقیر ایران» بانی یک بوم «خشک و پراکنده» شده است و از این رو نه‌تنها مساعد توسعه نیست بلکه اصلی‌ترین مانع توسعه و تکامل تاریخی ایران شده و از این رو ایران در طی سه هزاره اخیر خود با یک رکود تاریخی مواجه بوده است. با این صورت‌بندی گره این جبر اکولوژیکی و محدودیت اقلیمی در ایران لاجرم فقط به دست عاملی فراطبیعی همچون «اشاعه تکنولوژی» از اروپای غربی در طی یک سده اخیر باز خواهد شد. ثمره این تکنولوژی‌گرایی در شش دهه گذشته در ایران «سندروم ماموریت هیدرولیک» و نگاه سازه‌گرا به مدیریت منابع و محیط زیست بوده که البته اینک تبعات محیط زیستی آن در کشور مشهود و ملموس شده است. البته پذیرش این اشاعه‌گرایی نیازمند زمینه‌های فکری در داخل بوده است که جریان‌های روشنفکری لیبرال معاصر مسئولیت آن را از طریق ایجاد حس عدم تقارن قابلیت‌های فکری و فرهنگی و تمدنی ایران در برابر غرب برعهده داشته و از به دوش کشیدن آن سربلند بیرون آمده‌اند. به هر ترتیب از چنین انگاره‌ای درباره بوم و اقلیم و جغرافیای ایران حس میهن‌دوستی برنخواهد خاست.

۲. استبداد ایرانی تاریخ ایران را به تاریخ سیاسی و حکومت‌ها و سلاطین آن تقلیل می‌دهد و آن را نیز سراسر مشحون از استبداد و خودکامگی‌های کوتاه‌مدت و در نتیجه یک رکود بلندمدت می‌بیند. به همین خاطر ایران در بهترین حالت کشوری «در حال گذار» به دموکراسی است که نیازمند ترجمه و کاربست الگوهای سیاسی اروپای غربی در «توسعه سیاسی» بوده و هست. در اثر این تقلیل‌گرایی از یک سو تاریخ فرهنگی ایران و امکان‌های سیاسی و اجتماعی و حقوقی منبعث از نهادها و ساخت‌های تاریخی بلندمدت آن همچون نهاد وزارت و دبیری و کلانتر و دیگر نهادهای تاریخی دیوانسالاری و نیز ساخت‌های مشارکت و یاریگری سنتی روستایی‌اش که تداوم بخش ایران در طی سده‌ها بوده تخریب یا نادیده گرفته شده‌اند و از سوی دیگر ساختارهای سیاسی و حقوقی مدرن ترجمه‌ای نیز «بی‌جا» و پا در هوا مانده‌اند و توسعه آن به جای ریشه‌گیری در ایران، بیشتر بر «بیگانگی» با ساختار و فربهی صوری دمیده است.

۳. در نتیجه این رکود تاریخی و تداوم استبداد ایرانی شکل‌گیری یک «فرهنگ استبدادزده» مهم‌ترین شاخصه فرهنگ عامه در ایران بوده است. این استبدادزدگی به مرور حتی وارد ژن ایرانی‌ها شده و موجب نهادینه شدن دروغگویی و چاپلوسی، خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی، تنبلی، تکروی و یکی دو جین خلقیات منفی دیگر در سوژه ایرانی شده است. با این تصویرسازی سیاه و تاریک از فرهنگ تاریخی ایرانیان، راه توسعه جز از گسست ناگزیر از چنین فرهنگی و رشد و تربیت ذیل عناصر فرهنگ مدرن نمی‌گذرد. این اولین مرحله از مراحل رشدی بود که نظریه مدرنیزاسیون (مکتب نوسازی) به عنوان نظریه اصلی توسعه ایران از دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی پیشنهاد می‌کرد و جریان روشنفکری لیبرال عهده‌دار آن بود. با این اوصاف از سوژه‌هایی که ذیل این گفتمان نظری تربیت شده‌اند، نه‌تنها نسبت به بوم و اقلیم و نهادهای سیاسی و اداری و حقوقی تاریخی و فرهنگ عامه پیوسته با آن احساس قرابت و همدلی ندارند بلکه با آن بیگانه‌اند و آنها را موجد توسعه‌نیافتگی ایران و در نتیجه مشکلات جاری می‌دانند، چگونه می‌توان انتظار احساس میهن‌دوستی و وطن‌پرستاری داشت؟ سخن کوتاه، «دانشگاه ملی» نیازمند یک نظریه تاریخی بوم‌محور است و در میان رشته‌های علوم انسانی این علوم اجتماعی و بالاخص جامعه‌شناسی تاریخی است که امکان نیل به چنین نظریه‌ای را در خود دارد. مقدمه چنین نظریه‌پردازی تامل انتقادی در تاریخ هشتادساله علوم اجتماعی در ایران و بازاندیشی جدی در نسبت این علوم با بوم، اقلیم و تاریخ این کشور است و کار با صرف صدور بیانیه راست نمی‌شود.


رادیو مضمون
کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان
@radiomazmoon
مضمون

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

# در منو حتی حلواشکری عقاب هم نیست!

حمیدرضا صدری
آهنگساز

یک فیلم طنز خارجی وجود دارد که درباره تاریخ بشریت است. پیدایش موسیقی در این فیلم بسیار جالب است. نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه درحال جابه‌جا کردن یک دسته سنگ هستند. یک تکه سنگ از دست یکی از این افراد می‌افتد و جیغ می‌کشد. کسی که سنگ را از دست او می‌گرفت، کمی ذوق هنری داشت. مدام با زبان بی‌زبانی می‌گوید تکرار کن! اما خب هنوز زبانی اختراع نشده بود که بشر بتواند مقصودش را برساند. برای همین، یک سنگ دیگر روی پای طرف می‌کوبد اما چون سنگ کوچک‌تر بود، صدای جیغ طرف فرق می‌کرد. سکانس بعدی یک گروه افراد را نشان می‌داد که سنگ‌های مختلفی در دستان‌شان قرار دارد و هر کدام به سر، پا و اعضای مختلف همگروهی‌هایشان می‌کوبند و نوشته بودند که اولین گروه کر بشر. آنچه من درحال شنیدنش هستم، در ۹۹ درصد، صداهایی است که از کوبیدن پاره‌سنگ‌ها به سر و دست همدیگر تولید شده‌اند.

در دوره کاری‌ام با خانه سینما با یک موزیسین فیلم آشنا شدم. از قضا این موزیسین، موزیسین پرکاری هم است. خانه سینما به او گفته بودند که پارتیتوری که برای یک قطعه نوشتی را بیاور. گفته بود که پارتیتور نمی‌توانم بنویسم. گفته بودند موردی ندارد. یک قطعه ساده برای یک پیانو و فلوت بنویس. گفته بود بلد نیستم. یعنی نوت‌نویسی هم بلد نبود. اما اکنون جزء پرکارترین آهنگسازان کشور است. من چندتا از کارهایش را شنیدم. تا شنیدم، متوجه شکل ساخت موسیقی توسط او شدم. حتی نمی‌توان به آن موسیقی گفت اما مورد توجه شاعران قرار گرفته و حسابی دارد کار می‌کند.

از طرف دیگر متاسفانه ما در موسیقی‌هایمان، ضعف ادبیات شعری داریم. من نمی‌گویم چه چیز درست است و چه چیز غلط؛ اما ای کاش مقداری ادبیات و موضوعاتی که خوانندگان ما به آن می‌پرداختند، درست بود. گاهی اشعار به قدری دری وری است که از میزان دری وری بودن آن شاخ درمی‌آورید. اما چرا دری وری پسند شدیم؟ برای این است که حرف حساب نمی‌شنویم. یا اگر هم حرف حساب بشنویم، کسی قدرت درست تحلیل ندارد که به ما بگوید این حرف حساب است. مشکل موسیقی ما این است که موسیقی مانند سایر درس‌هایمان در مدارس تدریس نمی‌شود. بچه‌ها از بچگی، چیزی به اسم موسیقی یا نت موسیقی حتی نمی‌دانند.

پس از انقلاب اسلامی آموزشگاه‌های موسیقی، خصوصا در سال‌های اخیر بیشتر شدند ولی درنهایت اتفاق خاصی نمی‌افتد و من این را می‌بینم چراکه معتقدم میزان درک و دانش عمومی همچنان پایین است. نسلی در میان ما وجود دارد که امکاناتی مانند اینترنت را بسیار خوب آموخته اما این یادگرفتن، یادگرفتن اصولی نیست. آگاهی، شناخت و درک؛ اموری است که به تربیت نیاز دارد. اگر این تربیت نباشد، در همه حوزه‌ها به سمت دری وری می‌رویم. موسیقی که دیگر وجود و شاخص بیرونی ندارد. آن چیزی که اکنون درحال مجوز دادن به آن در موسیقی هستند، با چیزی که کلا مجوز نمی‌دادند، زمین تا آسمان تفاوت دارد. این چرخه مانند موج است و پشتش موج‌های دیگر هم نهفته است. می‌پرسیم چرا نوجوانان ساسی مانکن گوش می‌دهند، مگر آن چیزی که در داخل کشور وجود دارد چقدر با ساسی مانکن متفاوت است؟ فقط کلیپ‌هایش مانند آن نیست و اینها در داخل کشور مجوز انتشار دارند. این موسیقی عوارض روانی بسیار نامطلوبی دارد و بسیاری از این مساله بی‌خبرند. چراکه موسیقی به لایه‌های مغز و روح‌مان می‌رود و در آنجا باقی می‌ماند. چون موسیقی یک انرژی است و تولید شده است. مخصوصا اگر در سن کمتر باشیم و اگر از آن موسیقی، لذت هم ببریم ممکن است بلاهای روانی سرمان بیاورد. لازم نیست که حتما مشروبات الکی بخوریم تا از خود بیخود شویم یا رفتارهای غریبی نشان دهیم.

با توجه به اینکه مسئولان وقت فکر کردن به این مساله را ندارند ترجیح می‌دهند که سالن‌ها پر شود و جوانان کمی لذت ببرند. ای کاش هم خوانندگان‌مان، خوانندگان خوبی بودند و همانی که در ترک‌شان می‌خوانند را درست روی صحنه می‌خواندند. شعر هم که هیچ! اصلا من چیزی به نام ادبیات ترانه‌ای نمی‌شنوم. اصلا قصد محکومیت کسی را ندارم اما در سال‌های آتی، شاهد افت وحشتناک موسیقی خواهیم بود. چندتا آهنگساز دیده‌ام که در اینستاگرام وقتی از او پرسیده‌اند چرا آهنگ‌هایت این شکلی است؟ گفته‌اند: وقتی من بنز دارم، کی پیکان را نگاه می‌کند؟ این نظرات صنعت موسیقی را به گند می‌کشد. طرف دقیقا دارد می‌گوید که من میوه‌فروشم و برایم مهم نیست! بالاخره یک عده میوه من را می‌خرند. هدایت از اول درست نبوده و درست هم نخواهد شد. چراکه ما مساله شرعی در موسیقی را هم داریم. موضوع غنا که هنوز تکلیفش روشن نیست و معلوم نیست موسیقی‌ای که غنا دارد چه نوع موسیقی‌ای است. زیرا فرد هم باید عالم باشد و هم زاهد تا بتواند اینها را تشخیص دهد. همچنین باید روانشناسی هم بداند که بتواند تشخیص دهد چه نوع موسیقی، اصلا آدم را به رقص وامی‌دارد. اما هنوز حرام و حلال بودن نوع موسیقی مشخص نیست. وزارت ارشاد، هر چندسال یکبار، یک جور نظر در رابطه با موسیقی دارد و بستگی دارد چه کسی آنجا مسئول باشد. کمی موضوع ریشه‌ای است. البته من وزارت ارشاد را اصلا گناهکار نمی‌دانم چراکه بخشی از موضوع به انتخاب فرد مسئول بازمی‌گردد. شاید اصلا سابقه یا موزیسین بودن یا نبودنش هم مهم نباشد. سردرگمی بسیاری دارد. در نتیجه؛ آن چیزی که دم دست یک نوجوان است، اینترنت است و دوست دارد لذت ببرد. افرادی که برای موسیقی حتی پول هم می‌دهند، جوانان و خصوصا نوجوانانی هستند که در سن بلوغند و در این سن بسیاری از این امور از طریق افرادی که با آنها معاشرت دارند درک نمی‌شوند، چه برسد به موسیقی. بسیاری از پدر و مادرها حتی نمی‌دانند فرآیند بلوغ در نوجوان‌هایشان چه چیزی است و برای همین نوجوانان بر سر این مساله، بسیار آسیب می‌بینند. چون اتفاقاتی برای نوجوانان رخ می‌دهد که نیاز به کمک والدین دارند اما والدین در آن موقعیت گارد هم می‌گیرند و فشارشان حداکثری می‌شود. برای همین این خشم به سمت یک نوع اعتراض سوق داده می‌شود.

البته نظر من این است که اگر از سنین پایین موسیقی به عنوان یک درس به کودکان تدریس شود و یک معلم هم موسیقی را به زبان کودکانه آنالیز کند قطعا ما موسیقی با سطح بسیار بالاتری خواهیم داشت. در هر مقطعی این‌گونه است. اما می‌بینیم در هر سبکی چه پاپ، چه کلاسیک و سنتی؛ موسیقی آهنگ تکه‌پاره‌های یک آهنگ دیگر است. از طرف دیگر شعرش هم معلوم نیست چه چیزی است. من حتی شعر خوب هم در آهنگ‌ها نمی‌شنوم و به تلفیق ملودی و ترانه توجه نمی‌شود. وزن و قیافه در هر سبکی جوری است که دوست دارند. موسیقی با کلام نصف وزن آن روی دوش ترانه است. ترانه خوب یک دنیا می‌ارزد. مانند ترانه‌های دهه ۳۰ یا ۴۰ خودمان. اکنون هم شاعران توانا و بزرگ هم داریم اما به هر حال بحث ارزاق و درآمد هم در میان است و به دلیل فشار کلی که روی اقتصاد جهان است موسیقی غرب هم تقریبا همین‌گونه است. به طور کلی من موسیقی خوب در میان ترانه‌هایمان نمی‌شنوم و حتی اگر هم موسیقی خوب باشد در میان این آهنگ‌ها گم می‌شود. مثل این است که در منوی غذا وقتی غذای خوب نباشد ما به غذای بد تن می‌دهیم. حالا در این منو حتی حلواشکری عقاب هم نیست!

## درباره صدای نخراشیده «دافی»ها که در غیبت محصول‌های خوب بدمستی می‌کنند

# وقتی موسیقی بهداشتی ترک تحصیل کرد

عطیه همتی
دبیرگروه نقد روز

**بیشتر از بیست و چند سال است که از آهنگ «بوی ماه مهر» ساخته آهنگساز فقید ناصر چشم‌آذر با شعر زنده‌یاد قیصر امین‌پور می‌گذرد. آهنگی که هنوز مدارس کشور روز بازگشایی خود به آن پناه می‌برند تا روز شادی را در مدرسه برای بچه‌ها تدارک ببینند. اما انتخاب یک آهنگ با محتوای مبتذل در یکی از مدارس ابتدایی کرمان با واکنش‌های زیادی همراه بود که درنهایت برای مدیر این مدرسه و کادر آموزشی آن حسابی گران تمام شد. ویدیوی منتشر شده از این مدرسه کرمانی نشان می‌داد این آهنگ از سوی کادر مدرسه برایشان پخش شده‌است و دانش‌آموزان در حال همخوانی و رقص با آن هستند. بعد از واکنش‌ها به این ویدیو رضا رضایی، مدیرکل آموزش‌وپرورش استان کرمان از برکناری مدیر مدرسه و معرفی او به هیات تخلفات اداری خبر داد تا دوباره این سوال پرسیده شود که سریال پخش آهنگ‌های مبتذل در مدارس تا کجا ادامه دارد؟ اما شاید سوال دقیق‌تر این باشد آیا مدارس و حتی خانواده‌ها انتخاب‌های دیگری هم دارند؟**

### امسال بچه‌ها قرار است چه بخوانند؟

چند سال پیش بود که آهنگ «آقامون جنتلمنه» از سوی خواننده‌ای به نام ساسی مانکن تبدیل به ترند و صدر فهرست پلی‌لیست دانش‌آموزان ایرانی شد. آهنگی که برخی با آب‌وتاب از آن به عنوان یک تهاجم فرهنگی بزرگ به نوجوانان یاد کردند. چندی بعد نیز ویدیوی دیگری منتشر شد که نشان داد این آهنگ توسط کادر مدرسه برای دانش‌آموزان پخش می‌شود. برخی نیز از پخش این آهنگ در مهدکودک‌ها خبر دادند. بعد از این خواننده موردنظر هرسال خبر از تولید یک موسیقی پر سر و صدا برای هوادارانش داشت و از آنها خواست که دابسمش‌ها و همخوانی‌های خود را منتشر کنند. محتوای مبتذل و حتی استفاده از نام و تصویر برخی بازیگران فیلم‌های مستهجن این نگرانی را در بسیاری از خانواده‌ها به وجود آورد که هربار چه خط قرمزی قرار است شکسته شود و فرزندان‌شان چه چیزی را قرار است زمزمه کنند؟ و هرسال فقط به تقبیح و آسیب‌شناسی و مذموم دانستن چنین تولیداتی گذشت.

### گنگستر شهر آمل وومه!

فیلم پخش موسیقی «گنگستر آمل» در کلاس یک معلم مقطع ابتدایی مازندرانی نیز بار دیگر ماجرای آهنگ‌های مبتذل در مدارس را داغ کرد. اولین واکنش‌ها به پخش این آهنگ درخواست اخراج برای معلم مازندرانی بود که فوری در دستور کار قرار گرفت. بعد از آن نیز عده‌ای در دفاع از معلم مازندرانی از جا بلند شدند و هربار بخشی از ماجرا در شبکه‌های اجتماعی سوژه کاربران شد. درنهایت نماینده ولی‌فقیه در مازندران واسطه شد تا این معلم مازندرانی از مدرسه اخراج نشود که بعدها مشخص شد اصلا استخدام نیست. اما این معلم جوان نیز توانست در کوتاه‌مدت بسیار مشهور شود.

### سلام فرمانده علیه ساسی؟

بعد از همه‌گیر شدن سرود «سلام فرمانده» میان دانش‌آموزان و اجراهای مختلف و سراسری آن در همه مدارس و مساجد و پایگاه‌های مختلف در سراسر کشور، عده‌ای روی این موضوع اجماع کردند که «سلام فرمانده» جواب محکمی به سرودهای مبتذل وایرال شده پیش از خودش بوده‌است. سرود استانی که بعد از دیده شدن در شبکه‌های اجتماعی توانست حمایت‌های حاکمیتی جدی را نیز با خود داشته باشد و اجراکنندگان آن بتوانند تولیدات دیگری نیز با این حمایت‌ها از همان جنس تولید کنند. اما سوال اینجاست آیا «سلام فرمانده» جوابیه‌ای برای تولیدات مبتذلی از جنس ساسی مانکن بود؟ قبل و حتی بعد از سلام فرمانده، سرودها و نماهنگ‌های متعددی تولید شدند که توانستند همخوانی کودکان و نوجوانان را با خود به همراه داشته باشند تا در مراسم ملی مذهبی مانند جشن ۱۰ کیلومتری عید غدیر خوانده شوند و برخی از آنها نیز بسیار موفق بودند. آنها خلأ سرودهای مذهبی و آیینی برای نوجوانان را پر می‌کردند. خلأ نبود نوحه‌ها، مولودی‌ها و حتی نواهایی که نوجوانان را به طور خاص در مراسم و آیین‌های مذهبی مخاطب خود قرار دهند تا آنها نیز بتوانند حس وجود و مشارکت داشته باشند. اما باقی لحظات چه می‌شود؟

### چه تولید کرده‌ایم که گوش نمی‌دهند؟

در خاطرات قیصر امین‌پور و ناصر چشم‌آذر و بسیاری از فعالان حوزه هنری آمده‌است که بعد از انقلاب اسلامی و حساسیت‌های فرهنگی بعد از انقلاب، در حوزه هنری تصمیم بر این شد که کمبود موسیقی و سرود جبران شود و تولیدات مختلفی ساخته شد تا خلأ موسیقایی بیشتر پر شود. در دهه شصت و اوایل دهه هفتاد فیلم‌هایی مانند «شهر موش‌ها» و «گربه آوازه‌خوان» تولید شدند که سرودهای کودکانه و نوجوانانه داشتند. در اواسط دهه هفتاد فیلم سینمایی «کلاه قرمزی و پسرخاله» توانست چندین و چند موسیقی با کیفیت به دنیای موسیقی کودکان اضافه کند که بعدها آلبوم‌های آن به شکل ویژه تولید شد. فیلم سینمایی «خواهران غریب» به کارگردانی مرحوم کیومرث پوراحمد به واسطه کاراکتر خسرو شکیبایی توانست سرودها و آهنگ‌های فاخر و نوجوانانه‌ای را داشته باشد که میان عامه مردم پرطرفدار شود اما هرچه به امروز نزدیک‌تر می‌شویم مصادیق کمتری از این سرودها به خصوص برای طیف نوجوان می‌بینیم. اگر تولیدات وایرال شده در حوزه نوجوانان را ببینیم، در یک سر طیف نواها و تولیدات مذهبی از جنس سلام فرمانده ایستاده و در سمت دیگر موسیقی‌های مبتذلی مانند همین «دافی» که توانسته خودش را در فهرست موسیقی این گروه سنی جا کند. اما آیا فکری به حال خلأ میانی موجود شده‌است؟ نوجوان امروز وقتی می‌خواهد هدفونش را توی گوشش بگذارد یا اینکه توی جاده یک موسیقی شاد بشنود و با آن سر و صدا کند چند انتخاب پیش روی خود دارد؟ انتخابی که نه از جنس سلام فرمانده باشد نه از جنس تولیدات مبتذلی همچون دافی؟ چه موسیقی‌هایی به او شناسانده شده تا اوقات شادی برای خودش بسازد؟

### چه واسطه‌هایی قرار است موسیقی مناسب را هیت کنند؟

هیت شدن یکباره موسیقی‌های مبتذل از طریق سازوکارهای زیرزمینی یا توسط مدل‌ها و آرایشگاه مدل رایجی است که این روزها شاهد آن هستیم. به‌گونه‌ای که طبق گفته شرکت دافی که این روزها موسیقی تبلیغاتی پرحاشیه‌اش از همان مدرسه تهرانی پخش شد، توانست در مدت زمان کوتاهی بیش از ۲۰ میلیون بار شنیده شود. این روزها تولیدکنندگان موسیقی‌های زیرزمینی به خوبی یادگرفته‌اند که موسیقی‌شان را از طریق چه کانال و افرادی به سرعت وایرال کنند تا به پلی‌لیست جوانان و نوجوانانی که دنبال آخرین موسیقی‌های روز هستند، برسد. حال سوال اینجاست کسانی که می‌خواهند در این فضا موسیقی غیرمبتذل تولید کنند باید چه کار کنند؟ آنها چه مسیری پیش روی خود دارند تا موسیقی تولیدی خود را به دست مخاطب برسانند. موسیقی و سرودی که شاید از جنس تولیداتی چون سلام فرمانده و باقی سرودهای مذهبی نباشد اما از آن طرف از فضاهای مبتذلی چون «دافی» یا «گنگستر آمل» دور است. کدام پخش‌کننده‌ها، کدام کانال‌های کمک‌کننده غیررسمی وجود دارد که موسیقی مناسب و متناسب با حال‌وهوای شاد جوانانه و نوجوانانه را برای لحظات مختلف به دست او برساند. مساله فقط تولید نیست گاهی واسطه‌هایی نیز باید باشند که موسیقی خوب از آنها به گوش مخاطب برسد. اما این واسطه‌ها کجا هستند؟ آیا ما اصلا چنین ساختاری داریم؟ لطفا جواب این سوال‌ها را بدهید.

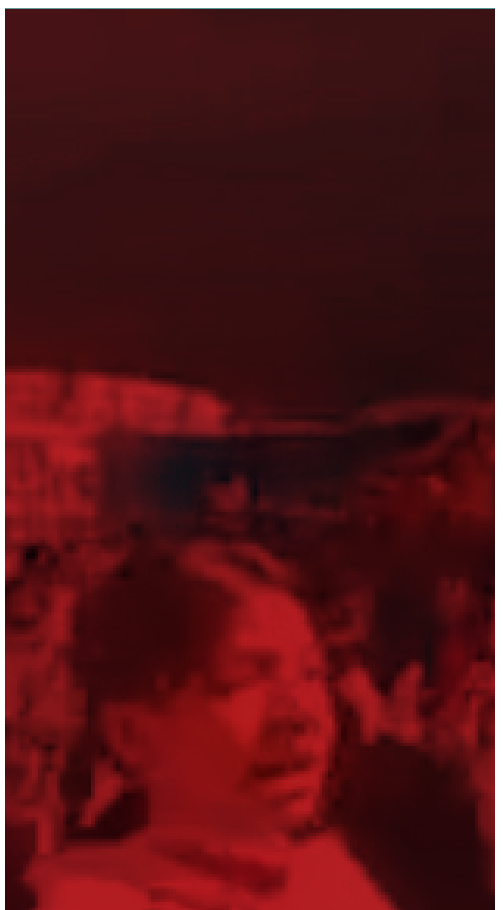

## چرا همخوانی با آهنگ‌های مبتذل وایرال‌شده در فضای مجازی برای کودکان بد است؟

# وقتی تربیت هنری در مدارس وجود ندارد وضع همین می‌شود

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

یک بار همخوانی با آهنگ مبتذلی به زبان مازندرانی، بار دیگر جمع‌خوانی دانش‌آموزان با آهنگ خواننده لس‌آنجلسی و حالا با وجود اینکه فقط چند روز از بازگشایی مدارس می‌گذرد، فیلمی از جمع‌خوانی یکی از مدارس با ترانه‌ای دیگر منتشر شده است. شاید برای شما نیز این سوال پیش آمده که مشکل از کجاست؟ آیا سلیقه موسیقایی خانواده‌ها روی فرزندان تاثیر گذاشته که کودک با آهنگ‌های فاقد محتوا همخوانی می‌کند یا کم‌کاری مدرسه و معلم است؟ البته این اتفاق پدیده جدیدی نیست اما تکرار چندباره این دست از همخوانی‌ها توسط دانش‌آموزان کم‌کم درحال تبدیل شدن به مساله‌ای نگران‌کننده شده است، زیرا این پرسش مطرح است که این دست از همخوانی‌ها را آیا اساسا باید آسیب فرهنگی جدی و قصور آموزش‌وپرورش در بعد تربیتی دانست یا اینکه متولیان فرهنگ عمومی در رابطه با این مسائل بی‌تفاوت بوده‌اند؟

### برای کلاس هنر دانش‌آموزان برنامه نداشتیم

عادل برکم، معلم و کارشناس حوزه آموزش‌وپرورش معتقد است که نبود تربیت هنری اصولی و خصوصی‌سازی مدارس در پیش آمدن چنین آسیب‌هایی موثر بوده‌اند. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید بررسی این مساله در مدارس کشورمان چند بعد دارد: «اولین بعد در بررسی این مساله سلیقه موسیقایی تربیت هنری و زیبایی‌شناسی است که متاسفانه نظام آموزشی ما در این حوزه ضعف دارد. اینکه دانش‌آموز هنر را بشناسد و با مفاهیم و تعالیم هنر ایرانی که تعالی‌بخش است، آشنا شود. هنری که مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی دینی عرفانی و فرهنگی خاص خودمان را در خود جا بدهد و دانش‌آموز باید هم این مفاهیم را بشناسد و هم حافظ و دنبال‌کننده آنها باشد. اما واقعیت این است که تربیت هنری دانش‌آموزان با توجه به چنین مفاهیمی ضعیف است، یعنی چه در بحث تکنیکال و چه بحث معرفتی و زیبایی‌شناسی هنر نظام آموزشی ما ضعف داشته است. یکی از درس‌هایی که بی‌توجه از کنارش رد می‌شویم و آموزش‌وپرورش برایش برنامه ندارد درس هنر بوده که تنها در نقاشی کشیدن و گذراندن بیهوده وقت خلاصه می‌شد. در درس هنر تمرکزمان بیشتر بر نقاشی و خط بود و به سایر هنرها بی‌توجهی می‌شد. از طرف دیگر کتاب هنر خصوصا کتاب مرتبط با موسیقی برای مقاطع هنر نداریم و اساسا محتوایی وجود ندارد که بخواهد تربیت هنری اتفاق بیفتد.» موسیقی در مدارس هم از طریق محتوای درسی می‌تواند دنبال شود و هم با تشکیل گروه‌های موسیقی و سرود در مدارس. با توجه به احساس نیاز به این دست از گروه‌های هنری مانند گروه سرود در سال‌های گذشته؛ ما تا همین چند سال گذشته می‌دیدیم که به گروه‌های سرود توجه ویژه می‌شد اما با تمرکز بیشتر روی آزمون‌های تحصیلی- خصوصا کنکور- احساس نیاز به تشکیل گروه‌های هنری مانند گروه سرود کمتر شد. آن‌گونه که این کارشناس آموزش‌وپرورش می‌گوید در برهه‌ای قرار بود آموزش موسیقی را در مدارس داشته باشیم، حتی کتاب مرتبط با این درس هم چاپ شد اما این آموزش و این درس در نظام آموزشی به سرانجام نرسید.

### چگونه افسار سلیقه موسیقی دانش‌آموز از دست نظام آموزشی رها شد

برکم همچنین در رابطه با هنرستان‌های موسیقی می‌گوید فعالیت هنرستان‌های موسیقی دولتی رایگان کمرنگ شده و حتی هنرستان مرتبط با موسیقی هم نداریم که رایگان باشد: «خود این مساله یعنی نداشتن یک برنامه آموزشی و تربیتی هنری باعث شده مدرسه و به طور کلی نظام آموزشی و تربیتی، عنان سلیقه هنری و موسیقی را از دست بدهد. درنهایت امر، این سلیقه هنری و موسیقی را افراد دیگر و حتی خارج از چهارچوب مدرسه و نظام تربیتی تعیین می‌کنند. این مساله به شدت فرهنگی و متاثر از نگاه بسته‌ای است که بر هنر و خصوصا موسیقی حاکم است. این اتفاق می‌توانست از طریق یک برنامه صحیح پیش برود اما نگاه حاکمیتی درست به موضوع وجود نداشته. می‌بینیم که بسیاری از موسیقیدانان و اشعار قدیمی و سنتی ما برای دانش‌آموزان ناشناخته‌اند و نتوانسته‌ایم با زبان امروزی این محتوا را برای دانش‌آموزان بازنشر دهیم. این قصور دو وجه دارد؛ یک وجه بسته به نظام آموزشی و بخش دیگر نظام فرهنگی است. بنابراین کم‌کم تاثیرگذاری‌مان را نه تنها در نظام آموزشی، بلکه در نظام فرهنگی نیز از دست داده‌ایم، برخوردهایی سلبی هم که موضوع را حل نمی‌کند و اتفاقا من معتقدم که موضوع را بدتر می‌کند؛ چراکه تنها با ابزار توبیخ روی مساله سرپوش می‌گذارد تا آشکار نشود.»

### به رده‌بندی سنی محتوا توجهی نداریم

از منظر این کارشناس آموزشی بعد دیگر مساله این است که برای افراد مختلف در سطح جامعه و خصوصا دانش‌آموزان باید محتواگزینی صحیح رخ می‌داد که انجام نشد و خود همین باعث به وجود آمدن برخی معضل‌ها شد: «در تمام جوامع حتی جوامع آزاد رده‌بندی و طبقه‌بندی سنی برای محتواهای مختلف وجود دارد. آنچه در نظرات کارشناسی درباره همخوانی‌های صورت‌گرفته خواندم، این بود که آن محتوا محتوای مناسب سن یک کودک دبستانی نبوده و چه‌بسا برای مدرسه و محیط آموزشی نیز آن محتوا مناسب نبوده است. اما مساله معلول این قضیه است که ما در جامعه به رده‌بندی محتوایی که برای کودکان ارائه می‌شود، توجه نمی‌کنیم؛ چه در مراکز و نظام‌های آموزشی و چه نظام‌ها و مراکز فرهنگی رده‌بندی محتوا فرهنگ‌سازی نشده است. همخوانی و پخش این آهنگ تنها یک مصداق رده‌بندی سنی محتواست، حتی در برنامه‌های سیاسی که برای دانش‌آموزان اجرا می‌شود هم رده‌بندی سنی رعایت نمی‌شود. بخشی از اتفاقات به دلیل کج‌سلیقگی‌هایی است که از سوی حاکمیت و نظام آموزشی رخ داده است. اگر می‌گوییم پخش فلان آهنگ مناسب کودک نیست باید درعین حال بگوییم که فلان برنامه سیاسی مناسب سن دانش‌آموز یک مقطع خاص نیست.»

### خصوصی‌سازی مدارس بی‌تاثیر نیست!

برکم البته خصوصی‌سازی مدارس را بی‌تاثیر در ماجرای تربیت دانش‌آموزان نمی‌بیند. او معتقد است وقتی خصوصی‌سازی مدارس صورت بگیرد نمی‌توان گفت که مدارس از سوی خانواده‌ها تامین مالی شود اما همزمان محتوای مورد تایید حاکمیت برای دانش‌آموزان ارائه شود: «این مساله حرکت متناقضی است و باید بپذیریم که وقتی تامین مالی را به خانواده‌ها می‌سپاریم کم و بیش این اتفاقات ممکن است رخ دهد. اتفاقا اگر ساختاری حاکم می‌شد که دموکراتیزاسیون بحث آموزش بر آن حاکم بود و به طور برابر و کارشناسی شده این مساله پیش می‌رفت، چنین اتفاقی نمی‌افتاد، یعنی اگر مدارسی داشتیم که عمومی بودند و همه خانواده‌ها در تامین مالی و تامین محتوا و سیاستگذاری آن موثر بودند و نه تنها یک طبقه خاص، چنین اتفاقاتی در مدارس رخ نمی‌داد.» برکم همچنین به حقوق کودک اشاره می‌کند و بررسی چنین مساله‌ای را بسته به یک بعد و ریشه نمی‌داند: «متاسفانه وقتی می‌گوییم بسیاری از محتواها مناسب سن کودک نیست جریان نزدیک به حاکمیت بیشتر چنین اتفاقاتی را می‌بینند. در سمت دیگر چندسال گذشته ما کارهایی مانند نارنجک پخش کردن در روز دانش‌آموز با یک جمله خاص را هم داشته‌ایم. اگر قرار است درباره حقوق کودک و رده‌بندی محتوا واکنشی نشان دهیم باید این کارها را هم ببینیم. در جامعه ما حتی پلیس نمی‌داند با کودک کار چگونه برخورد کند؟ اتفاقا این مسائل در رابطه با حقوق کودک دو روی یک سکه هستند. درباره برخورد با کودک آموزش ندیده‌ایم، حتی نظام آموزشی که با کودک سروکار دارد هم متاسفانه در برخورد با کودک آموزش ندیده است. اینکه چه محتوا چه رفتار و برخورد و چه سطح امکاناتی را باید در اختیار کودک قرار داد هنوز رعایت نمی‌شود و ما در رفتار با کودک به بلوغ نرسیده‌ایم. این عدم رسیدن به بلوغ در نظام آموزشی نظام فرهنگی صداوسیما و تمام ارگان‌هایی که با کودک سروکار دارند، ارتباط دارد.»

مشکلات آب و هوایی و کمبود آب، صنعت کشاورزی را به‌سمت روش‌های فناورانه سوق می‌دهد

# رشد ۱۰ درصدی بازار مزرعه‌های عمودی تا سال ۲۰۳۰

فرهیختگان
دانشگاه
یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲ | شماره ۳۹۷۰ | WWW.FDN.IR

«فرهیختگان» از تحولات حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد گزارش می‌دهد

## روایت تغییر نگاه به کشاورزی در دانشگاه آزاد

عکس: سید وحید حسینی | فرهیختگان

رئیس دانشگاه آزاد استان آذربایجان شرقی خبرداد

## برگزاری بیست‌ویکمین همایش ملی حسابداری به میزبانی واحد تبریز

## نظام یکپارچه تربیتی حلقه مفقوده نظام آموزشی از مدرسه تا دانشگاه

### واقعیت‌های اجتماعی سریع‌تر از تصورات آموزشی ما پیش می‌روند

ملیحه‌السادات خانقاهی
پژوهشگر حوزه مدیریت آموزشی

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی نظام اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار اساسی برای ارتقای شایستگی سرمایه انسانی کشور در عرصه‌های مختلف است. تربیت و پرورش صحیح قوای جسمی و روحی، عامل شکوفایی استعدادهای ذاتی بشر برای رسیدن به رشد و کمال حقیقی است. نتیجه فرآیند تربیت، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد انسان کامل است. بر این اساس می‌توان هدف کلی جریان تربیت را آمادگی متربیان برای خلق مدینه فاضله و تمدن نوین اسلامی برشمرد. اما این آمادگی در صورتی محقق خواهد شد که همه مولفه‌ها و ابعاد هویت متربیان به شکلی یکپارچه در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس معیارهای نظام اسلامی تکوین و به‌طور پیوسته تعالی یابد. از آنجا که انسان نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی خویش و تشکیل جامعه صالح دارد، لذا لازم است که با درک موقعیت خویش و دیگران و با استناد به اعمال فردی و جمعی مبتنی بر معیارهای اسلامی، در تحقق هدف کلی تربیت بکوشد. در این میان، نقش هر یک از بازیگران عرصه تربیت اعم از خانواده، معلم، مدرسه، رسانه و... در فرآیند تربیت از اهمیت زیادی برخوردار است. در دهه‌های گذشته، بیشتر تمرکز نظام آموزش و پرورش بر انتقال دانش به دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنها برای ورود به دانشگاه معطوف بوده است که این مساله مهم‌ترین چالش‌های تربیتی آموزش و پرورش یعنی تقدم بعد آموزشی بر تربیت بوده است. این امر در صورتی است که رشد و تکامل انسان تدریجی و تکوینی است و تربیت در کنار آموزش می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی به حساب آید و هدف غایی نظام تعلیم و تربیت، پرورش سرمایه‌های انسانی به‌عنوان قوه عاقله جامعه است. مدرسه به‌عنوان جایگاه نهادی تعلیم و تربیت دارای جایگاه رفیعی در تحول جامعه است و بنابراین، لازم است اهداف، روش‌ها و روابط حاکم بر آن با نیازهای رشد، تحول و تربیت زندگی دانش‌آموزان منطبق باشد. بنابراین لازم است ضمن انتقال مفاهیم علمی به دانش‌آموزان و تقویت دستاوردهای علمی آنها معیارهای تربیتی و پرورشی نیز ملاک عمل قرار بگیرد. واقعیات اجتماعی سریع‌تر از تصورات آموزشی ما پیش می‌روند، آینده ارتباطی تنگاتنگ با مسائل تربیتی دانش‌آموزان دارد و تغییر نسل‌های دانش‌پذیران و دانشگاه‌ها به مفهوم تغییر در رویکرد و روش‌های آموزش و یادگیری دانش‌پذیران و دانشگاه‌ها اشاره دارد. نسل‌های جدید دانش‌آموزان نیاز به روش‌های آموزشی متفاوتی دارند که با توجه به استفاده آنها از فناوری، باید به دنبال روش‌هایی باشیم که بتوانیم آنها را در یادگیری و آموزش بهتر یاری کنیم. با توجه به تحولات فناوری به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی و یادگیری ماشین و تغییر در نیازهای جامعه، دانشگاه‌ها نیز باید به‌روز شده و روش‌های جدیدی را برای آموزش و یادگیری به کار بگیرند. برخی از روش‌های جدید شامل یادگیری تعاملی، استفاده از فناوری‌های جدید، کلاس‌های برخط و استفاده از محتوای الکترونیکی است.

### تربیت در سند تحول آموزش و پرورش

همراهی یادگیری در محیط‌های آموزشی با مسائل تربیتی سبب خواهد شد ارتباط میان حوزه‌های معرفتی که در گذشته مورد غفلت واقع شده است، در مسائل و وجوه مختلف زندگی جلوه‌گر شود. براین اساس، مدرسه مقدمه ورود افراد به دانشگاه است و دانشگاه در واقع ادامه صیرورت علمی مدرسه را در عمل دنبال می‌کند. نکته مهم این است که این دو نهاد قرار است به‌عنوان اجزای نظام پرورش و آموزش نیروی انسانی در جامعه نقش‌آفرین باشند و کارکرد هر دو تربیت نیروی متخصص و صاحب دانش و بینش و نیز تولید انسان فرهیخته است. برای نیل به این هدف در سطح مدرسه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین سند بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور بر مفهوم تربیت تاکید بسیاری دارد. مطابق مفاد این سند، نظام آموزشی مهم‌ترین نهاد تربیت شناخته می‌شود و همه امکانات و تجهیزات آموزشی کشور نیز باید در اختیار امر تربیت قرار گیرد. بدین لحاظ در فصل هفتم سند مذکور به وضوح تاکید شده است که مقصود از تربیت، تربیت اسلامی است؛ لذا در تربیت الگوی آموزش و پرورش، تقویت شایستگی‌های اعتقادی و حرفه‌ای معلمان و مدیران و از سوی دیگر تقویت ایمان و بصیرت دینی دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت است. توجه به تربیت تمام ساحتی، گسترش عدالت آموزشی، افزایش مشارکت و اثربخشی خانواده در نظام تعلیم و تربیت، تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها، عدالت‌خواه و صلح‌جو از جمله اهداف پیش‌بینی شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. در سند تحول آموزش و پرورش، فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران تک‌ساحتی و تک‌بعدی نیست و برای تربیت چند ساحت در نظر گرفته شده است. تعلیم و تربیت اعتقادی، تعلیم و تربیت اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و تعلیم و تربیت علمی و فناورانه به‌عنوان ابعاد تربیت در نظر گرفته شده‌اند. در تمامی بخش‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر واژه تربیت به شکلی محوری تاکید شده و بیش از آنکه بر آموزش و پرورش اشاره شود بر دو واژه تعلیم و تربیت توجه شده است.

### نظام تعلیم و تربیت چندساحتی

تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان و دانشجویان در کنار تزکیه و خودسازی از مهم‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت است. مسئولیت ما آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن نقش‌هایی است که در آینده باید عهده‌دار شوند. برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نقش‌های آینده مدارس باید به دانش‌آموزان آموزش‌هایی ارائه دهند که آنها را برای زندگی در جامعه و بازار کار آماده کنند. همچنین با توجه به تحولات فناوری و تغییر در نیازهای جامعه مدارس باید به‌روز شده و روش‌های جدیدی را برای تربیت، آموزش و یادگیری به کار بگیرند.

در نظام آموزش و پرورش منطبق بر سند تحول تربیت در تمامی ساحت‌های خود نیازمند محیط‌های دیگری بیش از مدرسه است و مدرسه به‌تنهایی نمی‌تواند تربیت مدنظر را شکل دهد. بنابراین برای خارج ساختن آموزش و پرورش از تک‌ساحتی بودن آموزشی لازم است خانواده، معلم، مدرسه و سایر نهادهای مرتبط با یکدیگر همکاری و همراهی کنند. در سند تحول آموزش و پرورش ساحت‌های شش‌گانه‌ای در نظر گرفته شده است که عبارتند از: ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت علمی و فناوری، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی، ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی. در این نظام تربیتی دانش‌آموزان برای ساحت تربیت اعتقادی - اخلاقی به نهادهای قرآنی و برای ساحت زیباشناختی و هنری به مراکز هنری و نگارخانه‌ها مراجعه می‌کنند. برای کارآفرینی و ساحت تربیت اقتصادی - حرفه‌ای دانش‌آموزان به کارخانه‌ها سر می‌زنند و همراه پرورشی به‌عنوان همراه و راهنمای دانش‌آموز است تا این کنکاش‌ها صورت بگیرد.

### ضرورت یکپارچگی نظام تعلیم و تربیت بین مدرسه و دانشگاه

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نقش دانشگاه‌ها و به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان در تحقق اهداف این سند برجسته شده است و تحول نظام دانشگاه فرهنگیان در راستای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد توجه واقع شده است. اما تربیت مقوله‌ای نیست که صرفا در حوزه مدرسه یا یک دانشگاه خاص به‌تنهایی دنبال شود، بلکه نیازمند دید کلان و راهبردی در کل نظام آموزشی است. تربیت در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی به‌ویژه در سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها به‌منظور تولید دانش و فرهنگ با رویکرد اسلامی و دیدگاهی آینده‌نگر با هدف تعادل بخشیدن به جنبه‌های فرهنگی و آموزشی دانشگاه با تاکید بر ارزش‌ها و آموزش اسلامی در نظر گرفته شده است. نحوه جاری‌سازی این روند در چهارچوب نقشه علمی جامع کشور تعریف شده است و هدف آن ایجاد فضایی است که دانشجویان با ارزش‌ها و اصول اسلامی آشنا شوند و به توسعه کشور و جامعه کمک کنند. بنابراین دانشگاه در کنار تربیت نیروی متخصص باید به موضوع تربیت اخلاقی و اجتماعی نیز توجه بیشتری کند و در تربیت مساله‌محور دانشجو در ادوار و زمان مختلف پیش‌قدم شود. باید در کنار عناصر منجر به تعالی فردی عناصر مربوط به تعالی اجتماعی همچون هویت اسلامی- ایرانی، سبک زندگی و... را با روش‌های مبتکرانه و بدیع به دانشجویان انتقال داد.

در شرایط حاضر از نظر تجربی به نظر می‌رسد ارتباط میان این دو نهاد به‌ویژه در حوزه تربیت دچار گسست‌هایی شده است. در این شرایط بسیاری از سیاست‌های آموزشی در کشور بدون توجه به یکپارچگی نظام آموزشی اجرا می‌شوند. درحالی‌که یکپارچه‌نگری مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف سند تحول آموزش و پرورش است و تفکیک آموزش از پرورش و تعلیم از تربیت آسیب‌زاست و این دو عامل لازم و ملزوم یکدیگر هستند و ادامه وضع موجود به دلیل اتلاف سرمایه‌های کشور مطلوب نیست. لذا لازم است تا در اسناد بالادستی آموزش عالی ساحت‌های شش‌گانه سند تحول آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد و شکل‌گیری نظام پیوسته تربیتی و ایجاد محیطی که در آن دانش‌آموزان نگرش خاصی از مدرسه، حرفه و آینده خود و به‌طور کلی از جامعه به دست آورند در کانون برنامه‌های راهبردی باشد.

برای نیل به این هدف نیاز است تا منظرهای سه‌گانه تربیت، آموزش و مهارت در دانشگاه و مدرسه مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق یکپارچگی تربیت در دانشگاه و مدرسه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- **تدوین نظام جامع تربیتی:** لازم است که یک نظام جامع تربیتی برای کشور تدوین شود که اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزش‌های تربیتی دانشگاه و مدرسه را به‌طور منسجم مشخص کند.
- **تبیین همکاری و تعامل بین دانشگاه‌ها و مدارس:** در زمینه هماهنگی برنامه‌های اجرایی و همچنین گسترش بهره‌گیری مدارس از ظرفیت و امکانات دانشگاه‌ها ضروری است. برای این منظور با توجه به پراکندگی مدارس و دانشگاه‌ها در کشور می‌توان مدارس وابسته به دانشگاه ایجاد کرد یا در هر منطقه بر حسب آمایش چندین مدرسه را به دانشگاه‌های منطقه‌ای متصل کرد.
- **آموزش معلمان و استادان:** لازم است که معلمان و استادان در زمینه نظام تربیتی یکپارچه آموزش ببینند تا بتوانند با استفاده از روش‌های مناسب این رویکرد را در کلاس درس اجرا کنند. به‌ویژه از ظرفیت گروه‌های علمی برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی در راستای تدوین استراتژی‌های کاربردی تربیتی استفاده بیشتری شود که این مهم نیازمند حضور میدانی اساتید مربوطه در مدارس است.
- در تولید محتوای آموزشی نیز لازم است به مسائل تربیتی دانش‌آموزان توجه جدی شود و مباحث آموزشی با رویکرد تربیتی تدوین شوند. تولید محتوای کتاب‌ها نیز نیازمند بازنگری است تا به فرهیختگی دانش‌آموزان کمک کند. کتاب‌های درسی لازم است تا ارزش‌های اسلامی و ایرانی مانند: درستکاری، قناعت، تلاش، وطن دوستی، محیط زیست، رعایت حقوق دیگران، رعایت قانون، احترام به بزرگ‌ترها، پرهیز از خشونت و... را به‌خوبی با شخصیت محصلان برقرار سازند و بسیاری دیگر از مهارت‌های زندگی را در وجود و شخصیت دانش‌آموزان نهادینه کنند.
- بهره‌گیری از عوامل رسانه و فضای مجازی در راستای آگاهی‌بخشی، ترغیب به تفکر، تقویت ارتباط با خانواده، تقویت ارتباط با جامعه، ترغیب به رفتارهای مثبت و تقویت اعتمادبه‌نفس.

**خبر** نتایج انتخاب رشته کارشناسی ناپیوسته ۱۴۰۲ رشته‌های علوم پزشکی اعلام شد

نتایج انتخاب رشته داوطلبان آزمون کارشناسی ناپیوسته ۱۴۰۲ رشته‌های علوم پزشکی دانشگاه آزاد اعلام شد و در سامانه http://azmoon.org قرار گرفت. پذیرفته‌شدگان می‌توانند از ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه ۱۲ مهرماه با مراجعه به سامانه آموزشیار به آدرس http://edu.iau.ac.ir و مطابق جدول زمانی اعلام‌شده نسبت به ثبت‌نام خود اقدام کنند. پذیرفته‌شدگان جهت اطلاع از شرایط و ضوابط ثبت‌نام می‌توانند راهنمای مقطع موردنظر خود را از سامانه http://sanjesh.iau.ir دریافت و مطالعه کنند.

**خبر** اعلام نتایج پذیرش بدون آزمون کارشناسی ناپیوسته مهرماه ۱۴۰۲

نتایج مقطع کارشناسی ناپیوسته پذیرش براساس سوابق تحصیلی دانشگاه آزاد روی سامانه www.azmoon.org قرار گرفت. پذیرفته‌شدگان این مقطع می‌توانند از ساعت ۱۰ روز چهارشنبه (۱۲ مهرماه) با مراجعه به سامانه آموزشیار edu.iau.ac.ir و مطابق جدول زمانی اعلام شده نسبت به ثبت‌نام خود به‌صورت مجازی اقدام کنند. پذیرفته‌شدگان جهت اطلاع از شرایط و ضوابط ثبت‌نام می‌توانند راهنمای مقطع مورد نظر خود را از سامانه sanjesh.iau.ir دریافت و مطالعه کنند. شایان ذکر است نتایج آزمون سراسری، مقاطع کارشناسی پیوسته، کاردانی پیوسته و ناپیوسته حداکثر تا پایان هفته جاری اعلام خواهد شد.

**خبر** برگزاری بیست‌ویکمین همایش ملی حسابداری به میزبانی واحد تبریز

آرش رنجبران، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان شرقی و واحد تبریز روز شنبه در نشست خبری برگزاری دو رویداد پژوهشی و فناورانه به میزبانی این واحد دانشگاهی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «ریشه دانشگاه آزاد در سال ۱۳۶۱ در تبریز شکل گرفت و این واحد دانشگاهی امروز به یکی از واحدهای پیشرو در بحث آموزش و پژوهش تبدیل شده و در چند سال اخیر این واحد در این حوزه‌ها رشد قابل توجهی داشته است.» وی ادامه داد: «ایجاد واحدهای دانش‌بنیان و مجموعه فناورانه در این واحد دانشگاهی حاکی از حرکت جدی این دانشگاه در این حوزه‌هاست.» رنجبران به برگزاری بیست‌ویکمین همایش ملی حسابداری ایران و سومین همایش بین‌المللی حسابداری در این واحد دانشگاهی اشاره کرد و گفت: «این همایش با محوریت آینده‌پژوهشی در حسابداری، گزارشگری پایداری و تاب‌آوری کسب‌وکارها، ۱۲ و ۱۳ مهرماه جاری برگزار می‌شود.»

وی با بیان اینکه برای نخستین‌بار یکی از معتبرترین همایش‌های حسابداری در دانشگاهی غیردولتی برگزار خواهد شد، ادامه داد: «میهمانان برجسته‌ای در این همایش از معاونان وزارت اقتصاد، سازمان بورس، معاونان بانک مرکزی، دبیرکل حسابداران رسمی ایران و اعضای اتاق بازرگانی کشور حضور می‌یابند و هزینه‌های همایش از سوی حامیان تامین شده است و بار مالی برای دانشگاه ندارد.» وی گفت: «همچنین نخستین رویداد و همایش ملی کاربرد فناوری‌های نوین در مهندسی عمران، هفتم تا نهم اسفندماه جاری و همزمان با روز مهندس در این واحد برگزار می‌شود و محوریت برگزاری همایش نگاه فناورانه به موضوع مهندسی عمران است.» رنجبران افزود: «تلاش برای تحقق کسب مرجعیت عملی یکی از اهداف سند بنیادین و تحولی دانشگاه آزاد است و یکی از بخش‌هایی که این مرجعیت را تثبیت می‌کند برگزاری این‌گونه همایش‌هاست.»

دبیر عملی بیست‌ویکمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی حسابداری نیز به تاریخچه رشته حسابداری در واحد تبریز اشاره کرد و گفت: «در سال ۱۳۶۷ نخستین دانشجویان کارشناسی در این رشته پذیرش شدند، در سال ۱۳۸۵ دانشجوی کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۹۳ اولین ورودی دکتری در این دانشگاه اتفاق افتاد و در سال ۱۳۹۴ در حوزه مالی و در مهندسی مالی نیز در دو مقطع ارشد و دکتری پذیرش شدند.» رسول برادران ادامه داد: «با توجه به قدمت این دانشگاه در حسابداری و تاثیرگذار بودن آن در سطح کشور، مجوز نخستین مجله پژوهشی را نیز به نام این واحد کسب کردیم که سه شماره آن چاپ شده و شماره چهارم نیز در کنگره توزیع می‌شود و همین ویژگی‌ها موجب شد تا امتیاز میزبانی همایش به دانشگاه آزاد تبریز داده شود.» وی بیان کرد: «میزبان این همایش از سوی دبیرخانه مرکزی که در دانشگاه‌های تهران، الزهرا و علامه طباطبایی مستقر است، مشخص می‌شود و این برای نخستین‌بار است که میزبانی به دانشگاه غیردولتی داده می‌شود.»

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» از تحولات حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد گزارش می‌دهد

# روایت تغییر نگاه به کشاورزی در دانشگاه آزاد

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

«پول حلال مشکلات است.» شاید این جمله را بارها از زبان اطرافیان شنیده باشیم. به همین دلیل است که وقتی صحبت از کار کردن و یافتن شغل مناسب می‌شود، اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند میزان درآمد آن شغل است. بنابراین اصلا جای تعجب ندارد که اکثر مردم قبل از ورود به یک حرفه تلاش می‌کنند تا از میزان درآمدزایی آن مطلع شوند. در این میان یکی از مشاغلی که ارتباط مستقیمی هم با سلامت مردم دارد کشاورزی است؛ براساس آخرین آماری که توسط مرکز آمار ایران در بهار امسال منتشر شده در کشور حدود ۴ میلیون نفر شغل مرتبط و مستقیم با مساله کشاورزی دارند و می‌توان گفت حداقل ۱۰ میلیون خانوار با مساله غذا به‌طور مستقیم زندگی می‌کنند؛ اعدادی که نشان‌دهنده اهمیت مساله کشاورزی در کشور است، در حالی که دانشگاه‌ها در رشته کشاورزی نمره قبولی را از مردم نگرفته‌اند؛ زیرا مردم معتقدند رشته کشاورزی نمی‌تواند آینده مالی فرزندان آنها را تامین کند و به اصلاح رشته پول‌سازی نیست. روزهای ابتدای سال ۹۷ بود که حرف از تحول در حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد اسلامی مطرح شد و مسئولان دانشگاه با شناخت مشکلات این حوزه طرح تحول کشاورزی را کلید زده و تلاش کردند تا پرچمدار تحول در حوزه کشاورزی باشد؛ تحولی که تمام ابعاد کشاورزی را دربرمی‌گرفت؛ از بازمهندسی رشته‌های کشاورزی تا تاسیس سراهای نوآوری و ایجاد دانشکده‌های مهارتی.

## پتانسیل علمی دانشگاه آزاد در حوزه کشاورزی چگونه است؟

در حال حاضر ۲۰ هزار و ۳۲۵ دانشجوی فعال رشته کشاورزی در مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی در دانشگاه آزاد مشغول به تحصیل هستند. همچنین ۱۹۶ رشته کشاورزی در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در این دانشگاه فعال است.

گروه کشاورزی در دانشگاه آزاد دارای دو رشته مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی است که هزار و ۱۰۱ عضو هیات علمی در رشته مهندسی کشاورزی با ۱۰ گرایش متفاوت در دانشگاه آزاد مشغول به فعالیت هستند که از این تعداد استان تهران با ۱۲۵ استاد و استان آذربایجان شرقی با ۸۷ عضو هیات علمی بیشترین تعداد اعضای هیات علمی را به خود اختصاص داده‌اند. از هزار و ۱۰۱ عضو هیات علمی، ۸۵۹ نفر مرد و ۲۴۲ نفر زن هستند. دانشگاه آزاد در رشته منابع طبیعی دارای ۲۴۸ عضو هیات علمی در پنج گرایش است که از این تعداد ۱۸۵ نفر مرد و ۶۳ نفر زن هستند. با این اوصاف هزار و ۳۴۹ عضو هیات علمی در این دانشگاه در حوزه کشاورزی مشغول به فعالیت هستند.

به جز اساتید و دانشجویان، دانشگاه آزاد هم‌اکنون بیش از ۲۰ مرکز تحقیقاتی با محوریت حوزه کشاورزی در اقصی نقاط کشور دارد که در زمینه‌های مختلفی مشغول به فعالیت هستند. در حوزه فناوری هم قریب به ۱۵ سرای نوآوری در سال‌های اخیر تشکیل شده‌اند تا فاصله بین توانمندی علمی، پژوهش‌ها و بهره‌برداری از آنها را کاهش دهند و علم را در خدمت افزایش کیفیت حوزه کشاورزی قرار دهند.

تعداد دانشجویان فعال در حوزه کشاورزی

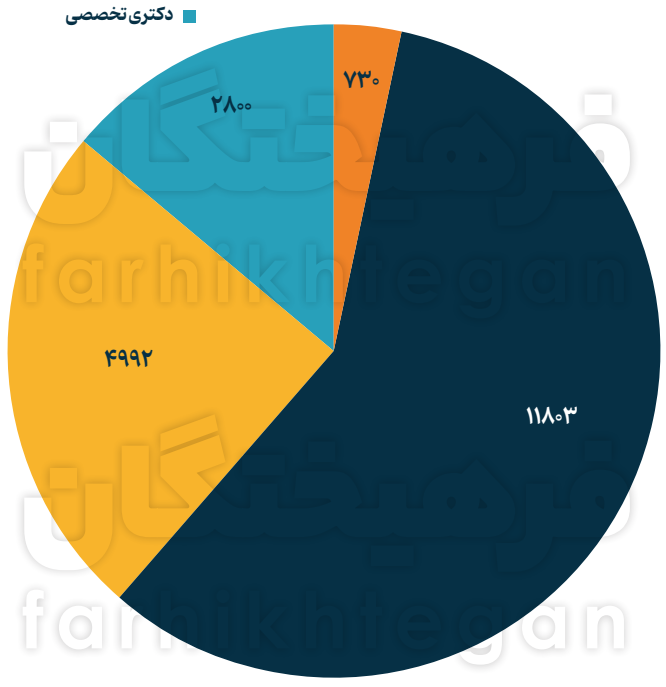


فراوانی اعضای هیات علمی مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد برحسب گرایش

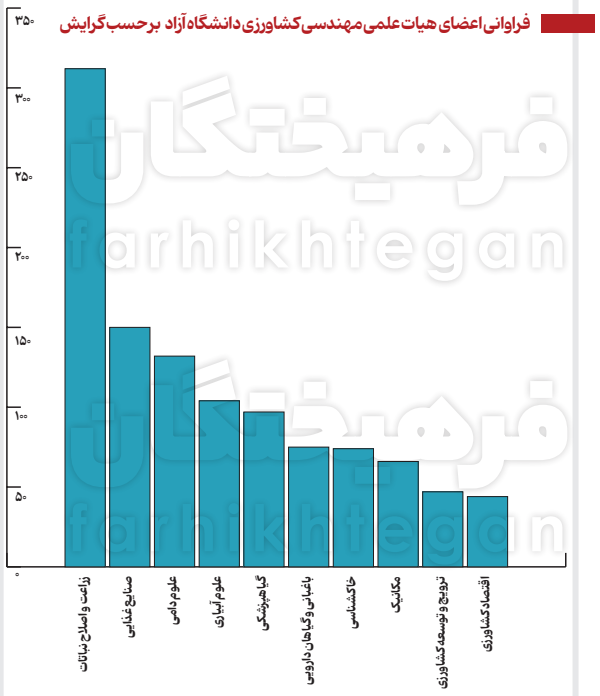


استان‌های دارای بیشترین فراوانی اعضای هیات علمی گروه مهندسی کشاورزی

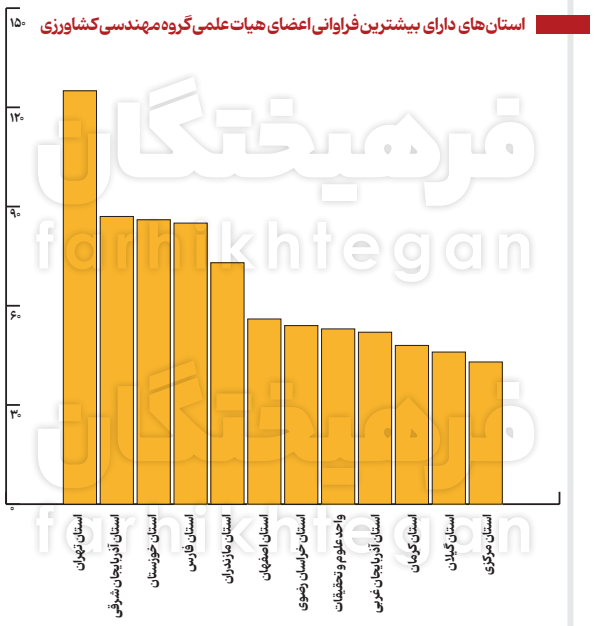


فراوانی اعضای هیات علمی منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی برحسب گرایش

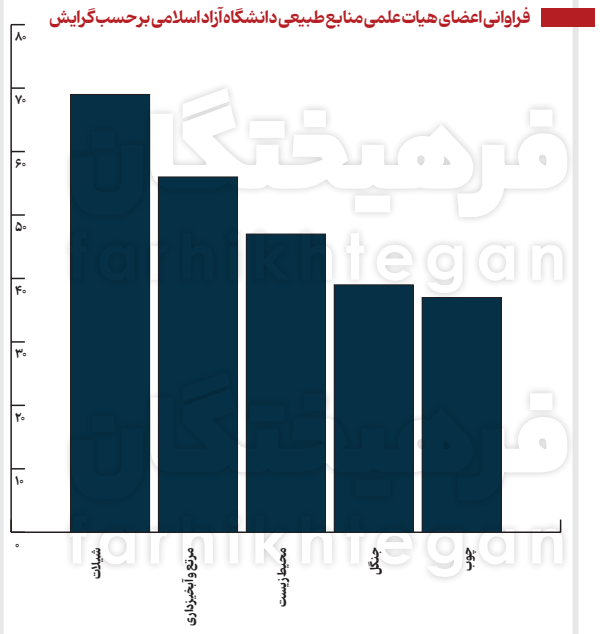


استان‌های دارای بیشترین اعضای هیات علمی گروه منابع طبیعی

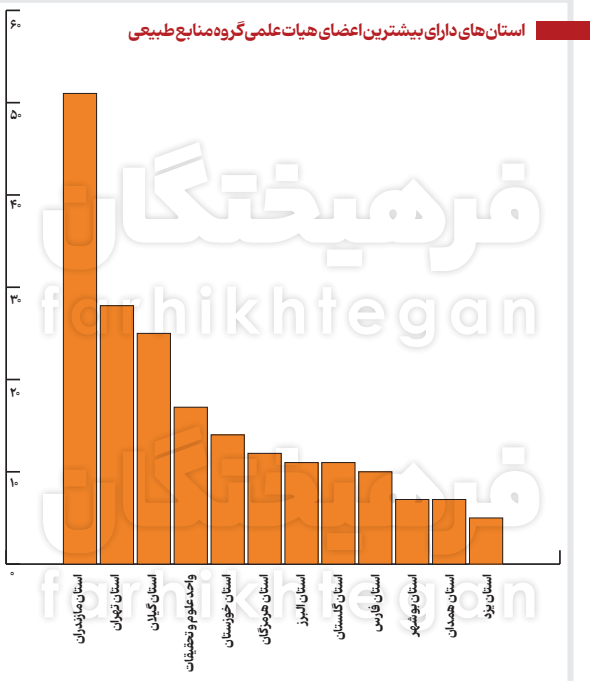


## تحول در کشاورزی دانشگاه آزاد چگونه آغاز شد؟

مسئولان دانشگاه معتقد بودند دلیل اینکه رشته کشاورزی رشته پولسازی نیست و همیشه گرایش به آن کم بوده، این است که هیچ چیز سر جای خود قرار نگرفته است. یعنی در این رشته دانشجویانی فارغ‌التحصیل می‌شوند که بعد از فارغ‌التحصیلی آن‌طور که باید و شاید کارآمد نیستند. برخی می‌گویند بحران آینده کشاورزی آب نیست بلکه داشتن نیروهای نوآور بااستعداد است. بنابراین یکی از مواردی که در طرح تحول کشاورزی مد نظر قرار گرفت، تربیت فارغ‌التحصیلانی بود که پس از اتمام تحصیل بتوانند حرفی برای گفتن داشته باشند و به اصطلاح بتوانند حتی یک مزرعه را مدیریت کنند. مسئولان دانشگاه معتقدند همان‌طور که یک دندانپزشک بعد از فارغ‌التحصیلی می‌تواند طبابت کند، فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی نیز باید بتواند در همین حوزه مشغول به فعالیت شود.

با این اوصاف دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در سال ۹۸ بر لزوم تحول در نظام آموزشی و پژوهشی کشاورزی تاکید کرد و گفت که در یک نظام مدیریتی، باید سخت‌ترین نقطه را برای تحول انتخاب کرد چراکه اگر این تحول صورت گیرد، به تبع آن مراحل آسان‌تر نیز متحول خواهد شد. درواقع باید نقطه آسیب‌پذیر مجموعه را برای تحول انتخاب کرد. به همین دلیل رشته کشاورزی در نظام آموزشی به‌عنوان نقطه تحول در نظر گرفته شد. مسئولان دانشگاه آزاد در طرح تحولی خود تلاش کردند تا تهدیدها را تبدیل به فرصت کنند. این موضوع که جامعه نسبت به رشته‌های کشاورزی اقبال نشان نمی‌دهد، یک تهدید و در مقابل، بازار غذا و محصولات کشاورزی در کشور، فرصت بزرگ این حوزه است و از آنجایی که کار یک مدیر تبدیل تهدید به فرصت است، دانشگاه آزاد به این حوزه وارد شد تا تهدیدهای حوزه کشاورزی را به فرصت تبدیل کند. از سال ۹۷ که بحث تحول در کشاورزی در دانشگاه آزاد کلید خورد تا به امروز چند تحول اساسی اتفاق افتاده است. هیات عاملی شدن، استفاده از امکانات و زمین‌های بلااستفاده و... از تحولات در این حوزه است.

## ارتقای مهارت با قرارگرفتن تولید در کنار آموزش و پژوهش

محمدعلی باغستانی، مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد درباره پتانسیل‌های دانشگاه آزاد در حوزه کشاورزی توضیح می‌دهد که اکنون بیش از ۵۰ درصد افرادی که در وزارت جهاد کشاورزی مشغول به تحصیل و به‌ویژه کار هستند، حداقل یک دوره در دانشگاه آزاد دانشجو یا مدرس بوده‌اند. به گفته او بسیاری از پایان‌نامه‌هایی که در حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد نوشته شده، همکاری بسیار گسترده‌ای با مراکز تحقیقاتی وزارت جهاد کشاورزی داشته، لذا ارتباطات تنگاتنگی برقرار بوده و همکاری‌های متعددی رقم خورده است. باغستانی می‌گوید: «سرمنشأ رشد خیلی از دانشکده‌های دیگر نیز به دلیل مجموعه فعالیت‌هایی بوده که در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اتفاق افتاد. حجم زیادی از دانشجویان مشغول به تحصیل بودند و سرریز آنها دانشکده‌های دیگر را هم فعال می‌کرد. زمانی دانشکده‌های کشاورزی در حوزه آموزش و پژوهش در سطح کشور سرآمد بودند. متاسفانه وضعیت متفاوتی پیش آمده و با توجه به ظرفیت دانشگاه‌ها، چه در حوزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و چه در حوزه دانشگاه آزاد، بحث آموزش و پژوهش کشاورزی در مسیر افول قرار گرفت. با توجه به ورود دکتر طهرانچی، هم دیدگاه آموزشی و هم دیدگاه پژوهشی و مخصوصا نیم‌نگاهی به تولید پدید آمد. در واقع هدف این بود که تولید بتواند کنار آموزش و پژوهش، ارتقای بحث مهارت‌آموزی در دانشگاه را نیز محقق کند. با این دیدگاه به تحول در حوزه کشاورزی ورود کرده‌ایم.»

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد، بحث امکانات در حوزه کشاورزی است. مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد می‌گوید: «هر جا دانشکده کشاورزی داریم، یک سری امکانات فراموش شده وجود دارد. دکتر طهرانچی همت کرده، دانشگاه آزاد اسلامی و تیم او همت کرده‌اند تا این مجموعه‌ها را در حوزه تولید فعال کنند. همچنین علاوه‌بر توجه به بحث تولید، نیم‌نگاهی نیز به آموزش، پژوهش و مهارت‌آموزی خواهند داشت. دانشگاه آزاد روی فعالیت‌های غیرشهریه‌ای تمرکز کرده که معتقدم واقعا جواب می‌دهد. امکاناتی فوق‌العاده بالفعل در دانشگاه آزاد داریم که باید آنها را فعال کرد. حوزه کشاورزی، یکی از حوزه‌هایی است که قابلیت تحلیل دارد و می‌توان روی آن کار کرد.»

## فعالیت‌های حوزه کشاورزی هیات عاملی اداره می‌شود

یکی از سوالاتی که وجود دارد میزان تحول در حوزه کشاورزی است. اینکه از زمانی که دکتر طهرانچی بحث کشاورزی را مطرح کرد تا امروز، نگاه به این حوزه تا چه اندازه در دانشگاه آزاد تغییر کرده است؛ اینکه فعالیت‌های حوزه کشاورزی به صورت هیات عاملی اداره شود، یکی از تحولات در مدت اخیر بوده است.

پیش از این یک سری ابزارها و چهارچوب‌های مالی در حوزه کشاورزی با شرایط حاکم بر دانشگاه آزاد همخوانی نداشت و در دوره جدید قرار است این ابزارها با شرایط حاکم در دانشگاه همخوانی پیدا کند. باغستانی در این باره توضیح می‌دهد: «به‌طور مثال در این دانشگاه مزرعه‌ای وجود دارد که آفت سن گندم یا زنگ می‌زند یا به بیماری خاصی دچار می‌شود. از آنجایی که فعالیت‌های کشاورزی در چهارچوب اقدامات جاری دانشگاه قرار نمی‌گیرد نمی‌توان کاری انجام داد. مثلا شما یک یا دو روز فرصت دارید آفت را کنترل کنید. اگر کنترل نکردید، مزرعه خسارت نمی‌بیند. این مساله در حوزه دام و شیلات نیز صدق می‌کند. اولین دستوری که ریاست دانشگاه آزاد داد این بود که به مجریان بخش کشاورزی از جمله ما گفت: «بازنگری کرده و سیستم چرخاندن بخش کشاورزی را تغییر دهید» بر همین اساس، آیین‌نامه‌ای تدوین شده و چند ماه پیش به استان‌ها ابلاغ شد مبنی بر اینکه فعالیت‌های حوزه کشاورزی به‌صورت هیات عاملی اداره شود.»

در واقع قرار شد تقریبا چهارچوب‌های مالی که روتین دانشگاه بوده برهم بخورد و افرادی که درگیر فعالیت‌های بخش کشاورزی هستند، بتوانند در استان خود در رابطه با یک فعالیت تصمیم‌گیری کنند؛ فعالیتی که سریعا نیاز به تصمیم‌گیری دارد. به‌طور مثال می‌خواهند جیره دام یا علوفه یا پولی تهیه کنند یا سیستم چاه در جایی خراب می‌شود و نیاز به رسیدگی دارد. این اتفاقات با فعالیت‌های روتین دانشگاه همخوانی نداشت به همین دلیل به گفته باغستانی آیین‌نامه‌ای به استان‌ها ابلاغ شده و در قالب این آیین‌نامه پیش‌بینی شد عمده فعالیت‌های کشاورزی در قالب سراهای نوآوری قرار بگیرد. کنار این سراها بحث آموزش و پژوهش به‌نحوی دیده شده و تولید، آموزش و پژوهش به‌صورت یک پکیج کامل کنار همدیگر قرار می‌گیرد.

## ورود دانشجو به حیطه تولید در فضای سراهای نوآوری

براساس گفته‌های باغستانی به این ترتیب دانشجو هم در فعالیت‌های تولیدی ورود می‌کند و کنارش آموزش می‌بیند و پژوهش را هم دنبال می‌کند. حالا در دانشگاه‌ها و واحدهای مختلف ولوله‌ای به راه افتاده؛ همه علاقه‌مند هستند امکاناتی که به‌صورت مسکوت مانده و فراموش شده بود را به کار بگیرند. این درحالی است که پیش از این احساس می‌شد بسیاری از سرمایه‌های دانشگاه در بخش کشاورزی رو به افول می‌رود اما به گفته مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد با آیین‌نامه جدید و فعالیت‌هایی که شروع شده این سرمایه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. راه‌اندازی شورای راهبردی یکی دیگر از اتفاقات در حوزه کشاورزی است. باغستانی می‌گوید: «شورای راهبردی با ریاست دکتر طهرانچی راه‌اندازی شده و هر دو یا سه هفته یک‌بار نیز تشکیل جلسه می‌دهد. موارد بررسی می‌شود و سرعت حرکت سراها در حوزه کشاورزی افزایش می‌یابد. پیش‌بینی می‌کنم در یک سال آینده اتفاقات بزرگی در حوزه تولید، آموزش و پژوهش دانشگاه آزاد و مباحث فناوری رخ دهد.»

## رشته کشاورزی هوشمند ایجاد می‌شود

مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی می‌گوید: «در بحث آموزش، بیشتر معاونت‌های مربوطه درگیر هستند و ما هم خیلی ورود نکرده‌ایم ولی در این حوزه نیز کمک می‌کنیم. مثلا مصوب شده رشته کشاورزی هوشمند ایجاد شود. همچنین رشته‌های جدید و بین‌رشته‌ای در رابطه با کشاورزی پیش‌بینی شده است. یکی، دو رشته هم مصوب شده تا ان‌شاءالله در آینده نزدیک به جذب دانشجو بپردازیم.»

درخصوص سراها نیز بحثی مطرح است؛ به‌طور مثال در یک استان پنج یا شش مزرعه یا گاوداری یا مرغداری وجود دارد. اما به گفته باغستانی بنیه مالی خوبی در حوزه تامین امکانات وجود نداشت. بنا به دستور رئیس محترم دانشگاه، قرار شد صندوق پژوهش و نوآوری دانشگاه نیز کنار این سراها قرار بگیرد و نقدینگی اولیه را تامین کند. او توضیح می‌دهد: «ممکن است یک گاوداری یا مرغداری یا باغ یا زمین‌های زراعی خیلی خوبی در قالب این سراها تعریف شود. متاسفانه عمده این سرمایه‌ها فراموش شده بود و مورد استفاده قرار نمی‌گرفت یا به‌طور کج‌دار و مریز به بخش خصوصی بیرون از دانشگاه اجاره داده می‌شد. آنها به تولید می‌پرداختند و به سراغ کار خود می‌رفتند. هم زمین فراموش شده و هم مسیر اجاره‌دهی بعضا به مرور سبب تضعیف امکانات بالقوه دانشگاه شده است. بر همین اساس بود که دکتر طهرانچی دستور داد بحث هیات عاملی ایجاد شود. باغستانی می‌گوید: «چندی قبل به استان آذربایجان شرقی رفتیم و دیدیم یک گاوداری پتانسیل افزایش تعداد گاو را دارد ولی وقتی به داخل رفتیم، دیدیم وضعیت بهداشتی سیلو نامناسب است؛ همین موارد باعث شده بود تولید کاهش پیدا کند. در جای دیگری دیدیم مرغداری شرایط مشابهی دارد. بسیاری از زمین‌های زراعی دانشگاه را اجاره داده بودند اما دکتر طهرانچی موافق نبوده و تاکید دارد افراد باید در داخل این فضاها مشغول شوند. در ضمن وقتی فعالیت‌ها انجام می‌شود خیلی از افراد فعال در دانشگاه مشتاق خواهند شد. بسیاری در حوزه کشاورزی

ادامه در صفحه ۵

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

با این نیت استخدام شده و ورود کرده‌اند ولی به دلیل اینکه اجاره رفته یا فراموش شده خیلی از آنها از این حیطه فرار کرده و تبدیل به یک کارمند معمولی در درون سیستم شده‌اند. عملا بازدهی تولیدی در کار نیست.» در چنین شرایطی است که رئیس دانشگاه آزاد و تیم او گفتند باید صندوق پژوهش و نوآوری قدم پیش گذاشته و نقدینگی لازم را تامین کند. مثلا یک گاوداری را فعال کرده؛ اگر این گاوداری با ۵۰۰ تا هزار رأس دام فعال شود به‌طور خودکار تعداد زیادی از پرسنل می‌توانند در آن مشغول به کار شوند. به گفته باغستانی در بحث هیات عاملی نکات خیلی خوبی دیده شده است. او توضیح می‌دهد: «اگر فعالیت‌های ما درآمدزا باشد، پیش‌بینی شده افرادی که در تولید دخیل می‌شوند، سهمی علاوه‌بر حقوق رایج خود دریافت کرده و حمایت شوند. همچنین در نظر گرفته‌ایم دانشجو در این سرا- بسته به نوع فعالیت خود- مشغول شود و حتی با توجه به فعالیت در حوزه کشاورزی از معافیت شهریه‌ای برخوردار شده و درآمدی نیز داشته باشند. اعضای هیات علمی باید سهمیه‌ای برای تدریس پر کنند اما به دلیل ظرفیت خالی و کمبود دانشجو موفق به انجام این کار نمی‌شوند. پیش‌بینی شده آنها در داخل سراهای نوآوری فعالیت کنند و ضمن حضور کسری تعداد واحدهای تدریس را پر خواهند کرد. اگر درآمدها در پایان سال مالی مناسب باشد براساس پیشنهاد استان و مصوبه شورای راهبردی استادان نیز می‌توانند سهمی از مجموعه درآمدهای دانشگاه در حوزه کشاورزی داشته باشند.»

## دوره‌های مهارتی کشاورزی ایجاد می‌شود

بحث هیات‌عاملی شدن تنها تحول در حوزه کشاورزی در مدت اخیر نبوده است. ایجاد دانشکده‌های مهارتی را می‌توان یکی دیگر از تحولات در این حوزه دانست. دکتر طهرانچی تاکید کرده بود که باید در این حوزه دانشکده‌های مهارتی ایجاد شود. به همین دلیل سرفصل‌هایی تدوین شد اما آن‌طور که باغستانی می‌گوید دانشگاه آزاد متاسفانه هنوز در کش‌وقوس با وزارت علوم است. این سرفصل‌ها دو سال پیش درخصوص دوره‌های مهارتی تدوین شده‌اند. مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد می‌گوید: «این بحث مطرح بود که دوره‌های مهارتی کشاورزی به‌صورت مستقیم در سطح کارشناسی ارشد یا دکتری ایجاد شود. الگویی که دوره‌ها براساس آن تدوین شد، تقریبا از الگوی آموزش پزشکی گرفته شده بود. همان‌طور که در آموزش پزشکی در مسیر تحصیلات وارد بیمارستان می‌شوند و تجربیات لازم را کسب می‌کنند برای آموزش کشاورزی نیز سه دوره تعریف شد. قرار شد افراد در طی این مسیر دوره‌های مهارتی آموزشی مختلف را پشت سر بگذارند. به عبارت دیگر افرادی را فارغ‌التحصیل کنیم که توانایی داشته باشند هر زمان از دانشگاه بیرون رفتند مدیریت یک مزرعه ۴۰۰ یا ۵۰۰ هکتاری را برعهده بگیرند. می‌دانم در وزارت علوم نیز مشغول بازنگری هستند.»

این درحالی است که پیش از این سیستم آموزش محوری فعلی در دانشگاه‌ها در زمینه تربیت افراد مخصوصا در سطح دکتری، بیشتر به این صورت بود که عمدتا افراد بعد از فارغ‌التحصیلی به‌عنوان عضو هیات‌علمی در دانشگاه‌ها فعالیت کرده یا در مراکز پژوهشی به‌نحوی مشغول شوند. نکته مهم این است که عملا ظرفیت‌ها پر شده ولی در عرصه‌های تولید افرادی که مهارت‌های لازم را داشته باشند اندک هستند. علی‌رغم اینکه آنها فارغ‌التحصیل رشته‌های خوب دانشگاهی هستند توانایی اداره یک مزرعه بزرگ را ندارند. باغستانی معتقد است: «در داخل دوره‌های جدید، این مساله به‌خوبی دیده شده؛ مثل دندان‌پزشکی که امروز فارغ‌التحصیل می‌شود و فردا جرات دارد در یک کلینیک شروع به فعالیت کند. در الگوهای جدید به این نکات پرداخته‌ایم.»

## ظرفیت‌های مغفول کشاورزی دانشگاه فعال می‌شوند

تحول دیگری که دانشگاه آزاد در حوزه کشاورزی رقم زده، فعال‌سازی ظرفیت‌های مسکوت و مغفول دانشگاه است. باید این موارد وارد فرآیند تولید شوند تا ضمن فعالیت در تولید، بحث‌های مهارت‌آموزی، آموزشی و پژوهشی نیز کنار آنها وجود داشته باشد. باغستانی توضیح می‌دهد: «برخی مصوبات در این حوزه وجود داشته است؛ به‌طور مثال یک گاوداری یا مرغداری در فلان استان فعال و با فرمت مدنظر دانشگاه کار کند. دانشگاه آزاد مجموعه پرورش شترمرغ داشته که قبلا فعال بوده و بعدا فراموش شده و مسکوت مانده است. مجموع این مسائل نشان می‌دهد امکان دارد دانشگاه بعضا نقدینگی لازم را نداشته باشد اما این نقدینگی از اراضی مغفول‌مانده و غیرقابل فعال‌سازی‌اند را به راه انداخت.»

## رصد زمین‌های کشاورزی دانشگاه آنلاین می‌شود

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های دانشگاه آزاد به غیر از اعضای هیات‌علمی و امکانات بلااستفاده در این حوزه، زمین‌های کشاورزی آن است که در استان‌های مختلف پراکنده شده‌اند. دانشگاه آزاد به‌صورت غیررسمی و روی کاغذ، حدود پنج هزار هکتار زمین کشاورزی دارد اما به‌دلیل تغییرات اقلیمی به‌وجود آمده، این اراضی زمین‌هایی هستند که ممکن است در حال حاضر قابلیت کشت نداشته باشند. وضعیت آب در بسیاری جاها دارای اشکال است. بنابراین تحول دیگر دانشگاه در حوزه کشاورزی، فعال‌سازی این زمین‌هاست. مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد درباره زمین‌های کشاورزی دانشگاه می‌گوید: «مجموعه عمران دانشگاه در حال فعالیت بوده و آنها نیز در یکی دو ماه آینده سامانه‌ای را تدوین خواهند کرد. در این صورت وقتی روی هر استان کلیک کنید، زمین‌ها را «sort» (مرتب‌سازی) خواهد کرد، به شما نشان می‌دهد هر زمین چه وضعیتی داشته و از نظر کشاورزی کدام‌یک دارای پتانسیل است.» بنابراین می‌توان گفت تحول دیگر در حوزه کشاورزی استفاده از پتانسیل‌های زمین‌های کشاورزی دانشگاه آزاد در استان‌های مختلف است.»

## هدف اصلی: مساله امنیت غذایی کشور

البته دانشگاه آزاد حدود پنج هزار هکتار زمین کشاورزی روی کاغذ دارد اما نباید فقط پتانسیل این وسعت را در نظر گرفت. مثلا در استانی می‌بینیم استخرهای پرورش ماهی فعال بوده‌اند که متاسفانه به‌دلیل نبود نقدینگی به‌خوبی مدیریت نشده و فراموش شده‌اند یا گاوداری‌هایی هستند که ظرفیت ۲۰۰ رأس را دارد ولی اکنون ۵۰ گاو در داخل آنها وجود دارند. ظرفیت بسیاری از مرغداری‌ها هم مسکوت مانده، به همین دلیل تمام تلاش ریاست و تیم مدیریتی مجموعه دانشگاه در این راستاست که فعالیت‌های خفته را بیدار کرد؛ فعالیت‌هایی که به گفته باغستانی هم جنبه تولید و تاثیرگذاری در بحث امنیت غذایی کشور داشته باشد و هم بتواند به‌عنوان عرصه‌های آموزشی و پژوهشی مورد استفاده دانشجویان و اعضای هیات‌علمی قرار گیرد.»

## شبکه‌های مختلف در حوزه کشاورزی ایجاد می‌شود

پیش از این محمد علی‌اکبری معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد به «فرهیختگان» گفته بود برای ۳۱ استان کشور ۳۱ برنامه کشاورزی نوشته شده است. زمانی که دکتر طهرانچی بحث شورای راهبردی را مطرح کرد، موضوعی تحت عنوان شبکه کشاورزی نیز به میان آمد. زمانی که کشاورزی کالبدشکافی شود متوجه می‌شویم این حوزه دارای موضوعات مختلفی مثل دام، شیلات، طیور و میگو است. یکی از این موضوعات، بحث شیلات است که معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد چندی پیش آن را مطرح کرد و گفت که یک شبکه شیلات در دانشگاه شکل می‌گیرد. از آنجایی که شیلات نیز جزئی از کشاورزی است مسئولان دانشگاه همه این موارد را داخل یک موضوع دیدند. در حقیقت واژه عام «کشاورزی» بوده و در داخل آن، دامپروری و شیلات هم وجود دارد که «کشاورزی» محسوب می‌شوند. بنابراین ایجاد یک شبکه کشاورزی نیز از تحولات دیگری است که در آینده رقم خواهد خورد. باغستانی در این باره می‌گوید: «شاید برخی عزیزان ناراحت شوند ولی ما فعالیت‌های منابع طبیعی را در حوزه کشاورزی قرار می‌دهیم. وزارت جهاد کشاورزی را در نظر بگیرید که حوزه دام و دامپزشکی را دارد، منابع طبیعی و سازمان جنگل‌ها و مراتع نیز هستند. کشاورزی را به معنای عام در نظر می‌گیریم و موارد مختلفی را در داخل آن پیش‌بینی می‌کنیم. در حال کار هستیم تا ان‌شاءالله بتوانیم شبکه‌های مختلفی راه‌اندازی کنیم. این مسائل در سند ملی دانشگاه هم پیش‌بینی شده؛ سند پنج‌ساله‌ای که اتفاقا فعال‌سازی شبکه‌های مختلف را مد نظر قرار داده است. اتفاقا اولین شبکه‌ای که در دانشگاه راه افتاده و شروع به کار کرده، در این حوزه بوده است. وقتی بحث هیات عاملی مطرح شد، به‌صورت خودکار موضوع شبکه نیز به میان می‌آید.»

## شیوه تربیت کارشناسی باید بازنگری شود

بحث آموزش و پژوهش موضوع دیگری است که از چشم مسئولان دانشگاه آزاد جا نمانده است. مجری طرح بازمهندسی نظام آموزشی، پژوهشی و خدمات فناوری علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد می‌گوید: «به هر حال ما دانشگاه هستیم و وظیفه دانشگاه، آموزش و پژوهش است. مهم‌ترین تعاریفی که برای دانشگاه وجود دارد، به آموزش و پژوهش برمی‌گردد. اگر آمار تولیدات کشاورزی را با ۲۰ سال پیش مقایسه کنیم، واقعا اتفاقات بزرگی در کشور از نظر میزان تولید افتاده است. منشأ آن چیست؟ عمدتا فعالیت‌هایی که انجام شده؛ فرقی هم نمی‌کند عزیزان ما در دانشگاه دولتی یا دانشگاه آزاد زحمت کشیده باشند. فارغ‌التحصیلانی داشته‌ایم و آنها در عرصه‌های تولید مشغول به فعالیت هستند؛ چه در وزارتخانه یا شرکت‌های خصوصی. شخصا به جرأت می‌توانم بگویم ۱۰۰ نفر از دانشجویانی که داشته‌ام امروز در عرصه‌های تولید و بخش خصوصی فعالیت می‌کنند، لذا اثرگذاری مستقیم دانشگاه در حوزه آموزش و پژوهش است؛ چراکه هیچ‌کس تعریف نکرده دانشگاه باید تولیدات کشاورزی داشته باشد. تعریفی که برای دانشگاه می‌شود، اثرگذاری آموزشی و پژوهشی است. اگر اعدادی که مطرح می‌شود از جمله ۱۲۰ میلیون تن تولیدات کشاورزی را نسبت به ۲۰ تا ۲۵ سال پیش درنظر بگیرید، رشد دو تا سه برابری را نشان می‌دهد. چه اتفاقی افتاده است؟ اتفاقاتی که در حوزه آموزش عالی کشور رخ داده و قطعا ۵۰ درصد آن را دانشگاه آزاد رقم زده است؛ این اثرگذاری دانشگاه آزاد را نشان می‌دهد. به این نقطه رسیده‌ایم که دیگر شیوه تربیت کارشناسی باید بازنگری شود. فقط هم مربوط به دانشگاه آزاد نیست و چنانکه گفتم وزارت علوم هم در حال بازنگری است تا شیوه آموزش تغییر کند. فارغ‌التحصیلان ما باید در عرصه‌های تولید، آموزش ببینند و جرأت پیدا کنند خودشان هم وارد عرصه شوند و تولید کنند.»

باغستانی در پایان معتقد است برای کسب درآمد غیرشهریه‌ای از حوزه کشاورزی در دانشگاه آزاد باید تامین نقدینگی صورت بگیرد، زیرا در این حالت شرایط متفاوت خواهد بود. او توضیح می‌دهد: «مهم‌ترین بحثی که وجود دارد، تامین نقدینگی است. اگر این اتفاق بیفتد، می‌توان امیدوار بود. خودم سه چهار سال است در دانشگاه کار می‌کنم و معتقدم پتانسیل‌های کشاورزی دانشگاه به قدری وسیع است که نمی‌توانم عدد خاصی را به زبان بیاورم؛ با این وجود می‌تواند اتفاقات بزرگ‌تری را رقم بزند.»

### گزارش «فرهیختگان» از متن و حاشیه رویداد جایزه مصطفی

# رشد مبتنی بر نوآوری محرک کلیدی برای توسعه است

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

**جایزه مصطفی(ص) که این روزها پنجمین دوره‌اش به میزبانی اصفهان درحال برگزاری است. جایزه دوسالانه‌ای است که باید آن را از مهم‌ترین جوایز در حوزه علم و فناوری جهان اسلام دانست و با هدف شناسایی، معرفی و تقدیر از چهره‌های برجسته علم و فناوری تلاش دارد پژوهش را در جوامع اسلامی ترویج دهد. این جایزه قرار است تا ۱۰ مهر ماه در باغ‌موزه چهلستون اصفهان میزبان بیش از ۱۰۰ دانشمند از کشورهای مختلف جهان اسلام باشد. افتتاحیه آن ۷ مهر با حضور رئیس‌جمهور و معاون علمی و فناوری‌اش برگزار شد و رئیسی در این مراسم پیشنهاد کرد در نشست‌های علمی این جایزه که با حضور اندیشمندان جهان اسلام خواهد بود، برای رنج‌های امروز بشر راهکارهای نو پیشنهاد شود. روح‌الله دهقانی‌فیروزآبادی در این مراسم برگزاری چنین برنامه‌ای در سطح بین‌المللی را یکی از اسباب‌های مرجعیت علمی دانست و عنوان کرد: «این جایزه حداقل سه کار مهم را انجام داده؛ اول اینکه دوهزار و ۶۱۳ دانشمند را در کل دنیا از ۱۱۰ کشور شناسایی کرده که پنج نفر از کشورهای مختلف به‌عنوان برگزیده این دوره انتخاب شده‌اند. این موضوع در ایجاد تولید علم نافع و مفید موثر بوده است.»**

## زیست‌بوم علم و فناوری براساس رفتار نخبگان برترشکل می‌گیرد

از افتتاحیه مراسم که بگذریم، باید عنوان کرد در اولین روز از جایزه مصطفی(ص) پنل‌های مختلفی در محل اصلی جایزه برگزار شد. صادق واعظ‌زاده، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس اسبق بنیاد ملی نخبگان در پنل «مدیریت نخبگان» که روز گذشته ذیل سلسله نشست‌های نهمین دوره استپ برگزار شد، با بیان اینکه نخبگان گروه مرجع هستند و بقیه افراد جامعه از عادات و رفتارهای آنها پیروی می‌کنند، گفت: «دولت‌ها باید این قشر را آزاد بگذارند تا بتوانند از فرصت‌ها استفاده و افق‌های جدید را کشف کنند.» او تاکید کرد: «نخبگان برتر، الگو و مرجع هستند و در تشکیل گروه‌های اجتماعی در حوزه علم و فناوری کمک می‌کنند. زیست‌بوم علم و فناوری براساس حضور و رفتار آنها شکل می‌گیرد. محققان و دانشمندان در این زیست‌بوم کمک می‌کنند تا علم و فناوری به خدمات تبدیل شود و به بازار برسد.» وی تاکید کرد: «مهم‌ترین نکته درمورد زیست‌بوم این است که عنصر اولیه و مبنایی این سیستم را بشناسیم. عادت اشتباه برخی دولت‌ها این است که نقش‌ها و قوانین مشخصی برای این زیست‌بوم تعیین می‌کنند اما باید بدانیم یک زیست‌بوم به‌تدریج و براساس پویایی تغییرات اجتماعی شکل می‌گیرد.» به گفته او باید محیطی را در کشور فراهم کرد که همه بتوانند جایگاه خود را در آن بیابند و نقش‌شان را در زیست‌بوم علم و فناوری ایفا کنند؛ هرچند در این میان به قانون نیاز است، اما قانون برای کارآمدی باید تبدیل به عادت و هنجار شود.

## فناوری تضمین‌کننده زنجیره توسعه اقتصاد خواهد بود

«نشست تبادل علم و فناوری» را هم باید سومین پنل روز گذشته دانست. قاسم مصلحی، رئیس شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان در این پنل به زنجیره توسعه اقتصاد اشاره کرد و گفت: «مراکز رشد نقش بسزایی در زمینه تولید محصولات دانش‌بنیان دارند و عنصر فناوری می‌تواند تضمین‌کننده این زنجیره باشد.» او توسعه مراکز رشد در کشور ایران را بسیار مطلوب دانست و عنوان کرد: «۵۰ پارک علم و فناوری و ۲۶۰ مرکز رشد در کشور مشغول به فعالیت هستند و همچنین ما آمادگی همکاری با بسیاری از کشورهای اسلامی را داریم.»

## نمی‌توان هر نتیجه را به‌صورت گسترده به کل دنیا تعمیم داد

البته میهمانان خارجی این دوره در سخنرانی‌های خود به موضوعات مختلفی مانند هوش مصنوعی، مشکلات امروز دنیا و نقش جهان اسلام در رفع آنها و... اشاره کرده بودند. شهاب البحری، برگزیده جایزه مصطفی(ص) از کشور عراق که جزء دو درصد از دانشمندان نخبه جهان در سال ۲۰۲۲ به شمار می‌رود، یکی از همان میهمانانی است که هوش مصنوعی را موضوع سخنرانی خود قرار داده بود. او درباره اینکه هوش مصنوعی و ابزارهای مرتبط با آن تا چه میزان قابلیت اطمینان خواهند داشت، گفت: «نکته اول اینکه تنها تمرکز ما روی این حوزه نیست اما مساله دیگر اینکه هوش مصنوعی قطعا باید برای ما قابل اعتماد باشد. البته ما هفت شاخصه برای بررسی این اعتماد داریم.»

به گفته او طبیعتا نمی‌توان هر نتیجه علمی به‌دست آمده در سطح یک منطقه را به‌صورت گسترده تعمیم داد و در پذیرش مقالات در مجلات علمی به این موارد و شاخصه‌ها توجه می‌کنیم. او ادامه داد: «تجربه تحقیقات هوش مصنوعی می‌گوید اعتماد صددرصد به اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی ازجمله چت جی‌پی‌تی وجود ندارد. اعتماد در تصمیم‌گیری و استفاده از هوش مصنوعی باید با یکدیگر ترکیب شوند. امروزه ژورنال‌های زیادی روی قابل‌اعتماد بودن هوش مصنوعی کار می‌کنند.» البحری بیان داشت: «تحقیقات نشان می‌دهد اجزای زیادی باید وارد هوش مصنوعی شود تا درصد قابل‌اعتماد بودن این تکنولوژی را افزایش دهند، همچنین باید بتوان از تاثیرات جانبی هوش مصنوعی و مضرات فیزیکی و ذهنی آن دوری کرد.»

## هوش مصنوعی در حوزه تشخیص می‌تواند جایگزین پزشک شود

عثمان حسن از پاکستان درباره هوش مصنوعی عنوان کرد: «دایره وسعت تاثیرات این حوزه بر بخش‌های مختلف چون سلامت تکنولوژی و محصولات غذایی فناوری اطلاعات و... است و چون تاثیرات الکتریسیته بر زندگی افراد موثر است.» به گفته او امروزه هوش مصنوعی در عرصه حمل‌ونقل و ترافیک و نوع خودروها و رنگ و پلاک و جای پارک آنها بسیار موثر است؛ چراکه به وسیله آن می‌توان در مقوله‌هایی چون تشخیص میزان حجم ترافیک، جای پارک در معابر و تعداد سرنشینان خودروها تاثیرگذاری داشت، همچنین هوش مصنوعی در حوزه امنیت می‌تواند موثر عمل کند و در حوزه پزشکی می‌تواند جایگزین پزشک در تشخیص بیماری، اسکن عکس و تعریف درمان شود.

## ظرفیت‌سازی بومی در علم و فناوری جهان اسلام زمینه حل مشکلات جهان خواهد بود

اقبال چودری، برگزیده ادوار قبل جایزه مصطفی(ص) نیز در این دوره از جایزه گفت: «ثمرات نبوغ انسان به افرادی که به آنها نیاز دارند، نرسیده است و جهان با فقر، گرسنگی، بیماری، درگیری، خشونت و عدم اطمینان اقتصادی روبه‌رو است.» او در همین زمینه اظهار داشت: «امروزه با چالش‌های ناپایداری چون ناامنی غذایی، بی‌سوادی، بیکاری جوانان، آسیب‌پذیری‌های آب‌وهوایی، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، درگیری‌های منطقه‌ای و داخلی، اسلام‌هراسی و... روبه‌رو هستیم، درحالی‌که قطعا ظرفیت‌سازی بومی در علم و فناوری در جهان اسلام می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات کمک کند. رشد مبتنی‌بر نوآوری محرک کلیدی برای توسعه اجتماعی- اقتصادی است و برای رسیدگی به چالش‌های جهانی معاصر ضروری است.»

## میزبانی شریفی‌ها از دو تن از میهمانان جایزه مصطفی(ص)

البته احمد حسن و مروات اویسال، دو تن از میهمانان این دوره از جایزه روز گذشته به دانشگاه صنعتی شریف رفته و با رئیس و برخی اساتید این دانشگاه دیدار کردند. احمد حسن استاد دانشگاه کوئینز کانادا، متولد سال ۱۳۵۵ در مصر است که با اثر کاوش مخازن نرم‌افزاری (MSR) در حوزه علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات شناخته می‌شود و همچنین مروات اویسال متولد ۱۳۵۲ در ترکیه و استاد دانشگاه نیویورک ابوظبی امارات است که با اثر فناوری ارتباطات بی‌سیم نوری در حوزه علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات برگزیده امسال مصطفی(ص) شد.

ادامه از صفحه ۴



نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خوزستان

آگهی فراخوان مناقصه عمومی ۱۴۰۲/۰۰۸۴
یک‌مرحله‌ای فشرده

شرکت گاز استان خوزستان در نظر دارد انجام خدمات ذیل را بر اساس مشخصات مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

| | |
|---|---|
| نام و نشانی مناقصه‌گذار | شرکت گاز استان خوزستان- اهواز- میدان شهید بندر- ابتدای بزرگراه بندر امام خمینی(ره) کدپستی: ۹۹۷۵- ۶۱۷۴۷ |
| موضوع و شماره فراخوان در سامانه ستاد | تأمین حفاظت و حراست از اماکن، اموال و تأسیسات شرکت گاز استان خوزستان ( اهواز ) - ۲۰۰۲۰۹۳۳۷۷۰۰۰۱۲۷ |
| مراحل توزیع و خرید اسناد | مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی WWW.SETADIRAN.IR |
| تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد | ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ |
| مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی | ۱۴۰۲/۰۷/۰۵ |
| گشایش پاکات | ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ |
| هزینه خرید اسناد مناقصه و اطلاعات مالی | مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال غیر قابل استرداد - شماره حساب شبا: IR ۲۳۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۳۰۴۰۲۲۴۰۴ شناسه واریز ۳۵۱۱۲۳۳۵۷۲۹۲۶۹۰۸۴۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۷ - به نام خزانه بانک مرکزی شرکت گاز استان خوزستان |
| مکان و زمان گشایش پاکات مناقصه | سالن کنفرانس ساختمان مدیریت – در سامانه ستاد اعلام خواهد شد |
| مبلغ برآورد اولیه | ۲۶۶,۷۵۴,۶۱۰,۰۱۳ ریال دویست و شصت و شش میلیارد و هفتصد و پنجاه و چهار میلیون و ششصد و ده هزار و سیزده ریال |
| مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار | ۱۳,۳۳۷,۷۳۰,۵۰۱ ریال (سیزده میلیارد و سیصد و سی و هفت میلیون و هفتصد و سی هزار و پانصد و یک ریال) ضمانتنامه معتبر بانکی- فیش نقدی (مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و اصلاحات بعد از آن درخصوص کارهای پیمانکاری) ضمناضمانتنامه یا فیش بانکی را حداکثر یک روز قبل از انجام گشایش پاکات تحویل دبیر کمیسیون مناقصات واقع در طبقه همکف ساختمان مدیریت نمایید. |
| موارد الزامی | *تکمیل پرسشنامه ارزیابی کیفی مصوب شرکت ملی گاز *ارائه گواهی صلاحیت معتبر مرتبط با موضوع مناقصه و نامه آخرین تغییرات معتبر آن شرکت به همراه اعلام آمادگی و ذکر شناسه ملی حقوقی و ارائه کد پستی و تلفن تماس *ارائه گواهی ایمنی پیمانکاران معتبر از وزارت کار و رفاه اجتماعی *ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابداران رسمی مربوط به آخرین سال عملکرد شرکت *داشتن تجهیزات و امکانات و تخصص لازم و توانایی انجام کار مطابق استانداردهای رایج شرکت ملی گاز ایران. *هرگونه تغییراتی در زمانبندی‌ها و ارائه اصلاحیه از طریق سامانه ستاد اعلام می‌گردد، لذا لازم است کلیه مناقصه‌گران به‌طور مستمر از سامانه بازدید کنند. لطفا اسناد پاکت (ب) را در قالب یک فایل pdf ارسال کنند. *مناقصه‌گذار مختار است برای مرتبه اول با حداقل دو پاکت پیشنهادی و برای مرتبه دوم حداقل یک پاکت پیشنهادی در (سامانه ستاد)، نسبت به گشایش پاکات مناقصه و اعلام برنده اقدام نماید. *مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه تقویمی می‌باشد. |

به استحضار می‌رساند با توجه به انجام کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی، از دریافت تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه از کلیه شرکت‌ها/پیمانکاران واجد شرایط دعوت می‌شود جهت اعلام آمادگی و شرکت در مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR اقدام گردد.

شماره شناسه ۱۵۷۴۹۵۴
روابط عمومی شرکت گاز استان خوزستان

مدرک فارغ‌التحصیلی احمد حزباوی فرزند حاسود به شماره شناسنامه ۴ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۹۴۱۰۶۰۱۲۳۸ مورخ ۹۴/۱۲/۱۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی زهرا باولی بهمئی فرزند عبدالکریم به شماره شناسنامه ۳۹۶۴ صادره از بهبهان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۹۸۱۰۶۰۲۶۶۸ مورخ ۹۹/۰۸/۰۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی حسین صبورمیری فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۵۲۲۷ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی عمران- عمران صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲۹۰۱۰۶۰۲۴۱۹ مورخ ۹۱/۰۲/۱۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### مشکلات آب و هوایی و کمبود آب، صنعت کشاورزی را به‌سمت روش‌های فناورانه سوق می‌دهد

# رشد ۱۰ درصدی بازار مزرعه‌های عمودی تا سال ۲۰۳۰

ندا اظهری
مترجم

**دنیا دیگر آن دنیای ۲۰ سال پیش نیست. خیلی از چیزها عوض شده‌اند و جای خود را به فناوری‌های مدرن و امروزی داده‌اند. کشاورزی جزء حوزه‌هایی است که به‌ویژه با روی کار آمدن فناوری‌های نوظهور و هوشمند، دچار تحول شده و از این رو توانسته تا حد زیادی در مصرف انواع انرژی صرفه‌جویی کند. در سال‌های اخیر، جهان شاهد افزایش قابل توجهی از علاقه به جست‌وجو در راه‌حل‌های نوآورانه و پایدار برای غلبه بر چالش‌های کشاورزی سنتی بوده است. با توجه به اینکه جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر خواهد رسید و الگوهای آب و هوایی نامنظم فزاینده‌ای که درحال رخ دادن است، فوریت استفاده از روش‌های تولید مواد غذایی مطمئن و کارآمد بسیار مهم است. در این میان استفاده از شیوه‌های جدید کشت، داشت و برداشت بهره‌وری محصولات را نیز برای کشاورزان افزایش داده است.**

## ارزش جهانی ۱۰ میلیارد دلاری تا ۲۰۲۶

مزارع عمودی به‌عنوان کشاورزی در فضای داخل از نمونه فناوری‌هایی بوده که چند سالی است برای تولید محصولاتی باکیفیت مورد استفاده قرار می‌گیرند و در قالب راه‌حلی امیدوارکننده درنظر گرفته می‌شود که تنها در سال ۲۰۲۱، کشاورزی داخلی بیش از یک میلیارد دلار بودجه را به خود جذب کرده است که از مجموع بودجه تولید شده در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ پیشی گرفت. این رشد چشمگیر بودجه، پتانسیل این صنعت را برجسته می‌کند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۶ به ارزش جهانی ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری افزایش یابد. مزارع عمودی، فناوری کشاورزی مدرنی است که در آن از فناوری کشاورزی کنترل شده به شیوه زیست‌محیطی برای استفاده حداکثری از تکنیک‌های کشاورزی در فضاهای داخلی استفاده شده و بسیاری آن را به‌عنوان «کشاورزی آینده» توصیف می‌کنند. این امر به‌ویژه با توجه به اینکه تا سال ۲۰۵۰ بخش عمده‌ای از جمعیت جهان به شهرها نقل مکان خواهند کرد، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در چنین فضایی و با جمعیتی که روزبه‌روز در حال گسترش است، تمایل به مصرف مواد غذایی محلی که هم طبیعی و هم ارگانیک باشند، رو به افزایش است.

## ویژگی‌های متمایز از کشاورزی سنتی

به گزارش jumpstartmag، کشاورزی در فضاهای داخلی مانند کشاورزی عمودی یا کشاورزی با محیط کنترل شده شامل کشت محصولات در محیط‌های کنترل شده مانند لایه‌های انباشته در انبارها یا کانتینرهای حمل‌ونقل است. برخلاف کشاورزی سنتی در فضای باز، کشاورزی داخلی کنترل کاملی بر شرایط رشد فراهم کرده و در نتیجه بهره‌وری بالا همراه با کاهش قابل توجه استفاده از زمین و آب را به همراه دارد. این روش امکان می‌دهد تا در تمام طول سال سبزیجات برگ‌سبزی که به‌صورت محلی رشد می‌کنند، معمولا بدون آفت‌کش‌ها تولید شوند. در این نوع کشاورزی، از فناوری به‌عنوان عاملی بهینه‌ساز مانند دما، رطوبت، نور و مواد مغذی استفاده می‌شود. دقت به کار رفته در این روش کیفیت تولید مواد غذایی را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این ادغام سیستم‌های کنترلی، اتوماسیون و رباتیک بهره‌وری عملیات‌های کشاورزی در فضاهای داخلی را بهبود می‌بخشد.

کشاورزی عمودی شامل چهار جنبه کلیدی ازجمله آرایش فیزیکی، روشنایی، محیط رشد و پایداری است. در مرحله نخست محصولات در ساختارهای برج‌مانند رشد می‌کنند. در مرحله دوم برای ایجاد محیط روشنایی عالی، هر دو منبع نور طبیعی و مصنوعی ترکیب می‌شوند. سوم اینکه به‌جای خاک سنتی، در کشاورزی عمودی از محیط‌های رشد جایگزین مانند آئروپونیک، هیدروپونیک یا مواد غیرخاکی مانند خزه اسفاگنوم و پوسته نارگیل استفاده می‌شود. آئروپونیک یک روش کشت بدون خاک است که از ایجاد فضاهای مه یا غبارآلود برای رشد گیاهان استفاده می‌کند. درحالی‌که در سیستم کشاورزی هیدروپونیک، گیاهان جریان مداوم آب آبیاری غنی از مواد مغذی را به‌طور مستقیم از ریشه‌های خود دریافت می‌کنند. هر دو روش کنترل دقیقی بر مواد مغذی دارند و رشد بهینه و عملکرد بالاتری را در مقایسه با کشاورزی سنتی مبتنی‌بر خاک افزایش می‌دهد.

## بازار ۲۷ میلیارد دلاری پیش‌روی آینده کشاورزی عمودی

مانند هر عدد و رقم دیگری که برای ارزیابی بازار صنایع و فناوری‌های مختلف در دنیا بیان می‌شود، ارقام ضد و نقیضی از منابع مختلف مطرح می‌شود و این امر در بازار کشاورزی عمودی هم صدق می‌کند. به گزارش marketsandmarkets که درباره آینده بازار کشاورزی عمودی منتشر شده، آمار بسیار متفاوتی را نشان داده مبنی‌بر اینکه بازار فناوری کشاورزی عمودی در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است. این بازار در سال ۲۰۲۳ قریب به ۲۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برآورد شده و پیش‌بینی شده است که بازار این حوزه از صنعت تا ۲۰۳۰ با میانگین رشد سالانه ۹٫۷ درصدی به چیزی بالغ بر ۳۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برسد. در تمام این سال‌ها، منطقه اروپا و آسیا و اقیانوسیه تقریبا به‌طور برابر از ارزش بازار کشاورزی عمودی بهره‌مند بوده‌اند. همه‌گیری کرونا، اقتصاد جهان و بخش‌های مختلف ازجمله حوزه مواد غذایی و کشاورزی را نیز تحت تاثیر قرار داد. بخش کشاورزی به‌دلیل اختلال در زنجیره تامین، کمبود منابع غذایی و تعلیق واردات و صادرات بین کشورها به‌طور چشمگیری تحت تاثیر قرار گرفت. همه‌گیری کرونا در عین نکات منفی که به همراه داشت، باعث شد تا اهمیت مواد غذایی محلی و کشاورزی شهری مانند کشاورزی عمودی بیش از گذشته برجسته شود و نیاز به مصرف مواد غذایی ایمن و سالم را دوچندان کرد.

## رشد ۵ درصدی سرمایه‌گذاری روی استارتاپ‌ها

به گزارش «وال استریت ژورنال»، استارتاپ‌هایی که وعده می‌دادند کشاورزی را به یک کسب‌وکار با فناوری پیشرفته تبدیل کنند، این روزها اوضاع خوبی ندارند به‌طوری که افزایش هزینه‌ها، تامین مالی دشوار، آفات و سایر مشکلاتی که برای قرن‌ها کشاورزی سنتی را با مشکل مواجه کرده‌اند، به سدی بزرگ در برابر آنها تبدیل شده است. سرمایه‌گذاران این حوزه، میلیاردها دلار به شرکت‌هایی چون «اپ هاروست» و «لوکال بونتی لوک» که شواهد حکایت از افزایش ۶٫۲۳ درصدی این سرمایه‌گذاری‌ها دارد. سهام این دو شرکت از زمان عرضه عمومی آن در سال ۲۰۲۱ بیش از ۹۵ درصد کاهش یافته و در ماه‌های اخیر حداقل چهار شرکت در این بخش تعطیل شده یا اعلام ورشکستگی کرده‌اند. بودجه‌ها کاملا روند نزولی داشته به‌طوری که این صنعت در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۲ رکورد ۸۹۵ میلیون دلاری را به خود اختصاص داد. طبق تحقیقات ارائه شده توسط شرکت «آگ فاندر»، تاکنون در سه‌ماهه جاری این رقم حدود ۱۰ میلیون دلار بوده است. «اپ هاروست» با ارزشی بالغ بر ۸۲۵ میلیون دلار به‌عنوان یک شرکت دولتی فعالیت و پیش‌بینی کرد که با افتتاح گلخانه‌های بیشتر، آمار فروش این شرکت به حدود ۲۵ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ و ۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یابد. سهام این شرکت در اوایل ۲۰۲۱ در کنار سایر شرکت‌ها افزایش یافت و ارزش شرکت به بالای ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسید. رقم فروش این شرکت در سال ۲۰۲۱ حدود ۹ میلیون دلار گزارش شد و این رقم در سال گذشته به ۱۵ میلیون دلار رسید. ارزش بازار شرکت اپ هاروست به حدود ۷۵ میلیون دلار کاهش یافته است. مبارزه شرکت‌های فعال در حوزه کشاورزی عمودی نشان‌دهنده آخرین تلاش‌های متزلزل کارآفرینان این صنعت برای استفاده از فناوری برای بهبود صنایع مستقر است. هزینه‌های بالا برای دستیابی به منابع، انرژی و کارگر ازجمله مشکلاتی است که شرکت‌ها با آن روبه‌رو هستند. بخشی از کشاورزی عمودی که در فضاهای داخلی راه‌اندازی می‌شوند نسخه‌های مدرنی از گلخانه‌هایی‌اند که از انرژی خورشیدی برای رشد افقی گیاهان استفاده می‌کنند. مزارع عمودی هم به کمک نورهای مصنوعی در طبقات زیر هم رشد می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌ها حکایت از آن دارد که به‌دلیل موفقیت‌آمیز بودن گلخانه‌های های‌تک که در اروپا و کانادا مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اجرای این طرح در آمریکا هم می‌تواند موفق عمل کند. استارتاپ‌ها در هر دو حوزه خود را به‌عنوان راه‌حلی سبز برای سیستم غذایی آمریکا معرفی می‌کنند؛ سیستمی که مدت‌هاست با چالش‌های ناشی از آب و هوای نامناسب، استفاده سنگین از منابع دست و پنجه نرم می‌کنند. شرکت‌های فعال در حوزه کشاورزی در فضای داخلی مانند کشاورزی عمودی که همچنان به‌صورت خصوصی کار می‌کنند، در سال‌های اخیر به ارزش‌های بالایی دست یافته‌اند. ارزش استارتاپ کشاورزی عمودی «بووری فارمینگ» توسط سرمایه‌گذاران مختلفی در سال ۲۰۲۱ به ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسید. سرمایه‌گذارانی چون «سافت بانک»، «والمارت» و... در اوایل سال گذشته ۴۰۰ میلیون دلار در شرکت مزرعه عمودی «پلنتی» سرمایه‌گذاری کردند. در این میان، بسیاری از شرکت‌های خصوصی به‌ویژه شرکت‌هایی که دولتی شده‌اند همچنان با رکود منابع مالی روبه‌رو هستند.

## برترین استارتاپ‌های ۲۰۲۳

**شرکت «مزارع آینده» آمریکا:** شرکت مزارع آینده در سال ۲۰۲۱ در لس‌آنجلس در حوزه کشاورزی عمودی آغاز به فعالیت کرد. هدف این شرکت جست‌وجو برای یافتن راه‌حل‌هایی برای مقابله با بزرگ‌ترین چالش‌های دنیا با استفاده از مزارع عمودی شهری است. این مزارع مواد غذایی مقوی‌تری را تولید کرده و غذاهای تازه را در دسترس مراکز شهری قرار می‌دهد، در حالی که به کاهش گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند. بنیانگذاران این شرکت بعد از مسافرت به خارج از آمریکا و مشاهده و آشنا شدن با تفاوت مواد غذایی این شرکت را راه‌اندازی کردند تا بتوانند مواد غذایی در دسترس‌تر و مغذی‌تری را بدون آسیب به محیط زیست تولید کنند. این شرکت از مزارع عمودی برای کاهش مشکلات زنجیره تامین و کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی استفاده می‌کند.

**شرکت «کیوبیک فارمز» کانادا:** منشأ این شرکت به سال ۲۰۰۸ و زمانی برمی‌گردد که دو کشاورز به یکدیگر تعهد دادند که فناوری‌های لازم برای رشد محصولات کشاورزی در فضای داخلی یا عمودی را توسعه دهند تا بتوانند با کاهش اثرات زیست‌محیطی، محصولاتی تازه تولید کنند. ازجمله این فناوری‌ها می‌توان به سیستم رشد سبزآبی اشاره کرد که قادر است تا هر ساله بیش از ۱۱ کیلوگرم مواد غذایی تازه تولید می‌کند که تنها با یک‌دهم آب مورد نیاز در کشاورزی سنتی اقدام به تولید مواد غذایی می‌کند. به این شیوه، سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون گالن (معادل یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیتر) آب آشامیدنی صرفه‌جویی می‌شود. این شرکت کانادایی همچنین با حرکت دادن گیاهان طبق نوری که برای نوررسانی به آنها تعبیه شده، به‌جای استفاده از نورهای اختصاصی برای هر گیاه، ۵۴ درصد تا ۶۲ درصد انرژی کمتری نسبت به مزارع عمودی مصرف می‌کند.

**شرکت «آئروفورمز» امارات:** شرکت آئروفورمز از سال ۲۰۰۴ بزرگ‌ترین نوآوری‌ها را در کشاورزی عمودی فضاهای داخلی انجام داده است. در این شرکت از فناوری هوش مصنوعی و بیولوژی گیاهی برای اصلاح سیستم معیوب تغذیه‌ای و بهبود روش تولید مواد غذایی استفاده می‌شود. این شرکت بزرگ‌ترین مزرعه عمودی دنیا را در عرصه تحقیق و توسعه در ابوظبی احداث کرده و در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۲ تکمیل شده است. این شرکت برنده جوایز افتتاحیه جهانی SDG را دریافت کرد و رهبری بخش خصوصی را در پیشبرد دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل جشن می‌گیرد. این شرکت در میان غول‌های خرده‌فروشی آمریکایی همچون «والمارت» و «هول فودز» برای فروش محصولات خود همکاری می‌کند.

**شرکت «اینفارم» آلمان:** شرکت اینفارم در سال ۲۰۱۳ در برلین افتتاح شد که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صاحب مزارع عمودی در اروپا شناخته می‌شود. این شرکت از تکنیک‌های نوآورانه‌ای موسوم به کشاورزی ابری که شبکه‌ای از مراکز رشد با ظرفیت بالاست، استفاده می‌کند که عملکرد، طعم و ارزش غذایی گیاه را به‌طور مداوم بهبود می‌بخشد و در عین حال استفاده از منابع طبیعی را کاهش می‌دهد. این شرکت با بیش از ۱۲۰۰ مزرعه در فروشگاه‌ها و مراکز توزیع، با بیش از ۳۰ خرده‌فروشی عمده مواد غذایی در کشورهای مختلفی چون کانادا، دانمارک، فرانسه، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، انگلیس، آمریکا، سوئیس و حتی آلمان همکاری می‌کند.

**شرکت «اسپرید» ژاپن:** شرکت اسپرید یکی از برترین شرکت‌های کشاورزی عمودی در آسیاست که در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد. هدف از راه‌اندازی این شرکت، ایجاد جامعه‌ای پایدار بوده است که نسل‌های آینده در آن بتوانند با آرامش زندگی کنند. اسپرید متعهد شده است تا همزیستی سودمند و متقابل بین کشاورزی متعارف و جوامع محلی را تسهیل کرده و درعین‌حال، ضایعات مواد غذایی را کاهش داده و بهره‌وری را بهبود بخشد. این شرکت به فروش کاهو و توت‌فرنگی‌های مرغوب در ۴۵۰۰ فروشگاه مواد غذایی ژاپن معروف شده است. تکنیک نوآورانه کشاورزی عمودی که توسط این شرکت اجرا شده است، بدون توجه به شرایط آب و هوایی، کیفیت و عملکرد بالا را در تمام طول سال تضمین می‌کند. علاوه بر این، این روش تنها به یک درصد از آب مورد نیاز برای رشد مواد غذایی با تکنیک‌های کشاورزی مرسوم نیاز دارد و ۳۰ درصد غذای کمتری در طول تولید از بین می‌رود.

### درآمد خالص دو شرکت کشاورزی عمودی در فضای داخلی هر سه ماه یک بار برحسب میلیون دلار

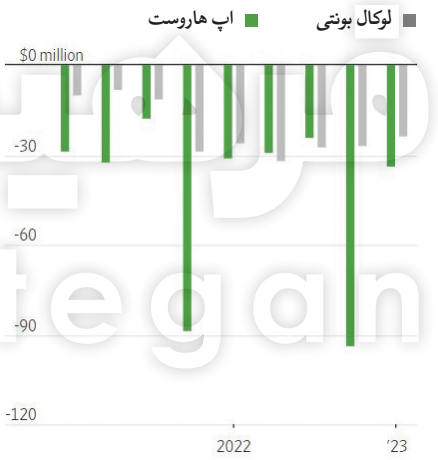


### کل درآمد به‌دست آمده توسط استارتاپ‌های کشاورزی عمودی در فضای داخلی هر سه ماه یک بار برحسب میلیون دلار

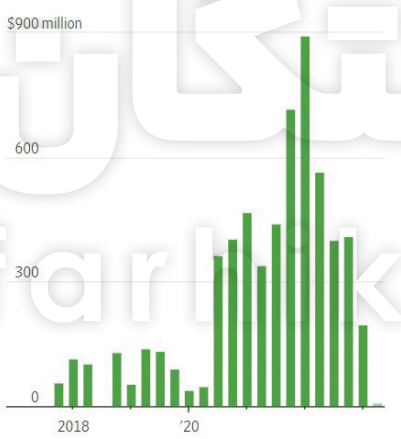


### میزان رشد بازار کشاورزی عمودی در دنیا بین سال‌های ۲۰۲۸ - ۲۰۲۲

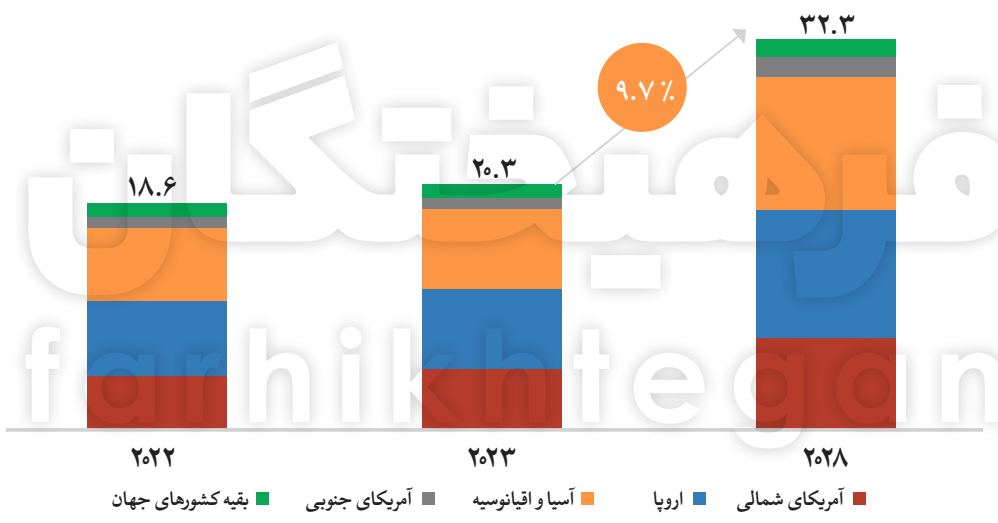


فرهیختگان farhikhtegan

گواهی موقت دوره کارشناسی رشته گرافیک اینجانب مرجان حسنی‌کبوترخانی فرزند محمد به شماره کد ملی ۲۹۸۰۰۲۳۳۴۵ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی احسان جریبان فرزند عبداالرضا به شماره شناسنامه ۱۰۸۲۶ صادره از دزفول در مقطع کاردانی رشته تحصیلی نقشه‌کشی معماری صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۸۸۶۶۱۷ مورخ ۸۸/۱۲/۱۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی سلما مختارزاده شهرکی فرزند مختار به شماره شناسنامه ۱۷۴۰۲۰۴۷۷۸ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی مهندسی کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۸۹۴۱۲۳۳۱۵۸۷ مورخ ۹۶/۰۸/۰۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو ساینا مدل ۹۹ به رنگ سفید به شماره موتور M ۱۵۸۹۴۱۷۶۴ و به شماره شاسی NAS ۸۳۱۱۰۰ L ۵۸۶۷۹۶۱ و به شماره پلاک ۲۴ – ۹۳۲ هـ ۴۱ به نام نزار عساکره مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و فاکتور فروش خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۹۵ به رنگ نوک‌مدادی به شماره موتور M ۱۳/۵۶۱۰۸۷۳ و به شماره شاسی NAS ۴۱۲۱۰۰ G ۳۳۸۹۸۷۶ و به شماره پلاک ۱۴-۷۶۳ و ۵۹ به نام هاشم حویزاوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو کامیون کشنده ولوو مدل ۷۷ به رنگ سفید به شماره ۲۴۲۲۸۸ و به شماره شاسی ۸۲۰۶۷۱ و به شماره پلاک ۲۴ – ۱۵۷ ع ۷۵ به نام حمید سلامات مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت سوخت، برگ سبز و کارت خودرو سمند سواری مدل ۹۰ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۲۷۳۷۸ و به شماره شاسی NAAC ۹۱ CC ۱ CF ۸۸۵۳۱۹ و به شماره پلاک ۱۴ – ۳۵۸ ی ۳۵ به نام الیاس هاشمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

درخواست پول کردن از مردم توسط براندازان هر روز شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد، این بار با عبارت: «روزی ۲ دلار»

# برانداز ۲ دلاری

زهرا طیبی-علی مزروعی
گروه نقد روز

**چاه براندازی به آب نرسید اما کارگران آن برای کسب نان همچنان مشغول کلنگ‌زنی‌اند. اپوزیسیون خارج‌نشین که تابلو براندازی را با هدف کسب درآمد سر دست گرفته و برای فروش رویا به دولتمردان ضد ایرانی به هر کوی و برزن سرک می‌کشد در ماجرای اتفاقات سال گذشته به‌طور علنی‌تری هویت کاسبکارانه خود را آشکار ساخت. همه چهره‌های اپوزیسیون نیز تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا از قافله عقب نمانده و در عمق بخشیدن به این هویت اثرگذار باشند. در جدیدترین نمونه، «روناک یونسی» بازیگر سابق سینما در این رابطه به ایفای نقش پرداخته است. روناک یونسی در ویدئویی که از خود منتشر کرده بدون اینکه بخندد برای فعالیت براندازانه این‌گونه از مردم کسب مزد کرد؛ «فقط دو دلار.» یونسی بدون اینکه پاسخ دهد حاصل یک سال شعار براندازی از جانب او و سایر اپوزیسیون چه بوده است، می‌گوید: «باید حمایت واقعی کنیم. این سیستم، این جمعیت، خانم‌هایی که اینجا در مجموعه‌ای که من کار می‌کنم هستند، می‌خواهیم یک کار عملی انجام دهیم. در این مسیر احتیاج داریم به کمک همه شما هموطنان عزیزی که در خارج از کشور زندگی می‌کنید. اینجا زمانی است که شما باید حمایت واقعی خودتان را نشان دهید. نمی‌گم زیاد، با دو دلار. تنها با اهدا کردن پول یک قهوه در روز. در این مسیر احتیاج داریم به کمک همه، باید حمایت واقعی کنیم.» نمونه‌های متعدد از رفتارهای مشابه اپوزیسیون نشان می‌دهد کاسبی واقعیت تمام رفتارهای براندازگونه است که یونسی فقط آن را علنی‌تر فریاد زده است.**

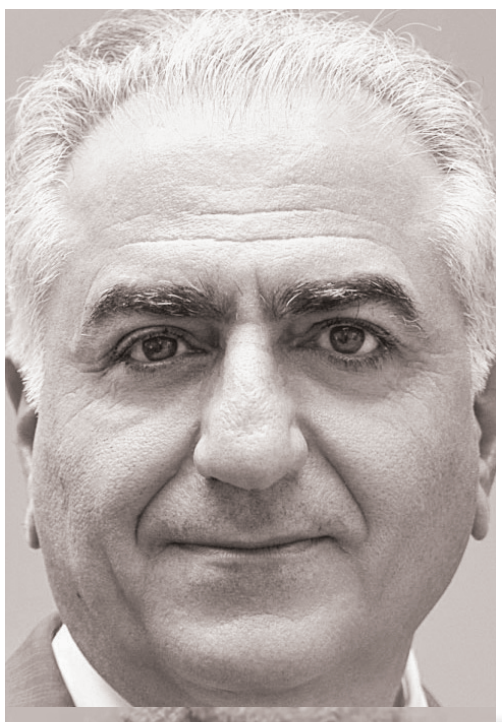

## کاسبی تازه سلبریتی براندازها وارد فاز جدیدی شد

«روناک یونسی» بازیگری که چندسالی می‌شود خارج از ایران زندگی می‌کند اخیرا در جریان ناآرامی‌های سال گذشته، در شبکه اینترنشنال حاضر شد و اظهارنظرهایی علیه ایران مطرح کرد. او هم‌راستا با آنچه از جانب برخی براندازان خارج‌نشین از جمله حامد اسماعیلیون و مسیح علی‌نژاد، درباره تعطیلی سفارت‌های ایران در دیگر کشورها صحبت می‌کرد و اظهار می‌داشت: «اخراج سفیرهای ایران در دیگر کشورها این پیام را دارد که دنیا پشت مردم است.» یونسی البته هرازگاهی تلاش می‌کرد با حاشیه‌سازی به‌نحوی خود را در صدر اخبار نگه دارد، ناآرامی‌های سال گذشته فرصت مناسبی برای مطرح کردن دوباره خود از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان بود، اما این گزاره نیز دور از ذهن نبود که او نیز در کنار حمید فرخ‌نژاد، احسان کرمی، شبنم فرشادجو و دیگر بازیگران خارج‌نشین ایرانی، رایگان حاضر به پذیرفتن هزینه مصاحبه با شبکه‌های فارسی‌زبان و موضع‌گیری درباره آنچه در ایران اتفاق می‌افتاد، شده بود. درست در روزهایی که رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش می‌کردند با اعمال فشار و تبلیغ این گزاره را اثبات کنند که هنرمندان و ورزشکاران نسبت به اتفاقات ایران موضع‌گیری هم‌راستا با آنها داشته‌اند، حضور افرادی که پیش از این در ایران بازیگری می‌کردند می‌توانست نمایش موثری برای اثبات آنچه این شبکه‌ها مخصوصا اینترنشنال به دنبال اثبات آن بود را به تصویر بکشد. با عبور از ناآرامی‌های سال گذشته اما حضور این چهره‌ها و اهمیت آنها در فضای مجازی و شبکه‌های فارسی‌زبان، به مرور کاسته شد و طبیعی بود دیگر خبری نیز از کسب درآمد از این طریق نبود و این موضوع تا آنجا نمود پیدا کرد که برخی از این بازیگران در سالگرد اتفاقات پاییز و برای کسب درآمد تئاترها و نمایش‌هایی در خارج از کشور به راه انداختند تا هم نقاب مبارزه از چهره‌شان نیفتد، هم منبع درآمدی برای خودشان دست و پا کنند. اخیرا اما روناک یونسی بازیگری که بعد از شکست پروژه براندازان نامی از او شنیده نمی‌شد در ویدیوئی مدعی شده که اعتراض تنها شرکت در اجتماعات و پلاکارد دست گرفتن نیست و از ایرانیان خارج‌نشین خواست در راستای اعتراضات‌شان به موسسه‌ای که او در آن مشغول به فعالیت است کمک کنند تا بتوانند اقدامات خود را انجام دهند. کاسبی به نام مبارزه و اعتراض توسط بازیگران خارج‌نشین حالا به مرحله درخواست کمک از ایرانیان خارج‌نشین رسیده است. اگرچه این درخواست کمک‌ها نشان می‌دهد که بودجه‌های کشورهای خارجی برای اجرای پروژه براندازی کاهش محسوسی داشته است، اما فرصت مناسبی را در اختیار سلبریتی‌های براندازقرار داده که حالا با ادعای لزوم هزینه دادن برای اعتراض از آنها مبالغ مالی درخواست کنند، آن هم در شرایطی که نه سازوکار مشخصی برای این سازمان‌های یک‌شبه سبز شده وجود دارد و نه استدلال مشخصی ارائه می‌شود که بر چه اساسی ایرانیان خارج‌نشین باید برای پرداخت مبالغ به آنها اعتماد کنند، آن هم در شرایطی که مشابه این اقدامات توسط دیگر براندازان خارج‌نشین انجام شد و مشخص نشد هزینه‌های مالی جمع‌آوری شده دقیقا کجا هزینه شده است.

## کاسبی از ناآرامی‌ها؛ شغل جدید شازده پهلوی و خانواده

دیدارها با نمایندگان پارلمان‌های اروپایی و سفر به برخی از کشورهای اروپایی بعد از گذر از ناآرامی‌های سال گذشته توسط رضا پهلوی در حالی پیگیری می‌شد که وی تلاش می‌کرد، چهره‌ای از خود در میان براندازان خارج‌نشین ترسیم کند که به‌نحوی نشان دهد لیدری اعتراضات را بر عهده دارد، فارغ از اینکه اقدامات او توسط براندازان خارج‌نشین نیز مورد تمسخر قرار می‌گرفت. اما شازده پهلوی در همان روزها ادعا کرد که برای حمایت از ناآرامی‌ها در ایران صندوق کمک مالی راه‌اندازی کرده است. این صندوق که مشخص نیست به چه نحوی و از چه منبعی اقدام به جذب کمک‌های مالی کرد نزدیک به یک میلیون دلار کمک مالی دریافت کرد، حالا و با گذشت یک سال از راه‌اندازی صندوق شازده پهلوی معلوم نیست این مبالغ کجا و به چه نحوی هزینه شده است که رضا پهلوی در پاسخ به سوال مجری درباره سرنوشت این صندوق باز هم درخواست کمک مالی این بار از جانب ایرانیان خارج‌نشین می‌کند اما به نظر می‌رسد که مقامات خارج‌نشین دیگر حاضر نیستند برای اجرای پروژه فرضی براندازی توسط شازده پهلوی هزینه کنند. در همین راستا نیز او در واکنش به آزادی پول‌های بلوکه شده ایران می‌گوید: «الان به جای اینکه یک دولت خارجی یک مبلغ پولی را در اختیار مردم قرار دهد که کمکی باشد برای مقابله با حکومت، آن را به نظام می‌دهد.» به نظر می‌رسد نقاب ایران دوستی رضا پهلوی خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد کنار رفت. این امر و اقدامات اینچنینی رضا پهلوی و کاسبی از ناآرامی‌های ایران موضوعی بود که خود براندازان خارج‌نشین آن را افشا کردند. جمع‌آوری پول به اسم کمک به صندوق مالی و سفرهای پی‌درپی رضا پهلوی برای جمع‌آوری این کمک‌ها تنها کاسبی شازده پهلوی از اتفاقات سال گذشته نبود، همزمان با نزدیک شدن به سالگرد اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ بود که تشکیل جلسه سخنرانی با حضور همسر شازده پهلوی و نرخ بلیت‌ها برای این جلسه حاشیه‌ساز شد؛ بلیت عادی شرکت در این جلسه ۱۵۰ دلار هزینه برمی‌داشت اما اگر می‌خواستید کنار همسر شازده بنشینید باید ۴۵۶ دلار هزینه می‌کردید. براین اساس شاید این گزاره چندان اشتباه نباشد اگر بگوییم شغل شازده پهلوی که با حمایت مالی مادر به گفته خودش به فعالیت‌های سیاسی محدود شده بود حالا به کاسبی از ناآرامی‌های سال گذشته و سفرهای مختلف برای به دست آوردن بودجه به نام اعتراض و برای گذران زندگی در خارج تبدیل شده است.

## کمک‌های مردمی که صرف خرید گوشی سامسونگ و لوازم شخصی نماینده سوئدی شد

«من سوئدی و نماینده مردم سوئد هستم و تنها پرچم کشور سوئد را روی سینه‌ام می‌زنم.» علیرضا آخوندی، نماینده ایرانی تباری که البته خود را سوئدی می‌داند، در روزهای بروز ناآرامی‌ها دنبال‌کننده جدی پروژه قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی بود و برای تصویب این امر در پارلمان اروپا با شعار مبارزه برای مردم ایران تلاش‌های زیادی کرد که اگرچه منجر به تروریستی اعلام شدن سپاه توسط اتحادیه اروپا نشد اما بیانیه‌ای با همین محور توسط پارلمان اروپا منتشر شد. اما شاید سادگی بود اگر تصور کنیم او که خود را نماینده مردم سوئد می‌داند تنها با انگیزه ایران‌دوستی این فعالیت‌ها را انجام داده است. آخوندی سال گذشته با همین شعار نزدیک به ۱۱۰ هزار یورو کمک مالی جمع‌آوری کرد و در پاسخ به سوال یکی از براندازان که گفت ۱۲ هزار یورو پول جمع‌آوری کردید، چه کار کردید؟ چرا برای مردم ایران نفرستادید، گفت: «اولا ۱۱۰ هزار یورو بوده است، بعد هم ما زحمت کشیدیم سیاست غرب را تغییر دادیم.» آخوندی در واقع مبالغی را که جمع‌آوری کرده بود، دستمزد زحمات خود برای تغییر سیاست‌های غرب می‌دانست. جزئیات آنچه آخوندی با پول‌های جمع‌آوری شده به دست آورده بود، اخیرا در صفحه‌ای به نام جامعه ایرانیان اروپا منتشر شده است. ریز هزینه‌های این نماینده سوئدی نشان می‌دهد که تاکنون بیش از ۱۶ هزار دلار از مبالغ جمع‌آوری شده را صرف هزینه‌های شخصی مثل خرید گوشی موبایل سامسونگ، لباس و لوازم شخصی کرده است. می‌توان گفت آنچه او در یک سال گذشته انجام داده بیش از آنکه اقدامی در راستای کمک به مردم ایران باشد، صرفا تلاشی برای فراهم کردن زندگی آسوده‌تری برای خود در پارلمان اروپا بوده است.

## پول‌های بلوکه‌شده خواسته جدید براندازان

مسیح علی‌نژاد که در جریان اتفاقات سال گذشته تلاش‌های زیادی برای ائتلاف براندازان انجام داد، شاید اولین فردی بود که بعد از فروپاشی منشور همبستگی سعی داشت القا کند منشور همبستگی علی‌رغم خروج برخی افراد هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. او یکی از افتخارات خود را در ماجرای ناآرامی‌های سال گذشته عکس گرفتن با رئیس جمهور فرانسه و دیدار با مقامات کشورهای اروپایی می‌دانست و همواره این گزاره را که توسط یکی از نهادهای امنیتی آمریکا محافظت می‌شود، مطرح می‌کرد تا به‌گونه‌ای القا کند که شخصیت مهمی است. علی‌نژاد علی‌رغم اینکه تلاش می‌کرد خود را لیدر اپوزیسیون خارج‌نشین و یکی از افراد موثر در اتفاقات سال گذشته معرفی کند، حتی در میان اپوزیسیون خارج‌نشین نیز شخصیت چندان محبوبی نبود. علی‌رغم اختلافات زیادی که میان براندازان وجود داشت، شاید یکی از دلایل عدم محبوبیت و ناسازگاری دیگر براندازان با او هزینه‌هایی بود که علی‌نژاد در قبال انجام این اقدامات دریافت می‌کرد. او یکی از افرادی بود که برای پیگیری پروژه‌های ضدایرانی‌اش قراردادی مستقیم با دولت آمریکا امضا کرده است و برای مثال در سال مالی ۲۰۲۳ تنها یک قرارداد به ارزش پایه ۹۹ هزار دلار در ماه امضا کرده است. امضای قراردادهای مستقیم با دولت آمریکا بخشی از دریافتی‌های او در قبال اجرای پروژه ضدایرانی است. چندوقت پیش بود که خبر شکایت او برای دریافت غرامت از محل پول‌های بلوکه‌شده به خاطر آسیب روحی که ادعا می‌کرد به خاطر فوت برادرش متحمل شده بود، واکنش‌های زیادی میان براندازان خارج‌نشین به همراه داشت. علی‌نژاد اگرچه در شکایت خود مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به‌عنوان غرامت درخواست کرده بود اما دادگاه فدرال آمریکا، رای به پرداخت سه‌میلیون دلار از محل پول‌های بلوکه‌شده ایران داد و اگرچه او به خاطر فضای منفی ناشی از این اقدامش گفت مبلغ را دریافت نخواهد کرد و اقدامش نمادین بوده، نه‌تنها پول را دریافت کرد، بلکه موسسه‌ای با همین انگیزه راه‌اندازی کرد تا افرادی که می‌خواهند از محل پول‌های بلوکه‌شده به آنها غرامت پرداخت شود، به این موسسه مراجعه و نهایتا درصدی را پرداخت کنند. به نظر می‌رسید موفقیت علی‌نژاد در دادگاه فدرال برای دریافت غرامت از محل پول‌های بلوکه‌شده باب جدیدی برای کسب درآمد از طریق پول‌های مردم ایران برای او باز کرده بود. آنها برای توجیه این اقدام ادعا می‌کردند برداشت این پول‌ها بخشی از هزینه‌ای است که ایرانیان باید برای کمک به آنها و مبارزات‌شان بپردازند. هریسچی، وکیل پرونده غرامت مسیح علی‌نژاد در همین رابطه اظهار داشت: «گرفتن غرامت از صندوقی که پول ایران هم در آن باشد، غیرانسانی و غیراخلاقی نیست. درست است که می‌گوییم این پول مردم است، اما این هزینه‌هایی است که مردم ایران باید پرداخت کنند و راهکار دیگری وجود ندارد و اگر ساختاری برای پرداخت غرامت وجود دارد، باید مبلغ پرداخت شود و هیچ ساختار غیراخلاقی وجود ندارد.» به نظر می‌رسد دریافت غرامت توسط برخی براندازان درحال تبدیل شدن به منبع جدیدی برای کسب درآمد است و اگرچه پیش از این چهره‌های براندازاین موضوع را در میانه اتفاقات سال گذشته و حتی پیش از آن مطرح می‌کردند که برای ادامه مبارزه علیه حکومت، پول‌های بلوکه‌شده را به ما بدهید، اما حالا و با استفاده از قانون عملا برای مصادره این مبالغ اقدام می‌کنند. خانواده عباس امیرانتظام افرادی هستند که هرکدام نزدیک به ۶ میلیون دلار از اموال بلوکه‌شده ایران غرامت دریافت کرده‌اند. بر این مبنا شاید چندان عجیب نباشد که خبر آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده مردم ایران با واکنش منفی براندازان خارج‌نشین همراه می‌شود؛ چراکه یکی از منابع اصلی کسب درآمد آنها از این طریق از میان می‌رود.

## هواپیمای اوکراینی به فروش گذاشته شد!

بعد از اینکه اسماعیلیون، مسئولیت سخنگویی و پیگیری پرونده هواپیمای اوکراینی را بر عهده گرفت، برخی از خانواده‌های قربانیان این حادثه نسبت به دنبال نکردن این پرونده و مشغول شدن اسماعیلیون به فعالیت‌های سیاسی، اعتراضاتی را مطرح می‌کردند. همزمان با ناآرام شدن خیابان‌های ایران و ظاهر شدن اسماعیلیون به‌عنوان یک چهره براندازمخالف حکومت و حضورش به‌عنوان عضوی از منشور همبستگی، اعتراضات نسبت به اقدامات سیاسی او بالا گرفت. در این میان اما برخی ادعا می‌کردند اسماعیلیون از بودجه‌ای که برای پیگیری پرونده جانباختگان اوکراینی در اختیارش قرار گرفته برای انجام فعالیت‌های سیاسی استفاده کرده است. همسر یکی از جان‌باختگان این حادثه نسبت به عملکرد اسماعیلیون گفته بود: «موضع‌گیری سیاسی انجمن و چهره‌های شاخصش، نه‌تنها به براندازی کمک نمی‌کند بلکه به دادخواهی خود پرواز و اعتماد مردم هم ضربه می‌زند.» اعتراض یکی از کارشناسان اینترنشنال به فعالیت‌های سیاسی اسماعیلیون، از جمله نقدهایی بود که به او وارد شده بود: «آیا انجمن طبق اساسنامه مجاز به فعالیت سیاسی، دادن فراخوان و هزینه کردن از منابعی که بابت پیگیری ماجرای هواپیما اختصاص داده شده هست؟ اسماعیلیون چقدر وظیفه اصلی‌اش درباره ماجرای هواپیما را انجام داده؟» مجموع این اعتراض‌ها و واکنش‌های منفی، سبب شد اسماعیلیون در ۱۸ اسفند سال گذشته از دبیری و سخنگویی انجمن جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی استعفا بدهد. او البته دلیل استعفایش را حضور فعالانه‌تر در جنبش زن، زندگی، آزادی عنوان کرد. اسماعیلیون بعد از خروج از منشور همبستگی به غیر از برگزاری چند تجمع و دعوا با سمپات‌های سایر چهره‌های اپوزیسیون، ظهور و بروز دیگری نداشت تا اینکه انتشار تصاویری از تیشرت، لباس، لیوان و دیگر وسایلی که نشانه‌هایی از تراژدی هواپیمای اوکراینی داشتند و توسط اسماعیلیون به فروش گذاشته شده بود، حاشیه‌های زیادی به همراه آورد. عمده نقدهایی که بیشتر هم از جانب اپوزیسیون خارج‌نشین مطرح می‌شد این بود که اسماعیلیون در حال کاسبی از خون همسر و فرزندانش است. آرام شدن خیابان‌های ایران بعد از پاییز سال گذشته و آشکار شدن این موضوع که وقایعی مثل براندازی یا انقلاب بیشتر شبیه به سرابی بودند که براندازهای خارج‌نشین آن را واقعی تصور می‌کردند، سبب شد این افراد به سمت کاسبی از طریق نمادهای انقلاب خودخوانده‌شان حرکت کنند. اقدامی که با ادعاهای آنها مبنی بر اینکه دلسوز مردم ایران هستند و برای آزادی مبارزه می‌کنند مغایرتی ۳۶۰ درجه‌ای دارد.

## آنتی‌کاریزما کیلو چند؟

با اوج گرفتن ناآرامی‌ها در خیابان‌های ایران، از جانب براندازان و اپوزیسیون، جوی در فضای مجازی ایجاد شده بود که هر فعالیت و اقدامی را مورد هجمه قرار می‌داد. متاثر از این فضا، سینما و کنسرت‌ها نیز تقریبا به حالت نیمه‌تعطیل درآمدند اما با آرام شدن شرایط خود براندازان و اپوزیسیون هم به آرامی برگزاری کنسرت‌ها در خارج از کشور را از سر گرفتند. شاهین نجفی نیز به مناسبت سالگرد فوت مهسا امینی برای کنسرتی در آلمان بلیت فروشی کرد و قیمت هر بلیت را نیز بین ۵۰ تا ۱۴۰ یورو تعیین کرد. شاهین نجفی شخصیتی بود که یک گروه رپ با عنوان «آنتی‌کاریزما» به راه انداخته بود و سعی می‌کرد از این طریق چهره یک اپوزیسیون ضدحکومت به خود بگیرد اما نکته جالب ماجرا آنجاست که نجفی که سعی داشت بگوید با کاریزماسازی از افراد و شخصیت‌ها مخالف است اخیرا کاملا مخالف آنچه اظهار می‌داشت موضع‌گیری کرد و از رضا پهلوی یک شخصیت کاریزماتیک ساخت و گفت: «به روح پدرم وقتی شاهزاده در تورنتو روی استیج آمد، زمین می‌لرزید.» اظهارات متناقض نجفی، درباره کاریزماسازی از افراد این سوال را ایجاد می‌کند که چرا شاهین نجفی با این اظهارات به یک باره حامی رضا پهلوی می‌شود و از او یک شخصیت کاریزماتیک می‌سازد. احتمالا حمایت‌های مالی خاندان پهلوی در شدت این تعریف و تمجیدها نقش پررنگی ایفا می‌کند. امری که خود شاهین نجفی منکر آن است و در مصاحبه با شبکه منوتو می‌گوید دلیل اینکه عاشق شاهزاده شده است، پول نیست. اما عقاید دوگانه او خلاف این ادعا را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد وقتی پای حمایت مالی وسط باشد، کاسبی کردن از وقایع و اتفاقات سال گذشته امر بدیهی برای اپوزیسیون محسوب می‌شود تا حدی که حاضرند عقاید خود را نیز دستخوش تغییر ۱۸۰ درجه‌ای قرار دهند.

## ارتزاق یتیمان تیرانا از خیریه براندازی

یکی از نخستین راهکارها برای درآمدزایی قابل توجه توسط سازمان منافقین، تاسیس انجمن‌های خیریه با ادعای کمک به کودکان بی‌بضاعت و خانواده آنها در ایران بود. مجید تفرشی، پژوهشگر در مستندی چند قسمتی با نام «خیریه اشرف» به بررسی این موضوع پرداخته است. او پس از آزادسازی نزدیک به ۶ هزار سند در موسسه چریتی کامیشن که یکی از نهادهای مردم‌نهاد و ناظر بر موسسات خیریه در انگلیس است، به بررسی این اسناد پرداخت و متوجه شد بخشی از این اسناد مربوط به موسسه خیریه‌ای به نام «ایران اید» (IranAid) است که تلاش می‌کرد به کودکان و خانواده‌های بی‌بضاعت در ایران و مناطق مرزی ایران کمک کند. تفرشی توضیح می‌دهد: «متوجه شدم که این موسسه خیریه پوشالی است و محلی برای کلاهبرداری و انتقال پول از اروپا به عراق و برعکس است. در حقیقت این موسسه، پوششی برای [تشکیلاتی موسوم به] شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق بود.» ایران اید، از ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ (۲۰ سپتامبر ۱۹۸۳) فعالیت خود را آغاز کرده بوده بود. منافقین انجمن‌های خیریه دیگری به بهانه حمایت از کودکان ایرانی در شهرهای مختلف کشورهای اروپایی و آمریکا همچون CHR در لس‌آنجلس تاسیس کرده بودند و از این طریق نیز مبالغ قابل توجهی به دست آوردند. تاسیس نهادهای خیریه برای کسب درآمد مثال واضح سوءاستفاده مالی منافقین از شعارها و ادعاهای حقوق بشری است. منافقین با همین ادعاها در اتفاقات سال گذشته نیز موثر ظاهر شدند تا بتوانند در دیدار با مقامات کشورهای مختلف غربی اقدامات ضدبشری مستتر شده در شعارهای بشردوستانه را نقد کنند.

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### نخست‌وزیر هند به‌دنبال تمرکز بیشتر قدرت در دستان دولت است

# دولت- ملت‌سازی به سبک مودی

**میراحمدرضا مشرف**
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

هند تحت حاکمیت دولت مودی این روزها در صحنه بین‌المللی درخشش خیره‌کننده‌ای از خود به نمایش گذاشته است. رشد اقتصادی چشمگیر این کشور طی دهه اخیر پیشرفت‌های فوق‌العاده در حوزه‌هایی چون هوافضا و فناوری‌های جدید و درکنار اینها دیپلماسی فعال در صحنه جهانی با حضور موثر در ائتلاف‌ها و نهادهای بین‌المللی و میزبانی از نشست‌های مهم جهانی که اجلاس سران جی ۲۰ آخرین مورد آن بود، همگی تنها بخشی از دستاوردهای هند در صحنه بین‌المللی را به‌تصویر می‌کشند. اما به‌رغم این دستاوردها و چشم‌انداز روشنی که از هند در صحنه جهانی ترسیم شده است، به‌نظر می‌رسد این کشور در بعد داخلی شرایط کاملا متفاوتی را تجربه می‌کند که زمینه‌ساز نگرانی‌های جدی در رابطه با آینده سیاسی و اجتماعی پرجمعیت کشور جهان شده است. در همین راستا نشریه اکونومیست اخیرا در تحلیلی مفصل به بررسی اوضاع داخلی هند و معضلات پیش روی آن پرداخته که حاوی نکات کلیدی و برجسته‌ای درمورد سیاست و حکومت در هند به‌شکل عام و تجربه ۱۰ سال حکومت‌داری مودی و حزبش به‌طور خاص است.

## مودی استاد غافلگیری‌های سیاسی

به‌نظر می‌رسد تحلیل اکونومیست به بهانه فراخوان مودی به پارلمان برای برگزاری اجلاس فوق‌العاده در فاصله ۱۸ تا ۲۲ سپتامبر نوشته شده باشد؛ نشست فوق‌العاده‌ای که به‌گفته تحلیلگر اکونومیست با کمال تعجب محور و موضوع بحث‌های آن اعلام نشده بود. البته از منظر نویسنده این نشریه، با توجه به سابقه نخست‌وزیر هند در انجام اقدامات غافلگیرکننده، عدم افشای موضوع این نشست را نباید خیلی هم شگفت‌انگیز تلقی کرد. نارندرا مودی علاقه زیادی به خلق شگفتانه‌ها دارد و به اینکه هر روز خرگوش‌های جدیدی را از کلاهش بیرون بیاورد، عشق می‌ورزد. در سایه همین طرز فکر است که او یکباره در عصر یکی از روزهای سال ۲۰۱۶ اعلام می‌کند که اسکناس‌های ۵۰۰ و هزار روپیه‌ای- که به‌لحاظ ارزش مالی ۸۶ درصد چرخه مالی کشور را تشکیل می‌دادند- در پایان شب از چرخه قانونی پول رایج کشور خارج خواهند شد یا در موردی دیگر نخست‌وزیر هند در سال ۲۰۲۰ (در زمان همه‌گیری کرونا) و تنها به فاصله چند ساعت بعد از اطلاع‌رسانی، کشور را تعطیل اعلام کرد. بنابراین جای تعجب نیست که از زمان انتشار فراخوان دولت برای برگزاری نشست فوق‌العاده مجلس، گمانه‌زنی‌ها در رابطه با محور مذاکرات این نشست بیداد می‌کند و همه می‌پرسند که این بار او چه ترفند دیگری در آستین دارد؟

در اینجا تحلیلگر اکونومیست به طرح دو گمانه‌زنی درمورد محور بحث‌های اجلاس اضطراری پارلمان می‌پردازد؛ نخست تغییر نام هند به بهارات و دوم تجدید سازمان انتخابات هند با رویکرد همگام‌سازی انتخابات در این کشور. با توجه به اینکه درحال‌حاضر نشست فوق‌العاده مجلس هند به پایان رسیده و موضوع آن کاملا روشن شده است، می‌توان گفت که این بار هم مودی «تردستی» جدیدی را از آستین بیرون آورده که حتی تحلیلگر اکونومیست را هم غافلگیر کرده و پیش‌بینی‌های آن درمورد موضوع نشست را غلط از کار درآورده است. بر این اساس بحث حق رای زنان و رجوع دولت به یک قانون قدیمی که برای زنان سهمی ثابت و حدودا ۳۰ درصدی در مجالس قانون‌گذاری درنظر می‌گرفت، در محور اصلی این نشست قرار داشت و صحبت خاصی هم از دو موضوع پیش‌بینی‌شده در اکونومیست به میان نیامد. بااین‌حال و به‌رغم این پیش‌بینی نادرست تحلیلگر اکونومیست، نمی‌توان از تحلیل دقیقی که در این مقاله درمورد آینده سیاسی و اجتماعی هند ارائه داده شده چشم‌پوشی کرد، به‌ویژه با درنظر گرفتن این مهم که نخست‌وزیر هند و حزبش بسیاری از طرح‌های اشاره‌شده در این تحلیل را در دست اجرا داشته یا برنامه‌های وسیعی برای اجرای آنها در آینده دارند.

## دولت- ملت‌سازی؛ محور اصلی برنامه‌های مودی

مقاله‌نویس نشریه اکونومیست بر این باور است که حزب بی‌جی‌پی از زمان به قدرت رسیدنش در سال ۲۰۱۴ تاکنون، همواره یک هدف مهم و بلندمدت را پیگیری کرده است؛ برنامه‌ای برای تغییر هند به چیزی شبیه «دولت- ملت‌های اروپایی.» چنین بینشی هم تقویت «دولت مرکزی» و هم ترویج یک «پان‌هندیسم» و ملی‌گرایی هندو را دربر می‌گیرد. در این راستا شاهدیم که دولت به‌شکلی مکرر و روتین تاکید دارد که هند «یک ملت» است. به‌کارگیری سیاست‌هایی همچون «یک ملت، یک کارت جیره‌بندی» (برای سوبسید مواد غذایی)، «یک ملت و یک یونیفرم» (برای پوشش نیروهای پلیس) یا شاید مهم‌تر از همه «یک ملت، یک انتخابات» که از سال ۲۰۱۴ در مانیفست «بی‌جی‌پی» جای داشته و بر همگام‌سازی انتخابات تاکید دارد؛ همگی در همین راستا انجام گرفته‌اند.

اما این‌گونه تمایلات تمرکزگرایانه‌ای از سوی حکومت در حوزه اقتصادی مطرح شده و به‌شدت مورد استقبال قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۷ نخست‌وزیر هند با ارائه یک سیستم مالیات ملی کالاها و خدمات که با نام اختصاری «جی‌اس‌تی» شناخته می‌شود، شعار «یک ملت، یک مالیات» را سر داد و در راستای تعمیق یک بازار مشترک تلاش کرد. شواهد نشان می‌دهد که تلاش‌های وی در این رابطه با نتایج مثبتی توام شده، چنانکه با مقایسه تجارت بین دولتی طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۶ و ۲۰۲۱-۲۰۲۰ می‌توان به این مهم پی‌برد که ارزش این تجارت تا ۴۳ درصد افزایش یافته است. تحلیلگران اقتصادی این تحول را به ارائه «جی‌اس‌تی» (طرح مالیات و خدمات ملی) از سوی دولت و یکپارچه‌سازی هرچه بیشتر اقتصادی مرتبط دانسته‌اند. درکنار اینها دولت مودی به‌شکل دیوانه‌واری برنامه ساخت اتوبان‌ها، راه‌اندازی فرودگاه‌های جدید و افتتاح قطارهای پرسرعت را درپیش گرفته تا هندی‌ها را به هم نزدیک‌تر سازد. علاوه‌بر این آغاز به کار یک سیستم دیجیتال هویت ملی و نظام پرداخت‌های دیجیتال ملی را در این مدت شاهد بوده‌ایم.

## شکاف‌های عمیق میان شمال و جنوب هند

اگرچه تحلیلگر اکونومیست تا اینجا نگاهی بدبینانه از تحولات و اقدامات مودی در ملت‌سازی ارائه نداده است اما در ادامه بحث تاکید می‌کند لفاظی‌های خشن دولت درمورد «یک ملت» می‌تواند موجبات از هم گسیختگی برخی روابط را در این سرزمین وسیع و متنوع فراهم کند. به‌نظر می‌رسد که وی این استدلال را بر مبنای شکاف عمیق میان شمال و جنوب هند مطرح می‌کند؛ یک شکاف اصلی میان جنوب ثروتمند و صنعتی‌شده و شمال کشاورزی و به‌لحاظ اقتصادی ضعیف در هند وجود دارد. بر این اساس باید گفت که جنوب از پنج ایالت شامل «آندار پرادش»، «کارناتاکا»، «کرالا»، «تامیل‌نادو» و «تلانگانا» تشکیل شده و شمال نیز دو ایالت مهم «اتراپرادش» و «بیهار» را شامل می‌شود. در شرایطی که دو ایالت شمالی در زمره فقیرنشین‌ترین ایالت‌های هند قرار می‌گیرند، ایالت‌های جنوبی ثروتمندتر، امن‌تر، سالم‌تر، با تعلیم بهتر و چالش‌های کمتر برای زنان و دالیت‌ها (زمین‌خورده‌ها یا ستم‌دیده‌ها) هستند.

در زمان آخرین سرشماری سراسری در سال ۲۰۱۱، دو ایالت شمالی اتراپرادش و بیهار درمجموع ۲۵ درصد کل جمعیت هند را در خود جای داده بودند؛ رقمی که برای مجموعه ایالت‌های جنوبی به ۲۱ درصد می‌رسید. درحال‌حاضر به نظر می‌رسد که این شکاف جمعیتی تشدید شده است. آخرین برآوردهای رسمی حکایت از آن دارد که در سال ۲۰۲۲ این دو ایالت حدود ۲۶ درصد جمعیت هند را تشکیل می‌دهند، حال آنکه سهم ایالت‌های جنوب به رقم ۱۹٫۵ درصد کاهش یافته است. به همین ترتیب اقتصادهای آنها نیز دگرگون شده است. رقم «جی‌دی‌پی» برای هر شخص در جنوب ۴٫۲ برابر بیشتر از دو استان شمالی است که رقمی بالاتر از ۳٫۳ برابر سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ را نشان می‌دهد. درعین‌حال ایالت‌های جنوبی در حدود یک‌چهارم (۲۵ درصد) سهام هند و منابع مالیات بر درآمد آن را در اختیار دارند؛ رقمی که باید آن را با آمار صرفا ۳ درصدی اتراپرادش و بیهار مقایسه کرد.

اما شکاف شمال و جنوب صرفا به اقتصاد محدود نمی‌شود و به‌لحاظ سیاسی هم شکاف‌های عمیقی میان آنها وجود دارد. هیچ ایالتی در جنوب به‌وسیله دولت‌های محلی حزب بی‌جی‌پی اداره نمی‌شود؛ چراکه به‌عنوان یک حزب هندو زبان نواحی شمالی به آن نگریسته می‌شود. کارناتاکا به‌عنوان تنها ایالتی در جنوب که حزب مودی تا حدودی در آن نفوذ کرده، در انتخابات اوایل سال جاری شاهد شکست حزب بی‌جی‌پی و از میان رفتن همین نفوذ کمرنگ بوده است.

## تقابل شمال و جنوب هند در ۳ جبهه

از دیدگاه تحلیلگر اکونومیست تنش‌های میان شمال و جنوب هند را می‌توان در سه جبهه متفاوت قابل‌ارزیابی دانست:

### ۱ فرهنگی

در حوزه «فرهنگی» جنوبی‌ها نسبت به آنچه تحمیل ارزش‌ها و زبان نواحی شمالی می‌دانند، احساس رنجش طولانی را تجربه می‌کنند. در سال ۲۰۱۹ آمیت شاه، وزیر کشور هند این توئیت را زد که «اگر زبانی می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد کشور شود، به‌طور قطع آن زبانی خواهد بود که بیشترین گویش را در کشور دارد، یعنی زبان هندی.» در واکنش به این موضع‌گیری اعتراضاتی در سراسر جنوب به راه افتاد، به‌طوری‌که حتی متحدان نزدیک بی‌جی‌پی در منطقه تلاش کردند خود را از این اظهارات دور نگه دارند.

### ۲ مالی

در حوزه دوم، شکایت‌ها درمورد توافقات مالی نیز درحال رشد است. درحالی‌که عایدات دولت مرکزی رو به رشد است، این ایالت‌ها هستند که بیشتر هزینه‌ها را متقبل می‌شوند، به‌ویژه در حوزه‌هایی حیاتی چون تعلیم و تربیت، سلامت و رفاه. نکته مهم این است که ارائه جی‌اس‌تی قدرت درآمدزایی ایالت‌ها را تضعیف کرده است. در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۱ حدود ۶۴ درصد از منابع ایالت‌ها صرف مخارج عمومی شد، حال آنکه آنها فقط ۳۸ درصد درآمدها را جمع‌آوری کردند. نتیجه اینکه ایالت‌ها اکنون بیش از هر زمانی به انتقال منابع از مرکز وابسته شده‌اند. درمورد میزان عایدی‌شان از دولت مرکزی هر پنج‌سال یک‌بار و به‌وسیله کمیسیون مالی، نهادی پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی تصمیم‌گیری می‌شود. آنچه به هر ایالت می‌رسد به‌شکل متفاوتی به سنجش‌هایی از قبیل جمعیت و سطح توسعه‌یافتگی بستگی دارد. درنهایت ایالت‌های جنوبی کمتر از میزان سهم‌شان از دولت دریافت می‌کنند. چگونگی بازتوزیع منابع به ایالت‌ها، تعیین‌کننده آینده هر سیستم فدرال و یک وظیفه اخلاقی و البته در هند یک وظیفه مبتنی‌بر قانون اساسی است اما این موضوع وقتی جدال‌برانگیز می‌شود که اقتصاد ایالت‌ها از هم واگرایی داشته باشند. احتمالا ملاحظات در این زمینه در پایان امسال دوچندان خواهد شد؛ چراکه کمیسیون مالی بعدی تقسیم درآمدها میان ایالت‌ها را برای فاصله سال‌های ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۲ شروع خواهد کرد.

### ۳ سیاسی

سومین و درواقع خطرناک‌ترین حوزه تنش به نمایندگی‌های سیاسی ایالت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. قانون اساسی هند این الزام را دارد که کرسی‌های مجالس قانون‌گذاری براساس جمعیت تخصیص داده شوند، یعنی تقریبا متناسب با تعداد رای‌دهندگان در هر حوزه و ناحیه‌بندی که بعد از هر سرشماری عمومی انجام می‌شود. بااین‌حال در سال ۱۹۷۶ دولت حزب حاکم کنگره برای اینکه از وقوع رخدادی تنبیه‌گونه برای ایالت‌هایی جلوگیری کند که در اجرای خط‌مشی‌های تنظیم خانواده موفق بوده‌اند، بحث سرحدات انتخاباتی را در حالت ایستا قرار داد. در سال ۲۰۰۲ حکومت بی‌جی‌پی (دوره اول) این مهلت قانونی را تا سال ۲۰۲۶ تمدید کرد. همه این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که از دهه ۱۹۷۰ تاکنون سهم نواحی جنوبی از جمعیت هند ۵ درصد سقوط کرده و در مقابل سهم جمعیت ایالت‌های شمالی در همین بازه زمانی ۳ درصد رشد داشته است. برآیند منطقی این آمارها چیزی جز تخصیص نادرست کرسی‌های مجلس نخواهد بود. بر مبنای سرشماری سال ۲۰۱۱، جنوب باید در مجلس ۵۴۵ عضوی هند، ۱۸ نماینده کمتر از رقم فعلی ۱۲۹ عضو داشته باشد. اتراپرادش و بیهار نیز بر مبنای این سرشماری‌ها باید ۱۴ کرسی بیشتر از ۱۲۰ نماینده فعلی در اختیار داشته باشند. در یک برآورد دقیق‌تر باید به این نکته اشاره کرد که یک کرسی نمایندگی مجلس در ایالت شمالی اتراپرادش سه‌میلیون نفر را نمایندگی می‌کند که این رقم برای ایالت همتراز جنوبی همچون تامیل‌نادو فقط ۱٫۸ میلیون نفر است.

بحث‌های قانونی و اخلاقی در حمایت از حوزه‌بندی دوباره، ساده به‌نظر می‌رسند، اما عواقب عملی برای ایالت‌های جنوبی بسیار عظیم خواهد بود. نمونه این عواقب دشوار را می‌توان از صحبت‌های یک شخصیت برجسته جنوب در رابطه با گام نهادن دولت به سوی حوزه‌بندی جدید کاملا درک کرد: «این موضوع آغازگر مسیر پایان هند به‌عنوان یک کشور است. در دوره زندگی فرزندانم این سرزمین دیگر یک کشور واحد نخواهد بود.» افتتاح ساختمان جدید مجلس با ظرفیت ۸۸۸ نفر از سوی نخست‌وزیر مودی می‌تواند به این ایده اعتبار دهد که این حزب نسبت به تخصیص دوباره کرسی‌های مجلس متعهد است. البته ممکن است این اقدام وی با این هدف نیز انجام گیرد که با گسترش مجلس، تاثیر ضربه‌های شکست در ایالت‌هایی را که در انتخابات آنها ناکام می‌شود، کاهش پیدا کند.

## ایده چالش‌برانگیز همگام‌سازی انتخابات

اما علاوه‌بر مباحث مربوط به شکاف شمال و جنوب، موضوع دیگری هم می‌تواند آینده سیاسی هند را با مخاطره مواجه کند. همگام‌سازی انتخابات‌های فراوان در هند همان ایده‌ای است که مورد توجه دولت و درعین‌حال مورد انتقاد مخالفان قرار دارد. حزب بی‌جی‌پی بر این نظر تاکید دارد که سیستم فعلی که طی آن هر سال تعدادی از ایالت‌ها شاهد انتخابات و رای‌گیری هستند، عملکردی معیوب دارد. برمبنای استدلال آنها این نحوه برگزاری انتخابات سیاستگذاری‌ها را فلج می‌کند، نیروهای احزاب سیاسی را در شرایط رقابتی بدون توقف قرار می‌دهد و هزینه‌های سنگینی را به احزاب و خزانه دولت تحمیل می‌کند. درواقع انتخابات همزمان ارزان‌تر و منجر به حکمرانی بهتری خواهد شد. اما درمقابل منتقدان دولت تاکید دارند که قرار دادن تمامی انتخابات‌ها در یک زمان، مزایای احزاب ملی را دربرابر احزاب منطقه‌ای (مانند احزابی که بیشتر ایالت‌های جنوبی را تحت‌کنترل خود دارند) تقویت می‌کند. احزاب منطقه‌ای که منابع محدودی دارند باید برای جنگ در هر دو سطح ملی و منطقه‌ای در یک زمان واحد تقلا کنند اما درمورد تاثیر این همگام‌سازی انتخابات در تغییر آراس مردمی باید گفت که تجزیه و تحلیل انتخابات‌های گذشته، جواب‌های متناقضی را در این زمینه در اختیار قرار می‌دهد.

## نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این بحث‌ها را شاید بتوان از تحلیل آغازین نویسندگان نشریه اکونومیست درمورد اهداف مودی و دولتش از تمرکزگرایی در ساختار قدرت هند درک کرد. در این راستا باید اذعان کرد نشانه‌هایی وجود دارد که مودی می‌خواهد حوزه نفوذ خط‌مشی ملی و دولت مرکزی را افزایش دهد و اختیارات ۲۸ ایالتی را که اغلب آنها به‌وسیله خودش اداره نمی‌شود، کمرنگ‌تر از قبل سازد. بر این اساس اگرچه دولت مودی حکومت را در اختیار دارد، اما مساله این است که برخی ایالت‌های موفق و پویای جنوبی در خارج از کنترل وی قرار دارند. در ماه می حزب او کنترل ایالت کارناتاکا را- که به‌عنوان مرکز فناوری‌های نوین هند شناخته می‌شود- از دست داد. بحث‌هایی چون همسان‌سازی انتخابات می‌تواند به مودی کمک کند تا از محبوبیت عمومی‌اش در انتخابات منطقه‌ای نیز بهره ببرد و بی‌جی‌پی را هم قادر می‌کند تا ثروتش را افزایش دهد.

در حوزه مالی بی‌جی‌پی اقدامات مفیدی را به مرحله اجرا درآورده که ایجاد بازار واحد و درپی آن افزایش رشد اقتصادی یکی از آنهاست. ارتقای سیستم پرداخت دیجیتال ملی و همچنین برنامه رفاه فواید خود را نشان داده‌اند. با این همه بی‌جی‌پی فرم خاص خود را دارد؛ دادگاه‌ها را تضعیف و شوونیسم ضدمسلمانان را تحریک می‌کند. چنین تفرقه‌افکنی‌ای همیشه در هند با آن همه تنوع زبانی و حداقل شش مذهب عمده خطرناک بوده است. بد اداره کردن چنین تنش‌هایی می‌تواند بازار واحد را مختل کند و منجر به ناآرامی شود. برای مدیریت این مسائل هند نیاز دارد از سیستم فدرالیسم محافظت کند، سیستمی که بر انعطاف‌پذیری و تسهیل همکاری‌ها بنیان گذاشته شده است. نقطه عطف اصلاحات اقتصادی مودی یعنی جی‌اس‌تی، بعد از مذاکرات پرمشقت با ایالت‌ها حاصل شد. آن روحیه باید در دیگر اصلاحات قانون اساسی که انتخابات را هم شامل می‌شود، مدنظر قرار گیرد. شاید مهم‌ترین نکته این باشد که «فدرالیسم سیاسی یک مانع دست و پاگیر بر سر راه تبدیل هند به یک ابرقدرت جهانی نیست، بلکه یکی از شرایط تحقق آن است.»

## اعتراض به درخواست اعدام برای میلی

اظهارات «دونالد ترامپ» رئیس جمهور سابق آمریکا مبنی بر مجازات «اعدام» برای «مارک میلی» رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور موجب اعتراض گسترده در بین رقبای جمهوری‌خواه دونالد ترامپ شد. به گزارش فارس، این موضع‌گیری با واکنش شدید برخی از اعضای حزب جمهوریخواه مواجه شد. ترامپ اتهامات بسیار تندی را در پلتفرم رسانه اجتماعی‌اش علیه میلی مطرح و از تماس تلفنی وی با چین پس از اعتراضات ششم ژانویه ۲۰۲۱ آمریکا ابراز خشم و عصبانیت کرد و همچنین مارک میلی را به تبانی با کشور چین علیه خودش متهم کرد. با این حال، رئیس ستاد ارتش مشترک آمریکا در گفت‌وگو با اعضای کنگره عنوان کرد که پس از وقایع کنگره با همتایان چینی‌اش تلفنی صحبت کرده و به آنها اطمینان داده که ایالات‌متحده آمریکا در معرض تهدیدی نیست. وی همچنین عنوان کرد که این تماس تلفنی مخفی نبوده است.

## اعزام ده‌ها سرباز و ۳ بالگرد نظامی هلند به عراق

دولت هلند اعلام کرد که در چهارچوب فعالیت دفتر نمایندگی ناتو در عراق ۱۲۰ سرباز و سه بالگرد نظامی به این کشور اعزام می‌کند. به گزارش ایسنا، به نقل از «الفرات نیوز»، دولت هلند در ژوئن سال گذشته ارسال ۱۴۵ سرباز به عراق تا اول نوامبر ۲۰۲۳ را تصویب کرده بود. در اوت گذشته نیز دفتر نمایندگی ناتو در عراق اعلام کرد که به خواست دولت عراق مسئولیت‌های تازه‌ای را در بخش مستشاری و افزایش توانمندی نیروهای عراقی برعهده گرفته که شامل افزایش توانمندی نیروهای وزارت کشور و پلیس فدرال می‌شود. هلند عضو ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با گروه تروریستی داعش است و از سال ۲۰۱۴ نیروها و مستشارانی را برای جنگ با داعش و همکاری با نیروهای پیشمرگه و نیروهای امنیتی عراق به این کشور اعزام کرد. اعزام این میزان نیرو تنها از سوی هلند نشانگر تمرکز روبه رشد ناتو بر عراق است.

## کلورلی: حمایت از اوکراین سخت است

وزیر خارجه انگلیس ادامه حمایت از اوکراین در نبرد با روسیه را امری دشوار ارزیابی کرد. به گزارش مهر به نقل از رویترز، «جیمز کلورلی» وزیر خارجه انگلیس روز شنبه در مصاحبه‌ای تاکید کرد: این (حمایت از اوکراین) سخت و دردناک است. اما زمانی که دچار تزلزل شویم این کار سخت‌تر و دردناک‌تر خواهد بود. کلورلی ادامه داد که موضع دولت انگلیس درمورد بحران اوکراین قاطع است. وزیر خارجه انگلیس افزود که فرسایش ناشی از درگیری میان اوکراین و روسیه وجود دارد و این یک مساله بزرگ است. از زمان آغاز عملیات نظامی روسیه برای محافظت از مردم دونباس در برابر تجاوزات اوکراین، انگلیس و سایر کشورهای غربی ارسال تسلیحات نظامی خود به کی‌یف را افزایش داده‌اند. مقامات مسکو بارها تاکید کرده‌اند که تسلیح نئونازی‌ها تنها درگیری فعلی را طولانی‌تر می‌کند اما بر نتیجه آن تاثیری نمی‌گذارد.

## تقریبا تمام ارامنه قره‌باغ را ترک کردند

دولت ایروان اعلام کرد که تقریبا تمام ارمنی‌ها قره باغ را ترک کرده و این منطقه خالی از ارامنه شده است. به گزارش ایرنا از خبرگزاری آسوشیتدپرس، نازلی باغداساریان سخنگوی نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان دیروز شنبه اعلام کرد که ۱۰۰ هزار و ۴۱۷ نفر از منطقه قره باغ وارد ارمنستان شدند. جمعیت ارمنی‌های ساکن قره‌باغ پیش از تسلط یافتن جمهوری آذربایجان در این منطقه، چیزی حدود ۱۲۰ هزار نفر بوده‌اند. دولت خودخوانده ارمنی در منطقه قره‌باغ پس از سه دهه حضور روز پنجشنبه اعلام کرد که تا پایان سال جاری میلادی منحل خواهد شد. پاشینیان گفته است که مهاجرت قومی ارامنه به منزله «اقدام مستقیم پاکسازی قومی و محروم کردن مردم از سرزمین مادری» آنهاست. وزارت خارجه جمهوری آذربایجان این مساله را به‌شدت رد و اعلام کرد که مهاجرت دسته‌جمعی ساکنان منطقه «تصمیم شخصی و فردی آنها بوده و ربطی به جابه‌جایی اجباری ندارد.»

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۰۸
یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
اول اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۷۰
| Sun | 1 Oct 2023 | vol.15 |
No. 3970 | 16 Pages

«فرهیختگان» بررسی می‌کند: درویش برای چه کسی حکم مشاوره داده است؟

# توانبخشی با مدیرعامل کارخانه‌ها

محمد ربیعی: اگر تعطیلی است باید برای همه باشد

## با قوانین جدید نقل و انتقالات به تیم‌ها ضربه زدند

به‌جامانده از آشتی کنان خطیر و نکونام

## استقلالی‌ها از مدیریت احترام می‌خواهند

امیری و ترابی آماده بازی مقابل الدحیل

## امیدهای قرمزها فعلا برنمی‌گردند

کمیته استیناف رای کمیته انضباطی درباره کسر امتیاز سپاهان را تغییر می‌دهد؟

# لابی سنگین برای بازگشت ۴ امتیاز

حمید بابازاده: شرایط خوب حسینی خیلی بیشتر از روزهای بدش بوده است

## استقلالی شدن بیرانوند سیاسی بازی بود

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

حمید بابازاده در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: شرایط خوب حسینی خیلی بیشتر از روزهای بدش بوده است

# استقلالی شدن بیرانوند سیاسی بازی بود

■ برای حمایت از کادرفنی در تمرین حاضر شدیم، نه تهدید

■ شرایط استقلال از بیرون بد است؛ در داخل باید همدل و متحد باشیم

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

**خبری که همه استقلالی‌ها به دنبال آن بودند سرانجام محقق شد و مدیرعامل و سرمربی آبی‌ها با هم آشتی کردند. جالب اینکه جرقه این ماجرا از دورهمی پیشکسوتان این باشگاه که به خاطر بازگشت حمید بابازاده به ایران بعد از مدت‌ها بود، زده شده و در ادامه نیز با حضور عده‌ای از قدیمی‌های استقلالی از جمله بابازاده در تمرینات استقلال در راستای همدلی و اتحاد آبی‌ها این امر محقق شد. درخصوص اتفاقات اخیر و بازگشت بابازاده به ایران در حالی در «فرهیختگان» به گفت‌وگو نشستیم که وی در حال تدارک سفر برای بازگشت بود.**

**قبل از اینکه سوال‌های اصلی را آغاز کنیم ابتدا در این خصوص صحبت کنید که در آمریکا مشغول به چه کاری هستید. هنوز هم با فوتبال مشغولید؟**
خیر کار فنی نمی‌کنم و قصدی هم برای بازگشت به فوتبال ندارم.

**دل‌تان برای بازگشت به عرصه فنی در فوتبال به‌عنوان مربی تنگ نشده است؟**
به هر حال دوران خیلی خوبی را در استقلال سپری کردم. چه در زمان بازی و چه در دوران مربیگری اما اینها همه برای گذشته هستند و من این روزها فقط با عشق به هواداری استقلال ارتباطم با فوتبال را حفظ کرده‌ام و بیشتر از این دیگر خیر؛ به دنبال بازگشت به عرصه فنی نیستم. البته بعد از اینکه از ایران رفتم از همین لیگ برتر چند پیشنهاد کاری خوب برای بازگشت داشتم اما دیگر هیچ وقت به‌طور جدی به این مساله فکر نکردم. در آمریکا هم هر زمانی که فرصت باشد برای بچه‌های زیر ۱۵ سال کلاس‌های دروازه‌بانی را برگزار می‌کنم. این هم یک عشقی است که به این پست و رشته و آموزش دروازه‌بانی دارم.

**بعد از سال‌ها به ایران بازگشتید و مورد استقبال هم دوره‌ای‌ها و پیشکسوتان استقلال هم قرار گرفتید.**
من برای دیدار با پدرم به ایران آمدم اما در این بین دیدار خوبی با پیشکسوتان استقلال داشتیم. البته آقای اولیایی لطف کردند و یک دورهمی را ترتیب دادند تا بتوانیم بعد از سال‌ها با همبازیان قدیم تجدید دیدار داشته باشیم. علاوه‌بر همبازیانم یک‌سری از پیشکسوتان قدیمی‌تر مانند آقای عبداللهی، فریبا، حاجیلو، یکه و... در این دورهمی که به میزبانی رستوران علیرضا منصوریان برگزار شد، حضور داشتند. از این بابت از همه دوستان تشکر می‌کنم. در مجموع در کنار همبازیان و دوستان قدیمی، دورهمی بسیار جذاب و دلنشینی را سپری کردیم.

**جمعه ظهر در تمرین استقلال حاضر شدید و به نظر می‌رسد پاقدم‌تان هم برای این تیم خوب بود چون بلافاصله سرمربی و مدیرعامل آبی‌ها در جلسه‌ای در کمپ تیم‌های ملی کشتی با هم آشتی کردند. در تمرین روز جمعه چه گذشت؟**
به هر حال سالگرد تاسیس باشگاه استقلال بود و من به همراه دیگر پیشکسوتان این باشگاه وظیفه می‌دیدیم برای حمایت از تیم و کادرفنی در کنار بچه‌ها باشیم و به همین منظور نیز در تمرین حاضر شدیم. خیلی فضای خوبی بود و آقایان عبداللهی، بیانی و روشن صحبت‌هایی را مطرح کردند. در هر صورت خیلی خوشحالم که فضایی به وجود آمد که اختلافات گذشته از بین برود. اگر مجموعه‌ای بخواهد موفق شود اصل اول همدلی است و با توجه به شرایط خیلی بدی که از بیرون برای تیم استقلال همیشه وجود داشته و دارد امیدوارم از داخل باشگاه نهایتا همه چیز خوب باشد و همه با هم یکدست و یکدل باشند.

**شنیده می‌شود برخی پیشکسوتان از سر تهدید با طرفین دعوا در استقلال صحبت کرده‌اند که اگر این اختلافات را کنار نگذارید دیگر از حمایت خبری نخواهد بود.**
خیر این‌طور نیست. بیشتر بحث‌ها حمایتی و از سر دلسوزی و همدلی برای سربلندی اسم استقلال بود.

**یعنی تهدیدی در کار نبود؟**
خیر، به هیچ عنوان چنین مسائلی در تمرین جمعه مطرح نشده و اصلا کسی با این ادبیات و این نحوه، حرفی نزد.

**شما هم با آقای نکونام صحبت کردید؟**
به هر حال صحبت‌هایی را با هم داشتیم و خاطرات قهرمانی که در استقلال در فصل دوازدهم با هم به دست آوردیم را با یکدیگر مرور کردیم.

**درنهایت هم گویا خطیر و نکونام نزد علی دبیر با هم آشتی کرده‌اند. به نظر می‌رسد این بهترین اتفاق باشد البته اگر این آشتی واقعی باشد.**
بله درست است. فکر می‌کنم حمایت از تیم و کادرفنی وظیفه همه ارکان باشگاه است. از مدیریت گرفته تا پیشکسوتان و هواداران و همه باید با هم از کادرفنی حمایت کنیم و امیدوارم مدیریت باشگاه هم همسو تیم و کادرفنی حرکت کند.

**از برخی پیشکسوتان استقلال انتقاد شد که چرا این آشتی باید به دعوت یک غیرفوتبالی محقق می‌شد و چرا بزرگان استقلالی در این خصوص زودتر پا پیش نگذاشتند؟**
در این خصوص گفتنی‌ها گفته شده و من نمی‌توانم در این خصوص بیشتر صحبت کنم.

**در حال حاضر بهترین و فنی‌ترین گلر ایران کیست؟**
به نظر من دروازه‌بان‌هایی که الان در تیم ملی حضور دارند بهترین‌های ایران هستند. من معمولا از کسی اسمی نمی‌برم اما با این حال فکر می‌کنم در حال حاضر دروازه‌بان‌هایی مانند سیدحسین حسینی، علیرضا بیرانوند و پیام نیازمند بهترین‌های حال حاضر ایران باشند.

**درباره سیدحسین حسینی چه صحبتی دارید؟ او سال گذشته فصل خوبی را سپری نکرد اما به نظر می‌رسد در فصل جدید دوباره با انگیزه و اعتمادبه‌نفس بالایی دارد کار را دنبال می‌کند. به‌عنوان یکی از پیشکسوتان گلری استقلال با دروازه‌بان فعلی این تیم چه صحبتی دارید؟**
به هر حال سیدحسین دروازه‌بان باتجربه‌ای هست و از لحاظ فنی نیز در شرایط خیلی خوبی قرار دارد. از آنجایی که دروازه‌بانی پستی حساس است این اتفاقات برای هر دروازه‌بانی می‌افتد اما خوشبختانه در این سال‌ها شرایط خوب سیدحسین خیلی بیشتر از روزهای بدش بوده است. الان هم او به حق کاپیتان استقلال است؛ هرچند این چیزی نیست که من بخواهم آن را تایید کنم و یک امر مشخص است.

**بیرانوند پیش از حضور در پرسپولیس در فضای مجازی خودش را به‌عنوان هوادار استقلال معرفی می‌کرد. آیا این دروازه‌بان در سال‌هایی که شما در استقلال بودید هم تمایل خود برای آبی‌پوش شدن را نشان داده بود؟**
من در این خصوص اطلاعی ندارم و چیزی یادم نمی‌آید. شاید هم چیزی که از آن صحبت می‌کنید بوده و من یادم رفته است.

**حتما می‌دانید که این دروازه‌بان با یک رقم نجومی در آستانه استقلالی شدن قرار داشت. درنهایت هم این امر اتفاق نیفتاد و بیرانوند در پرسپولیس ماندگار شد. اگر او استقلالی می‌شد چه کسی نفعش را می‌برد.**
این یک بازی و حربه سیاسی و رسانه‌ای بود. در واقع این صحبت‌ها و اقدامات همه یک ترفند و سیاسی بازی بود و اصلا چنین چیزی هیچ وقت امکان‌پذیر نبود.

**به‌عنوان آخرین سوال درباره یک بحث بین‌المللی صحبت کنیم. چرا از ظهور و بروز ستاره‌های بزرگ در پست دروازه‌بانی در فوتبال دنیا به آن صورت دیگر خبری نیست و انگار اکثر دروازه‌بان‌ها همه به یک سطحی رسیده‌اند.**
بله همین‌طور است و سطح دروازه‌بان‌ها مقداری یکسان شده است. در هر صورت شاید یک مقدار شرایط فوتبال در دنیا تغییر کرده یا پای دلایل دیگری در میان باشد. اما به هر حال شاید چند سال یک بار یک پدیده رو بیاید و خودش را تا حد یک ستاره معرفی کند. در تنیس هم همین ماجرا بود و در ۲۰ سال فقط سه نفر بر تنیس دنیا حکمفرمانی می‌کردند و بعد از آن هم وقتی آن سه نفر رفتند دیدید که یک بچه ۲۰ ساله اسپانیایی آمد و خودش را به‌عنوان یک پدیده معرفی کرده است. در این ۲۰ سال خبری از پدیده‌ها نبود. یا در این ۲۰ سال اخیر کسی مثل رونالدو یا مسی به فوتبال نیامده است. به همین دلیل هم گلرهایی مثل بوفون، اشمایکل و داسایف وقتی ظهور می‌کنند نام آنها بیشتر از سایرین بر سر زبان‌ها افتاده و تا حد یک ستاره خود را مطرح می‌کنند. بالاخره باز هم یکی در آینده در عرصه دروازه‌بانی دنیا ستاره خواهد شد. حالا ان‌شاءالله یکی از ایران بیاید و یک گلر ایران ستاره دروازه‌بانی دنیا بشود.

چالش مربی و مدیرعامل شمس‌آذر ختم به خیر شد

# دقیقی: اختلاف داریم ولی نه تا حدی که زد و خورد کنیم
# زندی: دعوای فیزیکی نه، درگیری لفظی بود

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

سعید دقیقی، سرمربی و شهاب زندی، مدیرعامل تیم شمس‌آذر قزوین از ابتدای فصل جدید و با ورود به لیگ برتر همواره با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بودند. اختلاف نظر این دو تا جایی پیش رفت که زندی به‌عنوان مدیرعامل باب مذاکره با دیگر گزینه‌های سرمربیگری را باز کرد و در حالی که هنوز برای ادامه همکاری با سعید دقیقی به نتیجه نرسیده بود با دیگر گزینه‌ها پای میز مذاکره نشست. همان روزها بود که دقیقی با توجه به اینکه تیم شمس‌آذر را از لیگ یک به لیگ برتر آورده و امتیاز خوبی کسب کرده بود توقع داشت با مبلغی بهتر با این تیم قراردادش را تمدید کند و البته شروط مورد نظر او نیز پذیرفته شود. چند جلسه میان این دو نفر بدون نتیجه البته با کدورت‌هایی نیمه‌تمام رها شد اما درنهایت دو طرف به توافق رسیدند تا یک فصل دیگر آن هم در لیگ برتر با هم همکاری کنند.

## زندی: اختلاف درون‌خانوادگی بود

در مدتی که پنج هفته از رقابت‌های لیگ برتر سپری شده شمس‌آذر با وجود یک برد و یک تساوی و دو شکست و در حالی که یک بازی کمتر انجام داده، همچنان یک امتیازی است. دیگر همه می‌دانند که این تیم به دلیل استفاده از بازیکن غیرمجاز با سه امتیاز منفی وارد مسابقات لیگ برتر شده اما همین کسر سه امتیاز فشار زیادی به مربی و مدیرعامل این باشگاه وارد کرد. در همین چهار هفته نیز رفتارهای دقیقی در کنار زمین چیزی متفاوت از حالت طبیعی است. منطقی است که او می‌خواهد با کسب امتیاز سه امتیاز منفی تحمیلی را جبران کند. تا اینجا شاید همه چیز طبیعی و طبق قوانین به نظر برسد اما مشکل اصلی آنجایی است که خبر می‌رسد سرمربی و مدیرعامل باشگاه شمس‌آذر قزوین در جریان یک بازی دوستانه با هم درگیر شدند. آن‌طور که شاهدان عینی از آن به ما خبر دادند، اختلاف بین شهاب زندی و سعید دقیقی از یک بگو مگوی ساده شروع و به فحاشی و درنهایت زد و خورد ختم شد. شنیده‌ها حاکی از آن است که دقیقی با یک حرکت زیدانی با سر به سینه زندی کوبیده و به نوعی اعتراض خود را به مدیرعامل باشگاه نشان داده است.

برای اینکه از واقعیت ماجرا باخبر شویم با هر دوی آنها گفت‌وگو کردیم که هر دو نفر ضمن تایید اختلاف نظر، هرگونه درگیری فیزیکی را تکذیب کردند. شهاب زندی در این مورد به «فرهیختگان» گفت: «دعوای فیزیکی بین ما صورت نگرفت بلکه یک درگیری لفظی بود. من نمی‌خواهم بیش از این به این موضوع بپردازم چراکه یک اختلاف درون خانوادگی بود و نیازی نمی‌بینم بخواهم در موردش برای دیگران توضیح دهم. دوست ندارم وارد جزئیات شوم و بگویم چه اتفاقی بین ما افتاد؛ من چه کردم و او چه کرد. به نظرم این موضوع تمام شده است و موارد زیادی برای رسیدگی به آنها دارم.»

## دقیقی: چالش در تیم ما وجود دارد

از صحبت‌های زندی کاملا مشخص است که این اختلاف وجود دارد و دو طرف بر سر مسائلی با هم به نقطه مشترک نرسیده‌اند. طبیعی است که در نتیجه همین مشکلات در جریان یک بازی دوستانه درگیری به وجود آید. هرچند شاهدان عینی ادعا می‌کنند که این درگیری بسیار کوتاه بود و به کمک اطرافیان به سرعت ختم به خیر شد اما در هر تیمی وقتی کار به چنین جایی کشیده شود، یعنی مشکلات عمیق و عدیده‌ای وجود دارد. به همین دلیل با سعید دقیقی، سرمربی تیم شمس‌آذر نیز گفت‌وگو کردیم. سرمربی شمس‌آذر حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. هرچند او هم هرگونه درگیری فیزیکی را تکذیب کرد اما به وجود مشکلات و در نتیجه چالش با مدیرعامل این باشگاه اذعان داشت. وی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تاکید کرد: «چیز خاصی بین ما صورت نگرفت و حرف‌هایی که زده می‌شود نادرست است. به هر حال ما از ابتدای فصل چالش‌های زیادی داشتیم. شرایط تیم ما به اشکال مختلف بحرانی بود. همین حالا هم به شدت تحت فشار هستیم. دو بازیکن ما همراه تیم ملی امید هستند و غیبت‌شان واقعا برای ما دردسرساز شده است. از این شرایط ناراحت هستم. به نظر می‌رسد فقط زورشان به ما رسیده و دو بازیکن اصلی و تاثیرگذار من را مدتی است که از تیم دور کرده‌اند. به هر حال مشکلات زیادی وجود داشته است. واقعیت این است که من معتقدم از فصل گذشته ارتباط خوبی را با شهاب زندی آغاز کرده‌ام و این ارتباط همچنان ادامه دارد. فقط می‌توانم بگویم که چالش کوچک بوده و زندی عزیز من است. قطعا مشکلاتی داریم و من اصلا تکذیب نمی‌کنم اما نه تا این حد که کار به چنین حواشی‌ای بکشد.»

وی که اصرار داشت بگوید مشکلات از درون باشگاه نیست ادامه داد: «در این مدت یک سال با هم همکاری خوبی داشتیم و بالاخره در یک کار حرفه‌ای و جمعی که بسیار سخت هست بحران هم به وجود می‌آید ولی اصلا موضوع به این شکل که انعکاس دادند، نبود. زندی همیشه برای من قابل احترام است و جدای از اینکه همکارم است دوست من نیز هست. در هر خانواده‌ای ممکن است چالش به وجود بیاید اما این چالش اصلا ابعادی را که منعکس می‌کنند نداشت. ما با تمام قدرت کارمان را می‌کنیم و همان‌طور که فصل قبل شرایط خوبی را رقم زدیم امسال هم شرایط خوبی را فراهم خواهیم کرد. بین ما اختلاف نظر هست اما نه تا این حد که کار به زد و خورد بکشد و به هیچ وجه صحت ندارد. به نظر من از ابتدای فصل برای ما مشکل ایجاد کردند و این هم یک نوع دیگر از فعالیتی است که تیم ما را به هم بریزند.»

سرمربی تیم شمس‌آذر که به نظر می‌رسد به دلیل نداشتن دو بازیکن اصلی تیمش که در اردوی تیم امید حضور دارند تحت فشار قرار گرفته ادامه داد: «برای من سوال است که چرا الان دو بازیکن مهم و تاثیرگذار من باید همراه تیم ملی باشند اما یک بازیکن که در نتایج تیم امید بسیار نقش داشت مثل حسین نژاد می‌تواند به اردوی تیمش ملحق شود. از طرفی بودند، تیم‌هایی که می‌توانستند بهترین بازیکنان را در اختیار تیم امید بگذارند اما در عوض دو بازیکن از ما گرفتند و بازی‌های ما به این شکل عقب افتاد. باشگاهی مثل شمس‌آذر چقدر توان و انرژی دادند که هم دو بازیکن به تیم ملی بدهد، هم مصدوم داشته باشد، هم شرایط زیرساختی آن به حد اعتدال نرسیده باشد و هم سه امتیاز از آن کسر کنند و این همه مدت بازیکن را دور از اردوی مانگه دارند آن هم در اولین حضورمان در لیگ برتر. با این همه مجموعه شمس‌آذر آنقدر شایسته هست که با همین شرایط بحرانی اگر جدول به شکل ایده‌آل بود، در جایگاه یازدهم جدول قرار می‌گرفت. ما جنگیدن در زمین را خوب بلدیم و ثابت می‌کنیم همه چیز پول و استفاده از منابع دولتی نیست و یک باشگاه خصوصی نیز با یک برنامه‌ریزی خوب می‌تواند بهترین اتفاقات را رقم بزند.»

به‌جامانده از آشتی‌کنان خطیر و نکونام

# استقلالی‌ها از مدیریت احترام می‌خواهند

غائله دعوای خطیر و نکونام سرانجام ختم به خیر شد و این دو در کمپ تیم‌های ملی کشتی و در حضور گوش‌شکسته‌ها دست دوستی و مودت داده و پیمان اتحاد بستند. چنین اتفاقی در بدو کار خطیر و نکونام یکی دو باری محقق شده بود اما در ادامه به‌واسطه برخی ماجراها، اختلافات بین مدیرعامل و کادرفنی در تار و پود و پیکره استقلال ریشه دوانده و باعث شد تا یک دوقطبی عجیب‌وغریب و ناامیدکننده به وجود بیاید. در این مدت جنگ فرسایشی ایجاد شده باعث شد تا حدودی استقلال از تقویت هرچه بهتر برای آماده‌سازی به‌منظور حضور هرچه قدرتمندتر در لیگ برتر باز مانده و تمامی اتفاقات اخیر درنهایت عاملی شد تا باشگاه به‌موقع نتواند مجموعه اقداماتی که باید برای پیشبرد اهداف کادرفنی در زمان مقرر محقق شود را پی گرفته و رنگ واقعیت به آنها ببخشد. با همه این تفاسیر هرچقدر دیر اما این موضوع سرانجام تحقق پیدا کرده و حالا می‌طلبد تا هرچه سریع‌تر برخی اقدامات مهم و راهگشا توسط تیم مدیریتی باشگاه برای تقویت تیم در مدت زمان باقی‌مانده تعطیلات لیگ برتر عملیاتی شود. از جمله تامین منابع مالی هرچه بیشتر برای تسویه حساب قراردادهای فصل گذشته با بازیکنان، باز شدن پنجره و ثبت رسمی قرارداد بلانکو، مهیا کردن زمینه‌های بازگشت یوسوسسما، مربی بدنساز استقلال و سایر اقداماتی که می‌تواند این تیم را تا حد یک مدعی قهرمانی در ادامه رقابت‌های لیگ برتر معرفی کند. در واقع با آشتی اخیر این فرصت برای طرفین ماجرا ایجاد شده تا با صبوری و آرامش این فرصت به‌دست‌آمده را غنیمت شمرده و در ابتدا برای بهبود این رابطه و سپس تزریق آرامش و اعتمادبه‌نفس به اعضای تیم برای تبدیل شدن استقلال به یک مدعی قهرمانی گام برداشته تا مشکلات ماه‌های اخیر به بوته فراموشی سپرده شود. هرچند شاید با کوچک‌ترین جرقه‌ای دوباره به اختلافات گذشته دامن زده شده و دوباره مسائل قبلی به جریان بیفتد که براساس این هشدار، می‌طلبد تا نکونام و خطیر و صد البته اطرافیان آنها این بار با تدبیر و تفکر، ارتباط جدید دوستانه خود را مدیریت کرده و دست از جنگ و جدال با هم بردارند.

## خطیر به خواسته‌اش رسید!

نکته مهم دیگر اینکه با توجه به حضور فقط دو خارجی در استقلال و جدایی ستاره‌های این تیم در فصل گذشته، حالا استقلال با هزینه‌های کمتر و آن‌طور که خطیر در فاز عملیاتی کردن آن بوده و از آن سخن گفته بود، بسته شده و به نظر می‌رسد قانون سقف بودجه نیز توفیق اجباری شده تا هزینه‌های استقلال امسال به هر ترتیبی کنترل شود و چه بسا حالا با یک درآمدزایی در حد معقول مدیریت بتواند از پس درآمدهای امسال بربیاید. در این صورت دیگر مشکلی هم برای پرداختی به‌موقع به بازیکنان وجود ندارد. از اطراف تیم خبر می‌رسد بیشتر از مسائل مالی استقلالی‌ها بیشتر از طرف مدیریت توقع احترام دارند و چه بسا خطیر نیز با احترام هرچه بیشتر به کادرفنی و بازیکنان تیمش می‌تواند در برهه زمانی فعلی به‌موقع اجرانشدن تعهدات باشگاه را جبران کرده و با این امر برخی اهداف دیگر را نیز در آرامش پیش ببرد.

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### محمد ربیعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: اگر تعطیلی است باید برای همه تیم‌ها باشد

# با قوانین جدید نقل‌وانتقالات به تیم‌ها ضربه زدند

## پیشرفت عربستان زنگ خطر جدی برای فوتبال ماست

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

**لیگ برتر فوتبال ایران شاید تنها لیگ آسیایی باشد که به خاطر رقابت‌های آسیایی هانگژو و همچنین لیگ قهرمانان آسیا با وقفه و لغو چند بازی در دو هفته جاری مواجه شده است. در همین راستا نیز انتقادات زیادی به سازمان لیگ و حتی فدراسیون فوتبال وارد است که چنین شرایطی را به وجود آورده و صدای خیلی از باشگاه‌ها را نیز درآورده‌اند. نکته جالب اینجاست که رضا عنایتی به عنوان سرمربی تیم امید گلایه‌مند است که چرا پرسپولیس حاضر نشده بدون ملی‌پوشان امیدش به مصاف الدحیل برود و در این زمینه نیز کمیته ملی المپیک هم از عنایتی حمایت کرده و از فدراسیون خرده گرفته است. به نظر می‌آید نتایج تیم امید در بازی‌های آسیایی آنقدر برای برخی مهم شده که حاضرند کل فوتبال ایران را برای مقطعی تعطیل کنند تا بتوانیم از سد تیم‌هایی که با بازیکنان جوان و زیر ۲۲ سال خود در مسابقات شرکت کرده‌اند، عبور کنیم.**

**سازمان لیگ هنوز تکلیف هفته هفتم لیگ برتر را مشخص نکرده و این مساله اعتراض تعدادی از مربیان این تیم‌ها را در پی داشته است. محمد ربیعی، سرمربی تیم فوتبال ذوب‌آهن در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در مورد برنامه‌ریزی لیگ و مسائل پیرامون آن پاسخگوی سوالات ما شد.**

**از قرار معلوم سازمان لیگ منتظر است ببیند واکنش مربیان لیگ برتری چیست تا براساس آن در مورد بازی‌های هفته هفتم لیگ برتر تصمیم‌گیری کند!**

نگاه من به مساله پیش‌آمده کلی است. از دو زاویه به ماجرا نگاه می‌کنم. اول کمیتی و دوم کیفیتی. در نگاه کمیتی عنوان می‌شود؛ تیم‌هایی که سه نماینده در تیم امید دارند بازی‌هایشان لغو می‌شود. اما از نگاه کیفیتی ممکن است حتی یک بازیکن برای یک تیم مهره‌ای بسیار تاثیرگذار و حیاتی باشد و نبود آن بازیکن به تیم ضربه زیادی خواهد زد. اما از نظر من مربی، مسابقات لیگ اصلا نباید به شکلی برگزار شود که مثلا در هفته یک تیم ۴ بازی کرده باشد و یک تیم دیگر ۵ بازی. این موضوع تا پایان مسابقات لیگ برتر مشکل‌ساز خواهد شد.

**با این نظر شما باید بازی‌های لیگ را یا کلا به تعویق بیندازند یا اینکه همه تیم‌ها موظف به برگزاری بازی‌های خود باشند؟**

به عقیده من یا باید بازی‌ها را به‌طور کل به خاطر تیم امید و نمایندگان‌مان در لیگ قهرمانان لغو کنند یا اینکه شرایطی ایجاد کنند که همه تیم‌ها موظف باشند بازی‌های خود را انجام دهند. به هر صورت ما در شرایطی به سر می‌بریم که در تابستان سهمیه بزرگسالان را به ۱۹ بازیکن رساندند. سه سهمیه زیر ۲۵ سال را حذف کردند و دو سهمیه هم از زیر ۲۳ سال کم شد. در کنار این مساله من به‌عنوان سرمربی یکی دو بازیکن مصدوم هم دارم، در چنین شرایطی به تیم امید هم بازیکن تاثیرگذارم را داده‌ام. طبیعی است که شرایط‌مان برای بازی سخت باشد و به این خاطر خواهان اجرای عدالت هستیم.

**سرمربی تیم امید اعتقاد دارد که موفقیت در بازی‌های آسیایی حائز اهمیت است و باشگاه‌ها باید با آنها همکاری کنند.**

من به سرمربی تیم امید حق می‌دهم که نگران تیمش باشد و این حق را هم به سرمربی تیمی که در لیگ قهرمانان شرکت دارد می‌دهم که تمامی بازیکنانش را بخواهد در اختیار داشته باشد و همچنین برای سرمربی تیم لیگ برتری هم این حق را قائل هستم که بخواهد از همه پتانسیل تیمش در بازی‌های خود استفاده کند. به هر حال برای این روزها باید از قبل برنامه‌ریزی خوبی می‌شد تا این شرایط به‌وجود نیاید.

**پس مشکل، برنامه‌ریزی مسابقات لیگ برتر است.**

من با سهیل مهدی صحبت کرده‌ام و تقویم مسابقات را به من نشان داد و آنجا بود که فهمیدم برنامه‌ریزی مسابقات چقدر سخت است. ما در این فصل بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا، بازی‌های آسیایی هانگژو و لیگ قهرمانان را در کنار فیفادی‌ها در تقویم خود داشتیم که کار را برای سازمان لیگ بسیار سخت کرد.

**راهکار چیست؟**

ای‌کاش آنهایی که قوانین جدید را برای نقل‌وانتقالات لحاظ کردند سهمیه بزرگسالان تیم‌ها را کم نمی‌کردند. شما نگاه کنید که ما ۷ بازیکن لیگ برتری را به اضافه سهمیه آزاد فیفا می‌توانستیم جذب کنیم. در کنار این قضیه ۸۰ درصد بازیکنان ذوب‌آهن تحت قرارداد باشگاه بودند و برای اینکه بخواهیم بازیکنی را کنار بگذاریم باید اول از همه منافع مالی باشگاه را در نظر می‌گرفتیم و با بازیکن توافق می‌کردیم. در هر صورت قوانین دست و پای ما را بسته بود و ای‌کاش اجازه می‌دادند که نفرات بزرگسال بیشتری را در لیست داشته باشیم تا در مواقع اینچنینی به مشکل نخوریم. بازیکن من در بازی با استقلال خوزستان رباط صلیبی‌اش پاره شده است اما سازمان لیگ اجازه نمی‌دهد جای او بازیکن بگیریم و می‌گویند فقط در پست دروازه می‌شود به جای بازیکن مصدوم طولانی‌مدت بازیکن جایگزین گرفت. آن وقت بازیکن مهم و تاثیرگذار من الان یک ماه است که در اردوی تیم امید به سر می‌برد و ما مجبوریم بدون او بازی‌های خود را برگزار کنیم. اینجاست که می‌گویم عدالت باید برقرار شود.

**کمیته ملی المپیک به‌دنبال طلای بازی‌های آسیایی همراه با تیم امید است، به هر صورت این مساله هم در جای خودش مهم است.**

قطعا بازی‌های ملی بر همه چیز ارجحیت دارد و ما هم آرزو می‌کنیم که تیم امید موفق به کسب عنوان قهرمانی شود اما حرف‌مان است که نباید بین تیمی که دو بازیکن به تیم امید می‌دهد با تیمی که سه بازیکن می‌دهد تفاوتی قائل شد. هر مربی‌ای روی تمامی نفرات تیمش حساب کرده و در شرایطی که تیم ما دو بازیکن مصدوم دارد قاعدتا همه نفرات دیگر به کارمان می‌آیند. اصلا موافق این نیستم که فقط تیمی که سه نماینده در تیم امید دارد بازی‌هایش لغو شود و خواهان این هستیم که عدالت برقرار شود. عدالت هم زمانی برقرار می‌شود که یا همه بازی‌ها لغو شود یا اینکه طبق برنامه قبلی همه تیم‌ها به میدان بروند. به هر حال قوانینی که در تابستان لحاظ کردند خودش به اندازه کافی به تیم‌ها ضربه زد. شما الان ببینید که تیم‌های عربستانی با وجود اینکه در بازی‌های آسیایی هستند و در لیگ قهرمانان هم نماینده‌هایشان حضور دارند لیگ‌شان را خیلی منظم و بدون وقفه برگزار می‌کنند. شاهد هستیم که تیم‌های آنها سه روز یک بار به میدان می‌روند و در جدول مسابقات‌شان بازی‌ها یکسان است.

**از روند حرکتی تیم‌تان رضایت دارید؟**

به هر صورت ما یک تیمی را تحویل گرفتیم که برای تغییرات محدودیت‌های زیادی را داشتیم و بودجه‌مان هم مشخص بود. با این حال تلاش کردیم که کمبودها و ضعف‌ها را برطرف سازیم. از لحاظ زیرساخت‌ها تلاش کردیم که شرایط را بهبود ببخشیم اما در این زمینه شدیدا مشکلاتی وجود دارد که با مدیریت محترم باشگاه در تعامل خوبی برای حل مشکلات قرار داریم.

**در مورد لیگ قهرمانان آسیا صحبت کنید، تیم‌های عربستانی شرایط متفاوتی را رقم زده‌اند!**

عربستانی‌ها در یک فاصله کوتاه و تقریبا یک ساله با سرعت خیلی بالا توانستند خودشان را به سمت فوتبال حرفه‌ای بکشانند. چه از لحاظ امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و چه از لحاظ جذب ستاره‌های فوتبال دنیا. البته که از لحاظ زیرساخت از سال‌ها پیش برنامه‌ریزی کرده بودند. در هر صورت داریم می‌بینیم که آنها به سرعت در حال پیشرفت و حرفه‌ای شدن هستند و این زنگ خطری برای فوتبال ماست.

---

### «فرهیختگان» بررسی می‌کند: درویش برای چه کسی حکم مشاوره داده است؟

# توانبخشی با مدیرعامل کارخانه‌ها

رضا درویش، مدیرعامل باشگاه پرسپولیس، در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۱ عباس فصیح خوشگرد را به عنوان مشاور پزشکی و توانبخشی مدیرعامل منصوب کرده است و در حکم او ابراز امیدواری شده که او در راستای همکاری‌های سازنده با کلیه ارکان باشگاه موفق و موید باشد!

این نامه چند روزی می‌شود که سر از رسانه‌ها درآورده و همه به دنبال پیدا کردن یک توجیه مناسب برای دلیل این انتصاب هستند. پس برای رسیدن به جواب این سوال و ابهامات باید مشخص شود که عباس فصیح خوشگرد کیست و با چه سوابق و رزومه‌ای مشاور مدیرعامل باشگاه پرسپولیس شده است. پستی که برای این فرد در نظر گرفته شده بی‌ارتباط با تخصص پزشکی او نیست و فصیح خوشگرد متخصص ارتوپد و مفاصل است. همچنین خبرنگار «فرهیختگان» با مدیر روابط عمومی باشگاه پرسپولیس درباره ابهامات مربوط به این انتصاب تماس گرفت که پاسخ ارائه‌شده با تاکید روی این مساله که او حقوقی از پرسپولیس دریافت نمی‌کند به این شرح بود: «اولا در حکمی که صادر شده یک اشتباه رخ داده و باید عنوان ایشان مشاور مدیرعامل در امور پزشکی و توانبخشی نوشته می‌شده تا سوءتفاهم پیش نیاید. همچنین ایشان به عنوان مشاور باشگاه هیچ دستمزد و حقوقی دریافت نمی‌کنند.»

جدای از این توضیحات بررسی کارنامه کاری او در روزنامه رسمی کشور نشان می‌دهد که در سالیان گذشته شرکت‌های بزرگ و کوچک زیادی در اختیار او و اعضای خانواده‌اش بوده است؛ نام تعدادی از این شرکت‌ها به این شرح است: شکوه موتور زرین، خیریه درمانی پیوند با امام سجاد(ع)، صنایع کاغذ نرمه آذربایجان، تولیدی سپید دام دماوند، ماهین سمنان، صندوق پس‌انداز قرض‌الحسنه پیوند سجاد، نگین شرق، پارس کلارک سمنان، الیاف‌گستر سمنان، صنایع کاغذسازی پارسیان پاپیروس و یاوران تجارت ایرانیان.

او به دنبال فعالیت در این شرکت‌ها و اقدامات مداوم اقتصادی در حوزه‌های مختلف ریاست شرکت محصولات بهداشتی و دستمال کاغذی شکوه را هم برعهده داشته و رئیس اتحادیه صنایع سلولزی و بهداشتی ایران است. اینکه رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس چرا تصمیم گرفته به این فرد سمت مشاوری در باشگاه پرسپولیس بدهد و فعالیت‌های اقتصادی او در شرکت‌های مختلف که به آن اشاره شد ارتباطی با این پست در پرسپولیس خواهد داشت یا نه -با توجه به شهرتی که برای او به ارمغان می‌آورد- سوالی است که آقای مدیرعامل و خود این فرد باید به آن جواب بدهند. به هرحال خیلی سخت است که ماجرا فقط به صدور یک حکم مشاوره پزشکی و توانبخشی ختم شود و شفاف‌سازی از سوی هر دو طرف در این رابطه خالی از لطف نخواهد بود.

اگر درباره عباس فصیح خوشگرد و ماجراهای اقتصادی او بیشتر تحقیق کنیم، به لیستی از دریافتی‌های قابل توجه ارز دولتی او هم می‌رسیم. مشاور مدیرعامل پرسپولیس در راستای کارهای اقتصادی‌اش برای شرکت ماهین سمنان، ۲۹۸ هزار و ۷۵۷ یورو، ۳ میلیون و ۳۲۰ هزار و ۵۷۹ یوان، ۶۷ میلیون و ۸۳۰ هزار وون کره جنوبی و ۴ میلیون و ۸۱۸ هزار و ۹۶ ین ژاپن برمبنای ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی هم دریافت کرده است. مدیریت رضا درویش در باشگاه پرسپولیس ابهام و اتفاقات عجیب و غریب کم ندارد. حالا که شناخت بیشتری درباره عباس فصیح خوشگرد پیدا کرده‌ایم باید مشخص شود که در همین مدت او در حوزه مشاوره به مدیرعامل برای مسائل توانبخشی و پزشکی چه اقداماتی با تیم پزشکی باشگاه پرسپولیس انجام داده و اصلا چرا این فرد باید در باشگاه حکم بگیرد. پشت پرده این انتخاب چه ماجرایی بوده و علت آن چیست؟ اصلا در ازای دریافت این حکم مشاوری، او چه قدم‌هایی برای باشگاه پرسپولیس برداشته است که همکاری با یکی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های فوتبال و برندهای ایران در کارنامه‌اش ثبت شود.

آیا در ماجرای مصدومیت بیرانوند، امیری، ترابی و سایر بازیکنان پرسپولیس، عباس فصیح خوشگرد در توانبخشی دوباره به آنها کاری انجام داده است؟ اصلا باشگاه پرسپولیس به مشاوره چنین فردی نیاز مبرم و حیاتی داشته است؟ بهترین اتفاق این است که لیست تمام مشاوران درویش در ساختار مدیریتی باشگاه پرسپولیس رسانه‌ای و پشت پرده انتصاب‌ها روشن شود. چون وقتی خبری از پاسخگویی درست و حسابی و اصولی نباشد، فضای کنونی فوتبال ایران می‌طلبد که تا دل‌تان بخواهد ابهام درباره ماجراهای مربوط به این انتصاب‌ها ایجاد شود.

---

فوتبال ایران

**کمیته استیناف رای کمیته انضباطی درباره کسر امتیاز سپاهان را تغییر می‌دهد؟**

## لابی سنگین برای بازگشت ۴ امتیاز

جنجال حکم کمیته انضباطی برای جریمه ۴۰ میلیارد تومانی باشگاه سپاهان و کسر چهار امتیاز از این تیم به دلیل دور زدن قوانین نقل و انتقالاتی، هنوز تمام نشده و همه منتظر رای کمیته استیناف در رابطه با تجدید نظرخواهی سپاهان هستند. در این رابطه شایعات زیادی در رسانه‌ها منتشر شده و کارشناسان مختلفی در ارتباط با آن به اظهارنظر پرداخته‌اند و بسیاری از آنها بر این باور هستند با وجود قطعی بودن دور زدن قوانین از سوی باشگاه سپاهان، انشای رای و استدلال حقوقی کمیته انضباطی برای جریمه و کسر امتیاز سپاهان مبنای دقیق حقوقی نداشته و ایرادات زیادی به آن وارد است. با این حال برخی شایعات غیررسمی حکایت از این دارد که به‌زودی کمیته استیناف رای خود را درباره این پرونده صادر می‌کند و احتمال تغییر رای کمیته انضباطی وجود دارد. به همین دلیل باید منتظر ماند و دید جزئیات تصمیم اعضای کمیته استیناف برای این پرونده چه خواهد بود. اما همان‌طور که اشاره شد احتمال تغییر مفاد این رای طبق شنیده‌ها وجود دارد. گفته می‌شود سپاهانی‌ها فشار زیادی را برای تغییر این حکم به فدراسیون وارد کرده‌اند و در این شرایط باید دید درنهایت کمیته استیناف در رای خود چه تغییراتی را نسبت به آرای اولیه ایجاد خواهد کرد. تردیدی نیست که پس از وضع قوانین جدید برای نقل و انتقالات در راستای بهتر شدن شرایط مالی تیم‌ها و ایجاد نظم در بازار جابه‌جایی بازیکنان، اگر سختگیری لازم در این زمینه صورت نگیرد و باشگاه‌ها شاهد این باشند که چنین آرایی به‌راحتی شکسته شده و تغییر می‌کند دیگر الزامی به رعایت قانون نمی‌بینند و این می‌تواند برای فوتبال ما اتفاقی منفی باشد. البته تفاوتی نمی‌کند این احکام برای کدام تیم صادر شده است و باید با هر تخلفی در هر سطحی برخورد لازم صورت گیرد تا باشگاه‌ها در شرایط مساوی و برابر فصل را آغاز کنند. رای سپاهان اگرچه برای این تیم اصفهانی شوک بزرگی بود و باعث شد یکی از نمایندگان ما در لیگ قهرمانان آسیا با شرایط پیچیده‌ای روبه‌رو شود اما از طرف دیگر پیام مثبتی برای سایر باشگاه‌ها بود که فدراسیون قرار است با هر تخلفی از قوانین برخوردی قاطع داشته باشد و اگر کمیته استیناف به‌دنبال مماشات با باشگاهی باشد بی‌شک دودش به چشم فوتبال خواهد رفت.

**در صورت برتری تیم امید مقابل هنگ‌کنگ**

## دیدار بعدی استقلال به آبان موکول می‌شود!

تیم فوتبال استقلال که آخرین دیدار خود در رقابت‌های لیگ برتر را در تاریخ شش شهریورماه برگزار کرد با توجه به اتفاقات پیش‌رو شاید مجبور شود بازی بعدی خود را پنج آبان ماه برگزار کند که این موضوع بدان معناست که شاگردان نکونام بین دو بازی‌شان در لیگ برتر دو ماه تعطیلی دارند و بازی رسمی دیگری نخواهند کرد. در واقع تیم ملی امید ایران در حالی عصر امروز در هانگژو به مصاف هنگ‌کنگ می‌رود که در صورت برتری ایران مقابل رقیب شرق آسیایی، این تیم راهی دیدار نیمه نهایی شده و بدون درنظر گرفته شدن هر نتیجه‌ای که در دیدار نیمه نهایی به دست بیاید؛ شاگردان عنایتی برای کسب یکی از ۳ مدال خوشرنگ رقابت‌ها در دیدار فینال یا رده‌بندی تا ۱۵ مهر در بازی‌های آسیایی ماندگار خواهند شد. بنابراین از آنجایی که طبق تاکید سازمان لیگ رقابت‌های هفته هفتم از ۱۳ مهر به بعد در موعد مقرر برگزار می‌شود با توجه به حضور پرتعداد استقلالی‌ها در تیم ملی امید دیدار این تیم در هفته هفتم که قرار است پانزدهم مهرماه برگزار شود نیز به تعویق خواهد افتاد و طبق برنامه دیدار بعدی آبی‌ها از هفته هشتم در تاریخ پنج آبان در اراک برگزار خواهد شد. گفتنی است با توجه به حضور تیم ملی در تورنمنت اردن، فرصت دیگری تا قبل از پایان مهرماه برای برگزاری دیدارهای عقب‌افتاده تیم‌ها وجود نخواهد داشت.

**امیری و ترابی آماده بازی مقابل الدحیل**

## امیدهای قرمزها فعلا برنمی‌گردند

پرسپولیس اولین تمرین خود را در اردوی کوتاه‌مدتش در دوحه جمعه‌شب در زمین شماره دو ورزشگاه اختصاصی الدحیل انجام داد و مهم‌ترین اتفاق این تمرین بازگشت مهدی ترابی و وحید امیری به تمرینات گروهی بود. البته کادر پزشکی سرخپوشان به هر دو بازیکن توصیه کرد که فعلا از انجام تمرینات سنگین دوری کرده و احتیاط را در دستورکار خود قرار دهند تا آسیب دیدگی‌شان تشدید نشود. هر دو بازیکن اگر دردی تا روز بازی نداشته باشند مشکلی برای حضور در میدان نخواهند داشت. این در حالی است که محمد عمری هم بعد از ترک چین به اردوی پرسپولیس در دوحه اضافه شد و شب گذشته نیز در کنار سرخپوشان به تمرین پرداخت. شرایط جسمانی او نیز مناسب است و هیچ مشکلی برای بازی مقابل الدحیل ندارد. همچنین از آنجا که پرسپولیس دوشنبه‌شب به مصاف الدحیل خواهد رفت و تیم امید هم اگر در بازی امروز برابر هنگ‌کنگ پیروز شود، روز چهارشنبه در مرحله نیمه نهایی به مصاف ژاپن می‌رود، خیلی سخت است که ملی‌پوشان امید پرسپولیس بخواهند در این مرحله تیم امید را همراهی کنند. با توجه به این مساله فعلا رضا عنایتی درخواستی برای بازگشت ملی‌پوشان امید پرسپولیس به هانگژو نداشته است. در این مورد یحیی گل‌محمدی مخالفتی با بازگشت سه بازیکن امیدش به اردوی ملی‌پوشان امید ندارد از این جهت که درصورت صعود تیم امید به مرحله نیمه نهایی بازی پرسپولیس و گل‌گهر در هفته هفتم هم لغو خواهد شد، چون تیم گل‌گهر نیز سه نماینده در تیم امید دارد. شاید عنایتی منتظر است تا نتیجه بازی امروز تیمش با هنگ‌کنگ مشخص شود و بعد از آن در مورد ملی‌پوشان امید پرسپولیس تصمیم‌گیری کند.

### رضایت از میزبان و ریکاوری تیم

امکاناتی که باشگاه الدحیل در اختیار پرسپولیس گذاشته ایده‌آل است و سرخپوشان از شرایط محل اردوی خود و همچنین وضعیت آب و هوایی دوحه رضایت کامل دارند. با توجه به این مساله تمرینات شاگردان یحیی در دوحه با شادابی و طراوت خاصی برگزار می‌شود و آنها از هر نظر آماده دومین بازی خود در لیگ قهرمانان آسیا هستند.

### ملی‌پوشان امید پرسپولیس فعلا برنمی‌گردند

باشگاه پرسپولیس شرایطی را فراهم کرده که سرخپوشان یک روز بعد از بازی با الدحیل فرصت ریکاوری و استراحت داشته باشند. از همین رو زمان بازگشت کاروان پرسپولیس به تهران عصر روز سه‌شنبه عنوان شده است. ناگفته نماند تعدادی از اعضای هیات مدیره پرسپولیس و رضا درویش به همراه اصحاب رسانه قرار است امروز عصر راهی دوحه شوند.

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

### نویسندگان هالیوود اولین مانع را بر سر گسترش هوش مصنوعی قرار دادند

# هالیوود برای تکنولوژی گشت گذاشت

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

اولین کسانی که نسبت به دیسپوتیا یا همان آخرالزمان ویرانه‌ای که تکنولوژی ایجاد می‌کند از سال‌ها پیش هشدار می‌دادند نویسندگان هالیوودی بودند. تعداد فیلم‌ها و سریال‌هایی که با محتوای هشدارآمیز نسبت به تسلط ربات‌ها بر بشر و نابود شدن تمدن به دست تکنولوژی بشری در آمریکا تولید شده آنقدر زیاد است که شاید ذکر نام آنها هم از چند مجلد کتاب فراتر برود. همه اینها اما بیشتر تخیل به حساب می‌آمد تا اینکه جهان رفته‌رفته با پدیده هوش مصنوعی آشنا شد. حالا تصور می‌شود که اگرچه خطرات این پدیده ممکن است جدی باشد، راهی برای جلوگیری از آن وجود ندارد و این درحالی است که نویسندگان هالیوود چنین فکر نمی‌کنند. آنها برای جلوگیری از گسترش این فناوری و ایجاد مانعی بر سر راه ورود آن به حریم منافع‌شان متحد شدند و اعتصاب بزرگی به راه انداختند و حالا به نظر می‌رسد تا حدودی در رسیدن به خواسته‌هایشان موفق بوده‌اند.

حدود پنج ماه پیش بود که خبر اعتصاب صنفی نویسندگان سینمای آمریکا در اکثر رسانه‌های جهان بازتاب پیدا کرد. نویسندگان مطالباتی داشتند و تضامینی می‌خواستند که طرف حساب همه آنها انجمن تهیه‌کنندگان سینمای آمریکا بود و بالاخره در ۲ مه ۲۰۲۳، برابر با ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، ساعت ۱۲:۰۱ بامداد به وقت محلی ایالات‌متحده، انجمن نویسندگان آمریکا (WGA) به نمایندگی از ۱۱۵۰۰ فیلمنامه‌نویس دست به اعتصاب زد.

عمده‌ترین مواردی که به‌عنوان مطالبات نویسندگان مطرح می‌شد در دو سرفصل، قابل دسته‌بندی بود. مورد اول به حقوق موسوم به باقی‌مانده‌ها برمی‌گشت که باید در رسانه‌های استریم یا به قول کاربران ایرانی (پلتفرم‌ها) مورد توجه قرار می‌گرفت. باقی‌مانده‌ها Residual غرامت‌هایی هستند که به بازیگران، کارگردانان سینما یا تلویزیون و سایر افرادی که در ساخت برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی دخیل هستند، درصورت انتشار نسخه‌های دیگری از یک اثر پرداخت می‌شود. مثلا در مواردی که یک اثر از شبکه‌ای مجددا پخش می‌شود یا درصورت انتشار دی‌وی‌دی پخش از تلویزیون کابلی یا تقلید و بازتولید یک خلاقیت هنری یک کاراکتر به‌خصوص یا چیزی شبیه به آن در هوش مصنوعی باید حقوق مولفان اولیه مجددا پرداخت شود. مورد دوم که چالش عمیق‌تری بود و دامنه بحث درخصوص آن به خارج از حوزه سینما و تلویزیون هم می‌رسد هوش مصنوعی بود.

در حقیقت سرفصل اول هم به‌نوعی با هوش مصنوعی ارتباط داشت اما عنوان آن عام‌تر بود، درصورتی‌که سرفصل دوم منحصرا خواستار محدود شدن این تکنولوژی می‌شد. نویسندگان می‌خواستند از انواع تکنولوژی‌های هوش مصنوعی مانند ChatGPT فقط به‌عنوان ابزاری استفاده شود که می‌تواند به تحقیق یا تسهیل ایده‌های فیلمنامه کمک کند و نه به‌عنوان ابزاری برای جایگزینی آنها. همان روزی که انجمن نویسندگان اعلام اعتصاب کرد انجمن انیمیشن بیانیه‌ای در حمایت از انجمن نویسندگان و اعتصاب آنها صادر کرد و مدتی بعد این اعتصاب در کنفرانس‌های مطبوعاتی جشنواره فیلم کن مورد بحث قرار گرفت و شان پن، اتان هاوک، پل دانو و کاتلین کندی حمایت خود را از آن اعلام کردند. بالاخره انجمن بازیگران سینمای آمریکا هم به این اعتصاب پیوست که باعث شد فرش قرمزهای جشنواره ونیز در آخر تابستان تقریبا خالی از حضور ستاره‌های هالیوودی شود.

سوای از اهمیت و رونق سینمای آمریکا که باعث می‌شود تمام اخبار مربوط به آن مهم به نظر برسند یکی از دلایلی که باعث شد توجهات به اخبار این اعتصاب بیشتر شود دلایل این اعتصاب بود. بحث هوش مصنوعی خیلی جدی‌تر از آن است که فقط نویسندگان سینمایی درگیر نگرانی‌هایی راجع‌به آن باشند. این نویسندگان تضمینی می‌خواستند که هوش مصنوعی جای آنها را نگیرد و در ادامه معلوم شد دغدغه بازیگران هم همین است اما سوالی که برای هر مشاهده‌گر قضیه پیش می‌آمد این بود که اساسا مگر می‌شود چنین تضمینی ارائه داد؟ آیا امکان‌پذیر است که برای به خطر نیفتادن منافع عده‌ای که شاغل در یک صنف هستند جلوی پیشرفت تکنولوژی گرفته شود؟ آیا اگر این قانون محدودکننده در آمریکا اجرا شود رقبای ایالات‌متحده با عدم اجرای چنین محدودیت‌هایی هالیوود را مثل برق و باد پشت سر نخواهند گذاشت؟ همچنان‌که این پرسش‌ها در ذهن هر دنبال‌کننده اخبار بالا و پایین می‌شد بالاخره خبر رسید که انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا با صنف نویسندگان به توافق رسیده و یک‌سری شروط را پذیرفته است. به گزارش رسانه‌های آمریکایی، اعتصاب ۱۴۶ روزه انجمن نویسندگان هالیوود با انعقاد قراردادی موقت بین این انجمن با استودیوها و پخش‌کنندگان هالیوود به پایان رسید و احتمالا این قرارداد موقت راه را برای توافق با انجمن بازیگران فیلم‌های سینمایی هالیوود هم باز خواهد کرد.

وال‌استریت‌ژورنال اعلام کرد که افراد مطلع از این قرارداد تصریح کردند این قرارداد سه‌ساله و شامل چندین بند موفقیت‌آمیز برای نویسندگان از جمله «افزایش حق امتیاز، استخدام اجباری کارکنان برای اتاق‌های تحریر تلویزیونی و حفاظت درمورد استفاده از هوش مصنوعی» است. به بند آخر توافق دوباره دقت کنیم؛ «حفاظت در مورد استفاده از هوش مصنوعی» حالا باید در نوع پرسش‌ها تجدید نظر کرد. اگر این شروط صرفا به مثابه جلوگیری از پیشرفت تکنولوژی باشند منفعت‌طلبی اعضای یک صنف به‌خصوص توان عملی کردن‌شان را نخواهد داشت و اگر این محدودیت‌ها به منزله عقب نگه داشتن آمریکا نسبت به رقبایش باشند محال است صنف تهیه‌کنندگان هالیوود که اصلی‌ترین اولویتش مسائل مالی است به آن تن بدهد. ظاهرا قضیه فراتر از اینهاست و باید در فهم نسبت‌مان با پدیده‌ای به اسم هوش مصنوعی بیشتر بکوشیم. گسترش فضای مجازی در سال‌های اخیر به‌رغم فوایدی که داشت و با وجود آسان‌سازی‌های شگفت‌انگیزش در بسیاری از مسائل تبعات تلخی هم به بار آورد. چند سال پیش بود که نتفلیکس مستندی منتشر کرد به نام «وضعیت اجتماعی» و در آن تعدادی از کارمندان نخبه شرکت‌هایی مثل توییتر و اینستاگرام که دیگر از مجموعه‌هایشان جدا شده بودند جلوی دوربین نشستند و چنان از مضرات این پدیده گفتند که هر مخاطبی را در شوک فرو می‌برد. البته تهیه آن مستند مقداری هم انتخاباتی بود و کاری علیه دونالد ترامپ محسوب می‌شد که با ذائقه‌سنجی جامعه توسط شبکه‌های اجتماعی توانسته بود رئیس جمهور آمریکا شود؛ اما به هر حال و با هر انگیزه‌ای که بود تمام آن نخبگان آی‌تی جلوی دوربین نشستند و این حرف‌ها را زدند و به عبارتی علیه کارنامه کاری خودشان افشاگری کردند. حالا که ماجرا به هوش مصنوعی می‌رسد، دغدغه‌هایی از این جنس درحال پررنگ‌تر شدن هستند. خطر هر روز درحال بیشتر شدن است و بشر قرن ۲۱ نسبت به روند توسعه تکنولوژی‌های هوشمند، همان حسی را پیدا کرده که بشر قرن بیستم از جایی به بعد نسبت به توسعه فناوری‌های نظامی پیدا کرده بود. تفنگ‌های تک‌تیر، تبدیل به مسلسل شدند و تانک و نفربر و پرنده‌های جنگنده اختراع شد. بعد موشک و بمب‌های قوی و درنهایت بمب اتم و بمب هولناک هیدروژنی به میدان آمدند. نهایتا کار به جایی رسید که بشر احساس کرد آنچه درحال ادامه است پیشرفت تکنولوژی نیست بلکه حرکتش به سمت انقراض است. حالا درمورد هوش مصنوعی هم چنین دغدغه‌هایی وجود دارد و بحث فراتر از به خطر افتادن منافع چند صنف هنری و رسانه‌ای به نظر می‌رسد. احتمالا خیلی‌ها در اخبار خوانده‌اند که ایلان ماسک، بنیانگذار تسلا و اسپیس‌ایکس به همراه بیش از هزار رهبر فناوری دیگر در نامه‌ای سرگشاده در همین سال ۲۰۲۳ خواستار توقف آزمایش‌های بزرگ هوش مصنوعی شدند و اشاره کردند که این فناوری می‌تواند خطرات عمیقی برای جامعه و بشریت ایجاد کند. حتی یکی از کسانی که این نامه سرگشاده را امضا کرده بود به‌نوعی بنیانگذار اصلی هوش مصنوعی به حساب می‌آمد. جفری هینتون، معروف به پدرخوانده هوش مصنوعی درباره کار اساسی خود در زمینه یادگیری ماشینی گفت: «این چیزها می‌توانند هوشمندتر از ما باشند و می‌توانند تصمیم بگیرند که مسئولیت را به دست بگیرند و ما باید اکنون نگران این باشیم که چگونه از این اتفاق جلوگیری کنیم.» در سال ۲۰۲۳، هینتون موقعیت خود را در گوگل ترک کرد تا بتواند درباره خطرات هوش مصنوعی صحبت کند و حتی به این نکته اشاره کرد که نسبت به بخشی از کار و زندگی خود که به این موضوع مربوط می‌شود پشیمان است.

اما مگر هوش مصنوعی چه خطراتی دارد که تا این حد نگران‌کننده است و از پیشوایان و پدیدآورندگان آن گرفته تا غول‌های دنیای تفریح و رسانه علیه آن هشدار می‌دهند؟ در ادامه به ۱۲ مورد از مضرات هوش مصنوعی که باعث ایجاد نگرانی‌هایی در خود جامعه آمریکا به‌عنوان زادگاه این فناوری شده‌اند، اشاره شده است.

### ۱. عدم شفافیت و توضیح هوش مصنوعی

درک مدل‌های هوش مصنوعی و یادگیری عمیق حتی برای کسانی که مستقیما با این فناوری کار می‌کنند دشوار است. این منجر به عدم شفافیت درمورد چگونگی و چرایی نتیجه‌گیری هوش مصنوعی می‌شود و توضیحی درمورد اینکه الگوریتم‌های هوش مصنوعی از چه داده‌هایی استفاده می‌کنند یا اینکه چرا ممکن است تصمیم‌های مغرضانه یا ناایمن بگیرند، ارائه نمی‌شود. این نگرانی‌ها باعث استفاده از یک نوع هوش مصنوعی قابل توضیح شده است که البته موردی خاص به‌حساب می‌آید و همه‌گیر نشده و هنوز راه زیادی تا تبدیل شدن سیستم‌های هوش مصنوعی شفاف به روش معمول وجود دارد.

### ۲. از دست دادن شغل به دلیل اتوماسیون هوش مصنوعی

اتوماسیون شغلی مبتنی‌بر هوش مصنوعی یک نگرانی مبرم است زیرا این فناوری در صنایعی مانند بازاریابی، تولید و مراقبت‌های بهداشتی پذیرفته شده است. به عبارتی هوش مصنوعی تاثیر قابل‌توجهی بر پزشکی دارد. البته فقط مشاغل مرتبط با پزشکی متاثر از این فناوری نخواهند بود. به گفته مک‌کینزی تا سال ۲۰۳۰، وظایفی که ۳۰ درصد از ساعت کار فعلی در اقتصاد ایالات‌متحده را تشکیل می‌دهند می‌توانند خودکار شوند. درحالی‌که تخمین زده می‌شود هوش مصنوعی تا سال ۲۰۲۵ میلادی ۹۷ میلیون شغل جدید ایجاد کند گلدمن ساکس بیان می‌کند که ۳۰۰ میلیون شغل تمام‌وقت ممکن است به دلیل اتوماسیون هوش مصنوعی از بین برود. حتی مشاغلی که به مدارک تحصیلات تکمیلی و آموزش اضافی پس از کالج نیاز دارند نیز از هوش مصنوعی مصون نیستند. همان‌طور که کریس مسینا، استراتژیست فناوری اشاره کرده است رشته‌هایی مانند حقوق و حسابداری برای تصاحب توسط هوش مصنوعی آماده شده‌اند. مسینا می‌گوید در واقع ممکن است برخی از آنها از بین بروند. او در رابطه با حوزه حقوقی می‌گوید: «به پیچیدگی قراردادها فکر کنید و واقعا عمیق شوید و درک کنید که برای ایجاد یک ساختار معاملاتی عالی چه چیزی لازم است. بسیاری از وکلا اطلاعات زیادی را مطالعه می‌کنند؛ صدها یا هزاران صفحه از داده‌ها و اسناد. اما هوش مصنوعی این توانایی را دارد که بهترین قرارداد ممکن را برای نتیجه‌ای که می‌خواهید به دست آورید، به‌طور جامع ارائه دهد و احتمالا جایگزین بسیاری از وکلای شرکتی خواهد شد.»

### ۳. دستکاری اجتماعی از طریق الگوریتم‌های هوش مصنوعی

دستکاری اجتماعی هم به‌عنوان یک خطر هوش مصنوعی شناخته می‌شود. این ترس به واقعیت تبدیل شده است زیرا سیاستمداران برای ترویج دیدگاه‌های خود به بعضی از پلتفرم‌ها تکیه می‌کنند و یکی از نمونه‌های آن فردیناند مارکوس جونیور بود که از ارتش ترول TikTok استفاده کرد تا آرای فیلیپینی‌های جوان‌تر را در جریان انتخابات ۲۰۲۲ فیلیپین به دست آورد. رای آوردن ترامپ و پیروزی کمپین جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا که به برگزیت معروف بود هم نمونه‌هایی دیگر هستند. اخبار آنلاینی که با تصاویر و ویدیوهای تولیدشده توسط هوش مصنوعی منتشر می‌شوند، تغییر صداهای هوش مصنوعی و همچنین دیپ‌فیک‌هایی که در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نفوذ کرده‌اند، حالا حتی از دوره انتخاب ترامپ و پیروزی برگزیت و به قدرت رسیدن فردیناند مارکوس هم تیره‌تر شده‌اند. این فناوری‌ها، ایجاد عکس، فیلم، کلیپ‌های صوتی واقع‌نما یا جایگزینی تصویر یک چهره با چهره دیگر در یک تصویر یا ویدیو را آسان می‌کنند. در نتیجه، شیادان راه دیگری برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات نادرست و تبلیغات مرتبط با جنگ روانی دارند و سناریویی کابوس‌ناک ایجاد می‌کنند که در آن تشخیص اخبار معتبر و نادرست تقریبا غیرممکن است و به قول یکی از کارشناسان این حوزه «هیچکس نمی‌داند چه چیزی واقعی است و چه چیزی نیست.»

### ۴. نظارت اجتماعی با فناوری هوش مصنوعی

یکی از نگرانی‌های عمده، روشی است که هوش مصنوعی طبق آن بر حریم خصوصی و امنیت تاثیر منفی می‌گذارد. نمونه بارز این قضیه، استفاده چین از فناوری تشخیص چهره در ادارات، مدارس و سایر مکان‌ها است. علاوه‌بر ردیابی حرکات یک فرد، دولت چین ممکن است بتواند داده‌های کافی برای نظارت بر فعالیت‌ها، روابط و دیدگاه‌های سیاسی یک فرد را جمع‌آوری کند. مثال دیگر ادارات پلیس ایالات متحده است که از الگوریتم‌های پلیس پیش‌بینی، برای پیش‌بینی محل وقوع جنایات استفاده می‌کنند. مشکل این است که این الگوریتم‌ها تحت‌تاثیر نرخ‌های دستگیری قرار می‌گیرند که به‌طور نامتناسبی بر جوامع سیاه‌پوست تاثیر می‌گذارد. سپس ادارات پلیس این جوامع را دوچندان می‌کنند که منجر به تنش و رخ دادن واقعی اتفاقات ناگوار می‌شود.

### ۵. عدم حفظ حریم خصوصی داده‌ها با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی

اگر با یک چت ربات هوش مصنوعی بازی کرده باشید یا یک فیلتر چهره هوش مصنوعی را به صورت آنلاین امتحان کرده باشید، داده‌های شما در حال جمع‌آوری است؛ اما به کجا می‌رود و چگونه از آن استفاده می‌شود؟ سیستم‌های هوش مصنوعی اغلب داده‌های شخصی را برای سفارشی‌سازی تجربیات کاربر یا کمک به آموزش آن مدل‌هایی از هوش مصنوعی که استفاده می‌کنید، جمع‌آوری می‌کنند (مخصوصا اگر ابزار هوش مصنوعی رایگان باشد). زمانی که داده‌ها به سیستم هوش مصنوعی داده می‌شوند، ممکن است نشود این اطلاعات را حتی از دسترسی سایر کاربران امن تلقی کرد، زیرا یک حادثه باگ که در ChatGPT در سال ۲۰۲۳ رخ داد، به برخی از کاربران اجازه داد عناوین تاریخچه چت کاربر فعال دیگری را ببینند.

### ۶. تعصبات ناشی از هوش مصنوعی

اشکال مختلف سوگیری هوش مصنوعی نیز مضر هستند. اولگا روساکوفسکی، استاد علوم کامپیوتر پرینستون، در صحبت با نیویورک تایمز گفت که تعصب هوش مصنوعی فراتر از جنسیت و نژاد است. به عبارتی او می‌گوید هوش مصنوعی سوگیری طبقاتی هم دارد. باید توجه کرد علاوه‌بر داده‌ها و سوگیری الگوریتمی (که دومی می‌تواند اولی را تقویت کند)، هوش مصنوعی توسط انسان‌ها توسعه می‌یابد و انسان‌ها ذاتا سوگیری دارند. یعنی غیر از سوگیری خودکار و الگوریتمی، یک نوع جهت‌گیری اولیه هم در ذات این فناوری نهادینه می‌شود که توسط پدیدآورندگانش پایه‌گذاری شده است. روساکوفسکی می‌گوید محققان هوش مصنوعی عمدتا مردانی هستند که از جمعیت‌های نژادی خاص می‌آیند و در مناطق اجتماعی-اقتصادی بالا بزرگ شده‌اند و عمدتا افراد بدون معلولیت هستند. ما جمعیت نسبتا همگنی هستیم، بنابراین فکر کردن در مورد مسائل جهانی و گسترده دیدن مسائل، یک چالش است. تجارب محدود سازندگان هوش

## پوستر رسمی «گیج‌گاه» منتشر شد

چهار روز مانده به اکران فیلم سینمایی گیج‌گاه، پوستر رسمی این فیلم با طرحی از محمدروح‌الامین منتشر شده است. به نقل از روابط عمومی موسسه بهمن سبز، فیلم سینمایی گیج‌گاه ساخته عادل تبریزی، از ۱۲ مهر در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. نویسندگی این فیلم سینمایی را ارسلان امیری و عادل تبریزی، و کارگردانی این اثر را حنیف سروری و میرولی‌الله مدنی برعهده دارند. حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، نادر سلیمانی، بیژن بنفشه‌خواه، سیاوش چراغی‌پور، محمد الهی، مریم همتیان، ایمان اسماعیل‌پور، علی باغفر، حامد شیخی، داوود ونداده، وحید رحمتی با حضور فرهاد آییش با معرفی علی راد و با هنرمندی جمشید هاشم‌پور (آریا) و خاطره‌سازانی همچون رضا صفایی‌پور و حسن رضایی در این فیلم بازی کرده‌اند. داستان گیج‌گاه در دهه ۷۰ روایت می‌شود. این فیلم با سرمایه‌گذاری شخصی محمدحسین خانی و حنیف سروری و همچنین مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته و تولید شده است. «گیج‌گاه» توسط موسسه فرهنگی تبلیغاتی «بهمن سبز» و به سرگروهی سینما آزادی اکران می‌شود.

## ایران در نمایشگاه فرانکفورت شرکت نمی‌کند

در گفت‌وگویی که تسنیم با علی رمضانی، مدیرعامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران انجام داده، به عدم حضور ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت اشاره شد. این نمایشگاه که به لحاظ تعداد ناشران و بازدیدکنندگان بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب دنیا محسوب می‌شود، در اواسط ماه اکتبر به مدت ۵ روز بازدیدکننده دارد. رمضانی درباره اتفاقاتی که باعث شد سال پیش در نمایشگاه شرکت نکنند، این‌گونه گفت: «سال گذشته با وجود اینکه ثبت‌نام‌مان قطعی و محل قرارگیری غرفه ایران هم روی نقشه نهایی شده بود، با عدم همکاری سفارت آلمان در صدور ویزا مواجه شدیم. پس از آن مسئولان نمایشگاه فرانکفورت در یک مداخله مستقیم سیاسی برخلاف ادعایی که مبنی بر نگاه فرهنگی و تجاری دارند، به ما اعلام کردند، که ما با مسائلی که در درون ایران اتفاق می‌افتد همراهیم و مجبور هستیم جای شما را تغییر بدهیم به طبقه دوم که عملا مکانی مرده به شمار می‌رود و ضمنا نمی‌توانیم امنیت حاضران در غرفه‌های شما را تامین کنیم. این رفتار بسیار تعجب‌برانگیز بود. ما اعلام کردیم با این کار عملا حضور ما را بی‌معنا کرده‌اید و ما در اعتراض به این رفتار شرکت نمی‌کنیم.» علی رمضانی علت شرکت نکردن در نمایشگاه کتاب فرانکفورت امسال را تکرار دعوت از سلمان رشدی به‌عنوان میهمان ویژه افتتاحیه نمایشگاه بیان کرد و درباره این اتفاق گفت: «این اقدامات مسئولان نمایشگاه نشان می‌دهد برخلاف آن چیزی که بیان می‌شود، نگاه‌ها در این نمایشگاه کاملا سیاسی است، اگر ما بخواهیم یک موضوع مثلا استکبارستیزی یا هولوکاست را در نمایشگاه مطرح کنیم، آیا اجازه خواهند داد؟ حتما خیر. البته ممکن است ناشرانی از ایران بتوانند شرکت کنند، اما به‌صورت رسمی جمهوری اسلامی ایران در این دوره نیز شرکت نخواهد کرد.»

## «کودتای شانس» در فرانسه شانسی نداشت

کوتای شانس، نام پنجاهمین اثر وودی آلن است. داستان این فیلم در یک روز پاییزی در پاریس می‌گذرد و درباره‌ی نویسنده‌ای به نام آلن است که به صورت تصادفی با یک دوستی قدیمی برخورد می‌کند و برایش بلیت قرعه‌کشی می‌خرد، اما روزگار طبق میل آنها پیش نمی‌رود. این فیلم سینمایی از آخر هفته در فرانسه اکران شد و تنها توانست امتیاز ضعیف ۲٫۶ از ۵ را در «آلوسینه» که معادل فرانسوی «راتن تومیتوز» است، به دست آورد. برخلاف فرانسه، در ونیز این فیلم با استقبال خوبی همراه شد و بسیاری از منتقدان آن را بهترین فیلم آلن در سال‌های اخیر نامیدند.

منتقد گاردین در این باره نوشته است: وودی آلن با نزدیک شدن به تولد ۸۸ سالگی‌اش، به نظر می‌رسد وقتش تمام شده است. خلاقیت‌های او کمرنگ شده، رسوایی‌ها او را بدبین کرده و با این حال همچنان ناامید نشده و برای خلق داستان‌های متفکرانه خود درباره اتفاق‌ها و تصادفات خوش، به اروپا نقل مکان می‌کند تا با بازیگران فرانسوی کار کند؛ مانند یک قمارباز شکست‌خورده که امیدوار است یک کازینو جدید تغییری در بخت و اقبال او ایجاد کند. بدیهی است که دل بستن به بلیت لوتو باطل است؛ اما شوک واقعی این است که این بهترین چیزی است که او حداقل در یک دهه اخیر کارگردانی کرده است. ظاهرا چندین بازیگری که آلن برای فیلم خود می‌خواست از بازی در این فیلم خودداری کردند. نام‌هایی که لیبراسیون از آنها نام برده عبارتند از ژیل للوش و وینسنت کسل که هر دو به دلیل خطر برچسب منفی خوردن از همکاری با وی خودداری کردند. نقش اصلی هم که قرار بود توسط لیا سدو ایفا شود درنهایت به لو دلاژ رسید و ایزابل هوپر نتوانست حضور در این فیلم را در برنامه فشرده کاری‌اش قرار دهد.

## «بچه زرنگ» گل کاشت

انیمیشن سینمایی بچه زرنگ توانست پس از گذشت سه روز از اکران حدود یک و نیم میلیارد تومان در سینماهای سراسر کشور فروش کند. به نقل از روابط عمومی پروژه، انیمیشن سینمایی بچه زرنگ به تهیه‌کنندگی حامد جعفری از پنجم مهر در سینماهای سراسر کشور روی پرده رفت و حدود ۳۰ هزار مخاطب داشته است. با آغاز اکران این اثر پوستر رسمی آن که توسط میکائیل براتی طراحی شده بود، منتشر شد. داستان «بچه زرنگ» ماجرای پسر بچه‌ای به نام محسن است که خود را ابرقهرمان می‌داند و راهی سفری پرماجرا برای نجات آخرین ببر ایرانی می‌شود. این فیلم سیمرغ بلورین بهترین انیمیشن جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد و پخش آن را فیلمیران به عهده دارد. این انیمیشن سینمایی محصول مشترک گروه هنرپویا و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و به همت نزدیک به ۲۵۰ نفر از هنرمندان جوان ایران ساخته شده است. همچنین بهنود نکویی، هادی محمدیان و محمدجواد جنتی کارگردانان این اثر هستند. این اثر سومین فیلم «گروه هنرپویا» است.

ادامه در صفحه ۱۳

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGAND

مصنوعی ممکن است توضیح دهد که چرا هوش مصنوعی تشخیص گفتار اغلب لهجه‌ها را درک نمی‌کند، یا چرا شرکت‌ها عواقب رفتار یک ربات چت را که جعل هویت چهره‌های بدنام در تاریخ بشر است، در نظر نمی‌گیرند. توسعه‌دهندگان کسب‌وکارها باید دقت بیشتری به خرج دهند تا از بازآفرینی سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌های قدرتمندی که جمعیت اقلیت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد، اجتناب کنند.

## ۷. نابرابری اجتماعی-اقتصادی در نتیجه هوش مصنوعی

اگر شرکت‌ها از پذیرش سوگیری‌های ذاتی موجود در الگوریتم‌های هوش مصنوعی خودداری نکنند، ممکن است ابتکارات‌تان برای برخورد با ارباب‌رجوع را از طریق استخدام افراد به وسیله هوش مصنوعی به خطر بیندازند. این ایده که هوش مصنوعی می‌تواند ویژگی‌های یک نامزد استخدام را از طریق تجزیه و تحلیل‌های چهره و صدا اندازه‌گیری کند، همچنان با تعصبات نژادی آلوده است و همان شیوه‌های استخدام تبعیض‌آمیز را بازتولید می‌کند که مشاغل ادعا می‌کنند حذف می‌کنند. گسترش نابرابری اجتماعی-اقتصادی ناشی از از دست دادن شغل که به واسطه هوش مصنوعی ایجاد می‌شود، یکی دیگر از دلایل نگرانی است که سوگیری‌های طبقاتی در مورد نحوه به کارگیری هوش مصنوعی را آشکار می‌کند. کارگران یقه آبی که کارهای دستی و تکراری بیشتری انجام می‌دهند، به دلیل اتوماسیون، کاهش دستمزدشان را تا ۷۰ درصد تجربه کرده‌اند. در همین حال، کارگران یقه سفید تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده‌اند و حتی برخی از آنها از دستمزد بالاتری برخوردار هستند. ادعاهای فراگیر مبنی‌بر اینکه هوش مصنوعی به نوعی بر مرزهای اجتماعی غلبه کرده یا مشاغل بیشتری ایجاد کرده است، نمی‌تواند تصویر کاملی از اثرات آن ارائه دهد.

## ۸. تضعیف اخلاق و حسن‌نیت به دلیل هوش مصنوعی

همراه با فناوران، روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های سیاسی، حتی رهبران مذهبی هم زنگ خطرات احتمالی هوش مصنوعی از جانب مسائل اجتماعی-اقتصادی را به صدا درمی‌آورند. پاپ فرانسیس در یک نشست واتیکان در سال ۲۰۱۹ با عنوان «خیر مشترک در عصر دیجیتال» نسبت به توانایی هوش مصنوعی برای «انتشار عقاید متعصبانه و داده‌های نادرست» هشدار داد و بر عواقب گسترده‌ای که اجازه توسعه این فناوری بدون نظارت یا محدودیت مناسب ممکن است در پی داشته باشد، تاکید کرد. او افزود: «اگر به اصطلاح پیشرفت تکنولوژیک بشر به دشمن خیر عمومی تبدیل شود، این امر منجر به یک پسرفت تاسف‌بار به سمت نوعی بربریت دیکته‌شده توسط قانون قوی‌ترین افراد می‌شود.» ظهور سریع ابزارهای مولد هوش مصنوعی مانند ChatGPT و Bard به این نگرانی‌ها عمق بیشتری می‌بخشد. بسیاری از کاربران از این فناوری برای بیرون آمدن از تکالیف نوشتاری استفاده کرده‌اند که یکپارچگی و خلاقیت تحصیلی را تهدید می‌کند.

## ۹. سلاح‌های خودگردان که توسط هوش مصنوعی کار می‌کنند

همان‌طور که اغلب اتفاق می‌افتد، پیشرفت‌های تکنولوژیک برای اهداف جنگی استفاده شده است. وقتی صحبت از هوش مصنوعی به میان می‌آید، برخی مشتاق هستند تا قبل از اینکه خیلی دیر شود کاری در مورد آن انجام دهند: در نامه‌ای سرگشاده که سال ۲۰۱۶ منتشر شد، بیش از سی هزار نفر، از جمله محققان هوش مصنوعی و رباتیک، از سرمایه‌گذاری در سلاح‌های خودران با سوخت هوش مصنوعی اعلام عقب‌نشینی کردند. آنها نوشتند: «سوال کلیدی برای بشریت امروز این است که آیا باید یک مسابقه تسلیحاتی جهانی در حوزه هوش مصنوعی را آغاز کرد یا باید از شروع آن جلوگیری شود؟ اگر هر قدرت نظامی بزرگی با توسعه تسلیحات هوش مصنوعی پیشروی کند، یک مسابقه تسلیحاتی جهانی، عملا اجتناب‌ناپذیر است و نقطه پایانی این خط سیر فناوری آشکار است؛ سلاح‌های خودمختار به کلاشینکف‌های فردا تبدیل خواهند شد.»

این پیش‌بینی در قالب سیستم‌های تسلیحات خودران مرگبار محقق شده است که با رعایت حداقلی مقررات، اهداف را به تنهایی مکان‌یابی و نابود می‌کنند. به دلیل گسترش سلاح‌های قوی و پیچیده، برخی از قدرتمندترین کشورهای جهان تسلیم نگرانی‌ها شده‌اند و به جنگ سرد فناوری کمک کرده‌اند. بسیاری از این سلاح‌های جدید خطرات عمده‌ای را برای غیرنظامیان در زمین ایجاد می‌کنند، اما این خطر زمانی تشدید می‌شود که سلاح‌های خودمختار به دست افراد اشتباه بیفتند. هکرها بر انواع مختلفی از حملات سایبری تسلط پیدا کرده‌اند، بنابراین تصور اینکه یک عامل مخرب به سلاح‌های خودمختار نفوذ کند و آرماگدون مطلق را تحریک کند، سخت نیست. اگر رقابت‌های سیاسی و تمایلات جنگ‌افروزانه کنترل نشود، هوش مصنوعی ممکن است با بدترین نیت‌ها به کار گرفته شود.

## ۱۰. بحران‌های مالی ناشی از الگوریتم‌های هوش مصنوعی

صنعت مالی پذیرای مشارکت فناوری هوش مصنوعی در فرآیندهای مالی و معاملات روزمره شده است. در نتیجه، معاملات الگوریتمی می‌تواند مسئول بحران مالی بعدی ما در بازارها باشد. در حالی که الگوریتم‌های هوش مصنوعی تحت تاثیر قضاوت یا احساسات انسان قرار نمی‌گیرند، اما زمینه‌ها، به هم پیوستگی بازارها و عواملی مانند اعتماد و ترس انسان را هم در نظر نمی‌گیرند. به عبارت ساده، الگوریتم‌های هوش مصنوعی پدیده‌های روانی بازار و مسائل مرتبط با روانشناسی اجتماعی را هیچ‌گاه کامل نخواهند فهمید و روی این حساب، دستورالعمل‌هایشان ممکن است از جانب توده مشتریان رودست بخورد. این الگوریتم‌ها هزاران معامله را با سرعت انجام می‌دهند و هدف‌شان این است که هرچه خریده‌اند را چند ثانیه بعد با سودهای کوچک بفروشند. فروختن هزاران معامله می‌تواند سرمایه‌گذاران را از انجام همین کار بترساند و منجر به سقوط ناگهانی و نوسان شدید بازار شود. این بدان معنا نیست که هوش مصنوعی چیزی برای ارائه به دنیای مالی ندارد. در واقع، الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به سرمایه‌گذاران کمک کنند تا تصمیمات هوشمندانه و آگاهانه‌تری در بازار بگیرند. اما سازمان‌های مالی باید مطمئن شوند که الگوریتم‌های هوش مصنوعی و نحوه تصمیم‌گیری آن الگوریتم‌ها را درک می‌کنند. شرکت‌ها باید قبل از معرفی این فناوری برای جلوگیری از ایجاد ترس در بین سرمایه‌گذاران و ایجاد هرج و مرج مالی، در نظر بگیرند که آیا هوش مصنوعی اعتماد آنها را بالا می‌برد یا کاهش می‌دهد.

## ۱۱. از دست دادن نفوذ انسانی

اتکای بیش از حد به فناوری هوش مصنوعی می‌تواند منجر به از بین رفتن نفوذ انسانی و فقدان عملکرد انسانی در برخی از بخش‌های جامعه شود. به‌عنوان مثال، استفاده از هوش مصنوعی در مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند منجر به کاهش همدلی و استدلال انسان شود. همچنین استفاده از هوش مصنوعی مولد برای تلاش‌های خلاقانه می‌تواند خلاقیت و بیان احساسی انسان را کاهش دهد. تعامل بیش از حد با سیستم‌های هوش مصنوعی حتی می‌تواند باعث کاهش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی با همتایان شود. بنابراین در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند برای خودکار کردن کارهای روزانه بسیار مفید باشد، برخی این سوال را مطرح می‌کنند که آیا ممکن است هوش، توانایی‌ها و نیاز کلی انسان به جامعه را کاهش دهد یا خیر.

## ۱۲. هوش مصنوعی خودآگاه غیرقابل کنترل

همچنین این نگرانی وجود دارد که هوش مصنوعی آنقدر سریع پیشرفت کند که هوشیار شود و فراتر از کنترل انسان عمل کند؛ البته احتمالا به روشی مخرب. گزارش‌های ادعایی از این احساس قبلا رخ داده است. یکی از مهندسان سابق گوگل مدتی پیش گفت ربات چت هوش مصنوعی LaMDA حساس است و دقیقا همان‌طور که یک شخص با او صحبت می‌کند، پاسخ می‌دهد. از آنجایی که نقاط عطف بزرگ بعدی هوش مصنوعی شامل ساخت سیستم‌هایی با هوش عمومی مصنوعی و درنهایت هوش مصنوعی است، فریادها برای متوقف کردن کامل این پیشرفت‌ها همچنان افزایش می‌یابد.

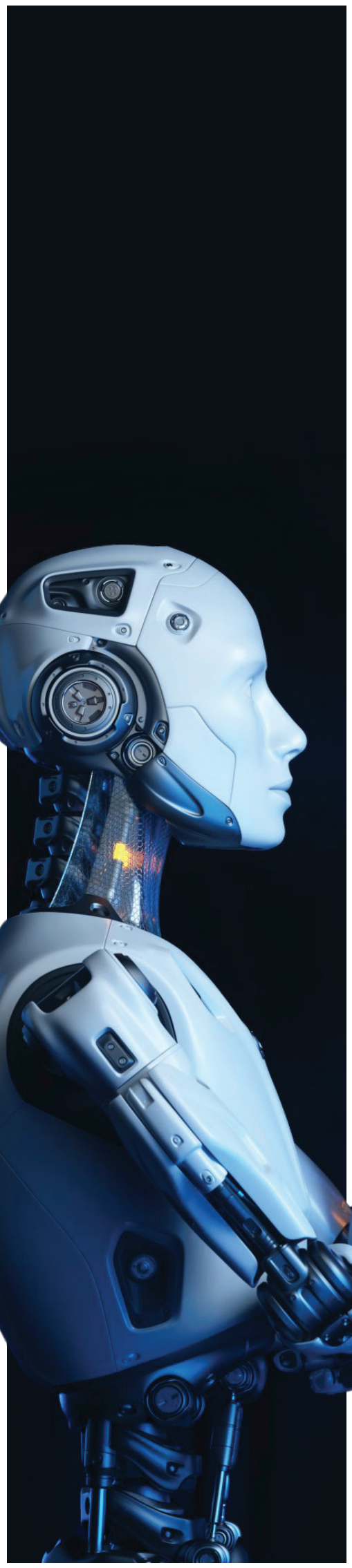

ادامه از صفحه ۱۲




نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان تهران (سهامی خاص)

# فراخوان مناقصه عمومی

(یک مرحله‌ای) به شماره ۲۰۰۲۰۹۲۷۶۹۰۰۰۰۶۷

شرکت گاز استان تهران در نظر دارد مناقصه مندرج با مشخصات و شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

۱-نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گذار: شرکت گاز استان تهران
تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، نبش خیابان اراک، ساختمان شماره ۱۶۰، طبقه چهارم، بلوک ۷، امور قراردادها

۲- موضوع مناقصه:
بازسازی و تعمیرات ساختمان اداره گاز منطقه ۸ تهران می‌باشد.

۳- مدت اجرای پروژه: ۶۰ روز تقویمی می‌باشد.

۴-محل اجرای پروژه: واقع در اداره گاز منطقه ۸ تهران می‌باشد.

۵- نماینده دستگاه مناقصه‌گذار: مدیریت منابع انسانی شرکت گاز استان تهران.

۶-برآورد اولیه کارفرما: ۲۰/۴۷۳/۹۸۴/۰۷۰ ریال می‌باشد.

۷- نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه مطابق مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه- مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران به مبلغ ۱/۰۲۳/۶۹۹/۲۰۴ (یک میلیاردو بیست و سه میلیون و ششصد و نود و نه هزارو دویست و چهار) ریال می‌باشد.

۸-مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ می‌باشد.

۹-تاریخ تکمیل و بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه: تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۳ و محل آن در سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد.

۱۰- زمان گشایش پیشنهادات: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ و محل گشایش آن: تهران، خیابان اشرفی اصفهانی (جنوب به شمال) بعد از خروجی اتوبان همت، خیابان شهید اسلامیان، خیابان بابا طاهر، خیابان استاد نظری غربی واقع در سالن کنفرانس شرکت گاز استان تهران می‌باشد.

۱۱- مدت اعتبار پیشنهادات: مدت اعتبار پیشنهادات سه ماه می‌باشد.

۱۲- شرایط متقاضی:
- آخرین تغییرات روزنامه رسمی (صاحبان امضای مجاز شرکت)
- داشتن رتبه ۵ ابنیه و ساختمان از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه.
- داشتن توان مالی.
- داشتن ظرفیت خالی.
- ارائه گواهی رضایتنامه از کارفرمایان قبلی.
- داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاران.
- ثبت‌نام و اخذ کد اطلاع‌رسانی مناقصات از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

عطف به نامه شماره ۱/۱۴۰۹۳۵ مورخ ۹۹/۰۵/۱۱ مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صنعت، معدن، تجارت کلیه شرکت‌کنندگان ملزم به داشتن مهر و امضای دیجیتال اسناد بارگذاری شده توسط صاحبان امضای مجاز و شرکت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشند.

متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «۱۲» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می‌توانند در مهلت تعیین شده فوق‌الذکر، جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۴۱۹۳۴-۰۲۱

روابط عمومی شرکت گاز استان تهران
شماره شناسه ۱۵۷۴۱۶۰



# آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در نظر دارد محل پارکینگ‌های دوگانه دانشجویی خود را (واقع در مجتمع شماره یک) از طریق برگزاری مزایده عمومی به صورت اجاره واگذار نماید. واجدین شرایط می‌توانند با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا به نام دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به شماره حساب ۰۱۰۴۱۳۹۳۳۰۰۰۳ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (کد شناسه ۱۳۴۱۰۱۴۹) بابت خرید اسناد مزایده، با مراجعه به دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در ضلع شرقی اتوبان پاسداران مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی تبریز ساختمان اداری طبقه سوم اتاق ۳۲۲ یا با دانلود از طریق وبسایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به آدرس www.tabriz.iau.ir سامانه اداری و مالی - سامانه تدارکات در مزایده شرکت نمایند. لازم به ذکر است به مدارک فاقد فیش ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط:
- آخرین مهلت خرید اسناد، تکمیل و تحویل پیشنهادات از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز کاری (ساعت ۱۷ آخرین روز کاری) می‌باشد.
- ارائه یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال واریزی به حساب سیبا به شماره ۰۱۰۴۱۳۹۳۳۰۰۰۳ به نام دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (کد شناسه ۱۳۴۱۰۲۵۷) بابت ضمانت شرکت در مزایده.
- شرکت‌کنندگان در مزایده ملزم به محاسبه کلیه کسورات قانونی (ارزش افزوده، بیمه، مالیات ....) و لحاظ نمودن آن در قیمت پیشنهادی خود می‌باشند.
- دانشگاه در رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
- سایر شرایط در اسناد مزایده درج شده است.

تلفن تماس: ۳۱۹۶۶۴۷۰-۰۴۱



مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی



فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR
farhikhteganonline

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نگاهی روانکاوانه به نارضایتی، شکست و پیروزی در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «نظریات شکست مشروطه»

# مگر می‌شود یک جنبش یا تحرک اجتماعی بدون اثر باشد؟

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه اندیشه

**بحث پیرامون مشروطه همیشه جذابیت‌های خاص خود را داشته است. صحبت از شکست مشروطه و چرایی آن بین اهالی تاریخ و تاریخ‌نگاران نیز همواره مورد بحث بوده تا جایی که این چهارچوب نظری را می‌توان یکی از پرتکرارترین بحث‌های دهه اخیر در مورد مشروطه دانست. با رشد نگاه‌های میان‌رشته‌ای در مباحث علوم انسانی اما، اندیشمندان تلاش کرده‌اند جامعه‌شناسی، فلسفه و روانکاوی را نیز به مثابه یک پیوست تاریخی به کار بگیرند تا تحولاتی در روایت‌ها و فهم وضعیت تاریخی پدید آورند.**

**در همین رابطه اخیرا کتاب «نظریات شکست مشروطه (از منظر آرای ژاک لکان)» توسط محمد باقری، پژوهشگر و دانش‌آموخته سیاست منتشر شده که در آن سعی کرده نشان دهد که از منظر این روان‌پزشک و روان‌کاو برجسته فرانسوی می‌توان ذهنیت شکست مشروطه را دگرگون کرد و نشان داد که متفکران و نخبگان عصر مشروطه که شکست را پذیرفته‌اند در چه افقی زیست می‌کرده‌اند. او با چهارچوب نظری که از ژاک لکان به عاریت می‌گیرد، تلاش دارد تا نشان دهد که آنچه در مشروطه رقم خورده، نوعی حرکت از ساحت تخیلی یا فانتزی به ساحت نمادین بوده است و از آنجایی که این ساحت با خواسته‌های اهل فکر و نخبگان آن مقطع همخوانی نداشته، از آن مقطع به شکست تفسیر و تعبیر می‌کنند. باقری تلاش دارد تا بگوید که بیرون از ساحت شکست هم می‌توان به آن مقطع تاریخی توجه کرد. جهت فهم بهتر این ایده، گفت‌وگویی با او ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.**

**از باب روشی، با روش‌های مختلفی در حوزه علوم انسانی به مشروطه پرداخته شده است که البته عمده آنها نیز روش تاریخ‌نگاری مرسوم بوده است. در بعضی روش‌ها نیز سعی شده از گرایش‌های مارکسیستی در تاریخ مشروطه استفاده شود. این برای اولین بار است که ما می‌بینیم برای تفسیر مشروطه یا حداقل برای نکته‌ای که شما در کتاب درخصوص شکست مشروطه ذکر می‌کنید، از روشی بیرون از این دایره استفاده شده است. چه شد که برای این موضوع، سراغ «لکان» رفتید؟**

برای استفاده از واژه روش در اینجا باید کمی تسامح به خرج داد چراکه مباحث لکان هنوز با عنوان روش مطرح نیست. من از چهارچوب نظری ژاک لکان استفاده می‌کنم چراکه چیزی تحت عنوان روش لکان، هنوز مرسوم نیست. البته تلاش خواهم کرد تا ببینم که می‌شود این را به‌عنوان یک روش در حوزه علوم انسانی مطرح کرد یا خیر، منتها این کار جدایی می‌طلبد و خودش پروژه‌ای به حساب می‌آید.

در مورد سوال شما اما باید بگویم که ما همیشه بعد از تحرکات اجتماعی -حالا هر تحرکی اعم از جنبش، قیام، انقلاب و حتی اصلاحات که از بالا انجام می‌شود- شاهد شکل‌گیری یک باور در جامعه هستیم. حالا بعضا اکثریت به این باور می‌رسند و گاهی اقلیت ولی به هر ترتیب اجتناب‌ناپذیر است. [این باور چیست؟] آن‌طور که من بررسی کردم در هر تحرک اجتماعی یک باور عمومی مبنی بر شکست آن تحرک به وجود می‌آید؛ اینکه آن تحرک موفق نبوده است و در ساحت واقع، اهدافش محقق نشده است. از آنجایی که باور، یک مقوله ذهنی است، من به سمت لکان که یک روانشناس است متمایل شدم. لکان با استفاده از رویکرد شناخت‌شناسانه، زبان‌شناسی را به کار می‌گیرد تا بفهمد که این باور به شکست حتی بعد از پیشرفت و رشد، چرا به وجود می‌آید.

**مطابق نگاهی که در کتاب داشته‌اید، می‌توان گفت ایده‌ای که در مورد شکست در مورد جنبش‌های مختلف از جمله مشروطه -که مورد تاکید و توجه شماست- مطرح می‌شود، با آن چهارچوب نظری گرفته‌شده از آرای ژاک لکان، یک برساخت است؟ و اگر ما درست‌تر به این بحث شکست توجه کنیم، شاید شکست به آن معنایی که در ذهن بوده، درست نباشد؟**

بحث همین است. عرض کردم، یک باور به وجود می‌آید. این باور فارغ از آن چیزی است که در واقعیت محقق شده است. این باور وقتی به وجود می‌آید، یک سری نظریه‌پردازها هم سراغ این می‌روند که این شکست را تئوریزه کنند. اول این باور به وجود می‌آید یعنی سوژه به این سمت می‌رود که بگوید ما اهدافی که در این حرکت داشتیم، این اهداف در ساحت واقع محقق نشده، به این باور که دست پیدا می‌کند یک سری اندیشمند هم می‌روند و این مقوله را تئوریزه می‌کنند که بله، شکست خورد به این دلایل.

ما جنبش مشروطه را داشتیم -حالا چون از همان اول این باور به وجود آمد، دست روی مشروطه گذاشتم ولی در همه جنبش‌ها [این هست]- سربداران و قیام مختار و نهضت جنگل و ملی شدن صنعت نفت را داشتیم ولی در همه اینها بعد از یک مدتی آمدند و گفتند که این شکست خورد و فایده نداشت. مگر ما می‌توانیم بگوییم که یک جنبش یا تحرک اجتماعی یا یک انقلاب بدون اثر باشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ حتما یک تاثیری داشته است. حداقل اینکه در گفتمان جامعه تاثیر داشته است یا اینکه گفتمانی شکل گرفته و آن جنبش را به وجود آورده است. بالاخره موثر بوده است و یک تاثیری داشته است ولی آن باور به شکست که به وجود می‌آید همه آن تاثیرها را منکر می‌شود و می‌گوید که شکست اتفاق افتاده و آن جنبش محقق نشده است.

**این توضیح شما یک نکته مهم را ایجاد می‌کند که اگر از آن پرسش شود، خوب است. مطابق آرای لکان و آنچه که تا اینجا حداقل می‌توان اسمش را برساختی از شکست دانست، آیا می‌توان گفت که ما در بعد از انقلاب با وضعیتی روبه‌رو شدیم که سریعا دوگانه شکست و پیروزی را درست می‌کرد که اگر این دوگانه شکسته شود، شاید بتوان بهتر تاریخ را روایت کرد و حتی در تاریخ‌نگاری نیز بهتر شد؟**

همین‌طور است. حتما همین‌طور است. حالا وارد بحث که بشویم من یک مقدار لکان را توضیح بدهم خواهید دید که این استنتاج شکست یا به وجود آمدن این نارضایتی یک امر طبیعی و بدیهی است و می‌بایست که اتفاق بیفتد و اگر ما این را لحاظ کنیم، نگاه‌مان به داستان متفاوت می‌شود و به قول شما تاریخ‌نگاری ما نیز دقیق‌تر و بهتر می‌شود.

**حالا برای ورود به بحث از آنجایی شروع کنیم که احتمالا شما از این جهت مشروطه را انتخاب کردید که آن سوژه‌ای که در مورد لکان بحث می‌شود و احتمالا سوژه اولیه هست -حالا بعد هر کدام را شما خواستید توضیح بدهید- توضیح می‌دهد که میل باید شکل بگیرد و این میل بر اثر یک فانتزی شکل می‌گیرد و شما نیز فانتزی را این‌طور توصیف کردید که در جای درستی است و به‌عنوان یک میزانسنی از...**

بله همین‌طور است.

**در مشروطه به جهت شکست‌های ممتدی که ما خوردیم، این پرسش به وجود آمد که چه شد که ما از غرب عقب افتادیم. طبیعی بود و میلی به توسعه و ترقی و پیشرفت شکل گرفت. اینجا این پرسش به وجود می‌آید که واقعا با این نگاه لکان می‌توان آن میلی که در آن عصر شکل گرفت را فهم کرد یا اینکه این نیز یک چهارچوب نظری برای بیشتر فهمیدن آن اتمسفر یا نزدیک شدن به آن وضعیت است؟**

کلا در علوم انسانی ما وقتی می‌آییم و از چهارچوب‌های نظری و روش‌های متفاوت استفاده می‌کنیم، می‌خواهیم واقعیت را بهتر فهم کنیم. این به آن معنا نیست که من ادعا می‌کنم که حقیقت را کشف کرده‌ام و الا و لابد همین است که من الان گفتم. چنین چیزی نیست. ما می‌خواهیم به فهم واقعیت نزدیک شویم یعنی در واقع -حالا من در کتاب اشاره نکردم- به نوعی یک نوع کار اکتشافی است و به توسعه ادبیات موضوع منجر می‌شود. بنابراین هیچ ادعایی در بین نیست که حقیقت این است و مثلا این فانتزی و میل به این صورت شکل گرفت و غیر از این چیزی نیست. چنین حرفی نزدم و نخواهم زد و اساسا در علوم انسانی این‌گونه صحبت کردن، نمی‌تواند با واقعیت علوم انسانی خیلی ارتباط برقرار کند. این کار برای توسعه ادبیات موضوع و این است که زاویه دید دیگری به این واقعیت و مقوله داشته باشیم. یک عینک جدید و نگاه متفاوت برای درک کردن بهتر آن پدیده است.

**این امر فانتزی با این چهارچوب نظری چطور و چرا شکل گرفت؟**

من ابتدا بگویم که مشروطه را از بین همه اتفاقاتی که در تاریخ ما افتاده است انتخاب کردم به خاطر اینکه از همان ابتدای شکل‌گیری مشروطه، زمزمه‌های شکستش شروع شد تا به امروز. البته سر تاریخ شکل‌گیری مشروطه هم بحث است؛ یکی می‌گوید که از دو سال قبل از امضای فرمان مشروطه و از ۱۲۸۵ بحث مشروطه شکل گرفت، یکی آن را جلو می‌برد و یکی عقب و چیزی نیست که بتوان دقیقا مشخص کرد ولی از نیمه دوم عصر ناصری می‌توان گفت که زمزمه‌های مشروطه‌طلبی شروع شد. در واقع ما امروز هم افرادی را داریم که همچنان دارند شکست مشروطه را تئوریزه می‌کنند. به خاطر این به نظرم مشروطه اهمیت داشته است وگرنه ما می‌توانیم به تمامی تحرکات اجتماعی و جنبش‌ها و حرکات، این را تعمیم بدهیم.

برای شکست مشروطه، این باور به وجود آمد. در بحبوحه مشروطه، «نسیم شمال» آمد و گفت که مجلس ختم مهیا سازید و «رحمه الله علی مشروطه». یعنی از همان موقع گفتند مشروطه مرد و از بین رفت و خیلی از کسانی که در بطن جنبش بودند، گفتند جنبش شکست خورده و به نتیجه نرسیده و اهداف جنبش محقق نشده است. تا امروز که ما جان فوران را داریم که قویا و صریحا می‌گوید مشروطه شکست خورد و بعد بحث ائتلاف شکننده را مطرح می‌کند. آقای کاتوزیان را داریم که معتقد به جامعه کوتاه‌مدت استبداد شرقی بود و مشروطه را شکست‌خورده می‌دانست. سیدجواد طباطبایی می‌گوید مشروطه شکست خورد؛ چراکه اندیشه سیاسی زوال پیدا کرد و دچار تصلب شد. اکنون بسیاری از افراد آمده‌اند و همان باور به شکست را تئوریزه می‌کنند. این باعث شد که به‌سمت مشروطه متمایل شوم و مشروطه برایم اهمیت پیدا کند. با مشورت‌هایی که با اساتید دانشگاه‌های مختلف داشتم، به‌سمت لکان هدایت شدم. همان‌طور که می‌دانید ژاک لکان یک روانشناس است که به‌نظر من -این را جایی نخواندم- اصل بحثی که به آن پرداخته، شکل‌گیری نارضایتی در فرد است، یعنی یک روانشناس مدام با افرادی مواجه است که درظاهر روندشان رو به رشد است و زندگی خوبی دارند ولی ناراضی هستند. لکان برای این قضیه سراغ شناخت‌شناسی می‌رود، یعنی درواقع به این سمت می‌رود که این سوژه، این فکر و این ذهن چگونه شکل می‌گیرد و به‌وجود می‌آید و از آن طریق به‌واسطه زبان‌شناسی به بحث سوژه می‌رسد و جزء اندیشمندانی می‌شود که می‌گوید زبان آن چیزی است که باعث شکل‌گیری سوژه و ذهن می‌شود.

لکان متاثر از سوسور زبان را مطرح می‌کند. مقداری یاکوبسن هم هست ولی بیشتر متاثر از سوسور که زبانشناسی ساختارگراست این را مطرح می‌کند که زبان است که شکل‌دهنده ذهن است. البته تغییر بزرگی در اندیشه سوسور به‌وجود می‌آورد. وی می‌گوید بین دال و مدلول- این بحث تخصصی زبان‌شناسی است- ارتباطی برقرار است و مدلول است که شما را به‌سمت دال هدایت می‌کند و اینها با هم اتحادی برقرار و نشانه را ایجاد می‌کنند و نشانه‌ها نیز با تفاوت‌هایی که دارند باعث می‌شوند کلمات را فهم کنیم. این تعریفی کلی از سوسور است.

لکان ولی تغییر بزرگی به‌وجود می‌آورد و می‌گوید این مدلول نیست که ما را به‌سمت دال هدایت می‌کند، بلکه دال است که ما را به‌سمت مدلول هدایت می‌کند و [مدعی است] حتی همین کار را نمی‌تواند بکند و دال نهایتا می‌تواند به‌سمت یک دال دیگر هدایت کند. این یک تغییر خیلی بزرگ است، یعنی رد شدن از مدرنیسم به‌سمت پسامدرنیسم، یعنی رد شدن از عقل خودبنیاد به عقل پسامدرن و دگربنیاد. این تغییر توسط لکان به‌وجود می‌آید.

حالا وی با چنین نگاهی بررسی می‌کند که این نارضایتی چرا شکل می‌گیرد. می‌گوید بچه که به‌دنیا می‌آید تا زمانی که زبان باز نکرده، فقط تصویر می‌بینید و با محیط پیرامونی‌اش از طریق تصویر ارتباط برقرار می‌کند. لکان به این دوره، ساحت خیالی می‌گوید و در این ساحت است که ناخودآگاه شکل می‌گیرد. از ۶ تا ۱۸ ماهگی بچه با وضعیتی روبه‌رو می‌شود که لکان نام «مرحله آیینه‌ای» روی آن می‌گذارد. مرحله آیینه‌ای، مرحله بسیار مهمی است. این آیینه حالا نمادین است و خود لکان هم اشاره دارد که آیینه نماد است و منظور آن چهره و تصویر پیرامونی ماست. بچه خودش را در آیینه می‌بیند، تا قبل از اینکه خود را در آیینه ببیند، فکر می‌کند جزئی از جهان است و استقلالی از خود ندارد و تکه‌ای از همین محیط پیرامون است. به همین دلیل است در روانشناسی بر این باور است که کودک از شست پا تا عروسکش را در دهان می‌گذارد؛ چراکه تفاوتی بین‌شان قائل نیست و همه‌چیز برایش مثل تکه‌های پازل در هم و برهم است ولی وقتی خودش را در آیینه می‌بینید با یک تصویر منسجم مواجه می‌شود. حالا این آیینه می‌تواند چهره پدر و مادرش یا چهره دیگران باشد، می‌تواند تصویری از بیرون باشد. می‌بینید که انسجام و استقلالی برقرار است. این مرحله آیینه‌ای باعث می‌شود آن تصویر منسجمی که در آیینه دیده شده است، هدف این بچه شود. فانتزی این‌طور شکل می‌گیرد، یعنی کودک به‌سمت این می‌رود که می‌گوید من این استقلال و شکل منسجم و نظم و هارمونی و آنچه را اینجا می‌بینم، می‌خواهم و به‌سمت این می‌رود که فانتزی تولید کند. چطوری؟ این فانتزی در فارسی ترجمه‌های متفاوتی شده ولی در یکی از کتاب‌ها دیده‌ام که آن را به «آرمان» ترجمه کرده بودند. به‌نظرم نزدیک‌ترین ترجمه به واژه فانتزی است، چون زبان ما برای ترجمه این مفاهیم مشکل دارد ولی همان آرمان تا حدی می‌تواند مقصودمان را افاده کند.

حالا او می‌خواهد فانتزی تولید کند ولی ابزارش را ندارد. ابزارش چیست؟ ابزارش زبان است و کلمه. این باید وارد ساحت نمادین شود. این واژه دانش واژه تخصصی ژاک لکان است. بعد از ساحت خیالین وارد ساخت نمادین می‌شود و شروع به آموختن زبان می‌کند تا یک فانتزی تولید کند. چرا؟ برای اینکه به آن انسجام و نظم و هارمونی که در تصویر دیده است، دست پیدا کند. فانتزی تولید می‌کند و این فانتزی یک یا چند میل در خودش دارد. میل که در او شکل می‌گیرد، عامل تحرک و پویایی به‌سمت آن هدف می‌شود.

**چرا فرد به‌سمت هدف می‌رود ولی باز ناراضی می‌ماند؟**

بگذارید از اینجا به بعد به‌جای واژه بچه از سوژه استفاده کنیم. سوژه، فانتزی را تولید می‌کند و می‌خواهد به‌سمت آن هدف برود و میل را هم تعریف کرده و یک‌سری امیال برایش به وجود آمده است و برای اینکه این امیال به‌نوعی شما را به‌سمت آن فانتزی حرکت بدهد و هدایت کند. شما به آن سمت حرکت می‌کنید، چه‌بسا به فانتزی هم دست پیدا کنید ولی به محض اینکه به آن می‌رسید، می‌بینید که هیچ اتفاقی نیفتاده. این در زندگی روزمره خیلی جریان دارد. در زندگی همه ما هست که هدفی را برای خودمان تعریف می‌کنیم و لحظه‌ای که به آن دست پیدا می‌کنیم، می‌گوییم یعنی همین بود؟! این چیزی نبود که من می‌خواستم. خود شما نیز شاید با این مساله مواجه شده باشید.

**بله، فکر می‌کنم سوژه انسان جدید همین شکلی است و مدام...**

من فکر می‌کنم کسی نیست که این مقوله را درک نکرده و این تجربه را نداشته باشد که هدفی را تعریف کرده باشد و وقتی به آن دست پیدا می‌کند، می‌بینید که این آن نبود و چیزی نیست و چرا من این همه برایش وقت گذاشتم. این نارضایتی شکل می‌گیرد و دقیقا در لحظه‌ای که به هدف دست پیدا می‌کنید، انگار که پشت سر گذاشته شده و هیچ اتفاقی نیفتاده است و حسی از اینکه این هدف نتوانست محقق شود یا اینکه محقق شد و آنی نبود که من می‌خواستم، سوژه را دربر می‌گیرد. لکان می‌گوید چرا این امر به وجود می‌آید؟ به خاطر اینکه دال، شما را به مدلول نمی‌رساند و دال، شما را به دال دیگری هدایت می‌کند. ذهن ما با زبان شکل گرفته، پس فانتزی ما با زبان شکل گرفته است، زبان هم نظام دِلالی و دال و مدلول است ولی دالی که توانایی ندارد شما را به مدلول برساند. ناتوان است از اینکه شما را به امر واقع، واقعیت و اینکه هدف‌تان در امر واقع محقق شود، برساند. چرا؟ چون دال شما را به دالی دیگر می‌رساند و امر واقع به عقیده لکان از نمادین شدن یا زبانی شدن و در ساحت زبان در آمدن تن می‌زند، یعنی اصلا امر واقع نمی‌تواند نمادین شود و در ساحت واقع محقق شود، به همین خاطر در یک لحظه می‌بینیم که این آن نیست، فلذا نارضایتی و تصور و باور به شکست شکل می‌گیرد.

در مشروطه اتفاقات کمی نیفتاد. مجلس تشکیل شد. قانون نوشته شد و عدالت‌خانه تاسیس شد و اتفاقات متعددی افتاد و اصلا واژه‌های بسیار زیادی وارد کشور شد و این گفتمان در عرصه عمومی تغییر کرد و اینها اتفاقاتی بود که در عرصه مشروطه افتاد ولی به‌محض اینکه فرمان امضا شد و مجلس تشکیل شد، یک عده شروع کردند و گفتند که نه، مشروطه این نیست و اصلا چه کسی گفته که مشروطه این است؟ من آمدم و این را تطبیق دادم و گفتم که در دوره مشروطه و نیمه‌دوم عصر ناصری هم ما با آیینه مواجه شدیم. این آیینه، غرب بود. ما حالا به‌خاطر شرایط خاصی که در آن زمان به‌وجود آمد، فرستادن افرادی برای تحصیل به آنجا و رفت و آمد تجار به آنجا، رفت و آمد مردم حتی برای سیاحت به غرب سبب شد که سوژه در ایران یک تصویر منظمی ببیند که این تصویر، انسجام و شکل و شمایل خوبی دارد و جذاب است. اینجاست که می‌آید و فانتزی تولید می‌کند و می‌گوید که من می‌خواهم مثل این تصویر باشم.

حالا چه فانتزی باید تولید کند؟ قبل از اینکه فانتزی تولید کند نیاز به زبان دارد. اینجاست که ما می‌بینیم مفاهیم متعدد، شروع به وارد شدن می‌کنند. حالا آن موقع، کلمات فرانسوی بیشتر می‌آمد و حتی نمی‌توانستند ترجمه کنند. این مفاهیم با شتاب خیلی زیاد و با گستردگی عجیبی وارد می‌شود و باعث می‌شود که ما وارد ساحت نمادین شویم؛ یعنی همان‌طورکه لکان می‌گوید که کودک بعد از مرحله آینه‌ای وارد ساحت نمادین می‌شود، ما نیز با یک سری مفاهیم جدید وارد ساحت نمادین می‌شویم و شروع به فانتزی ایجاد کردن می‌کنیم که من در این کتاب اسمش را «فانتزی ترقی» گذاشته‌ام. در کتاب به‌دلایل متعددی نیز برای این نامگذاری اشاره کرده‌ام. حالا از نظر لکان فانتزی در درون خودش، میل را نیز به وجود می‌آورد، آن موقع میلی که به وجود آمد عمده‌ترینش میل به حکومت قانون بود. اینها همه در دوره مشروطه اتفاق افتاد. ما گفتیم که اگر حکومت قانون

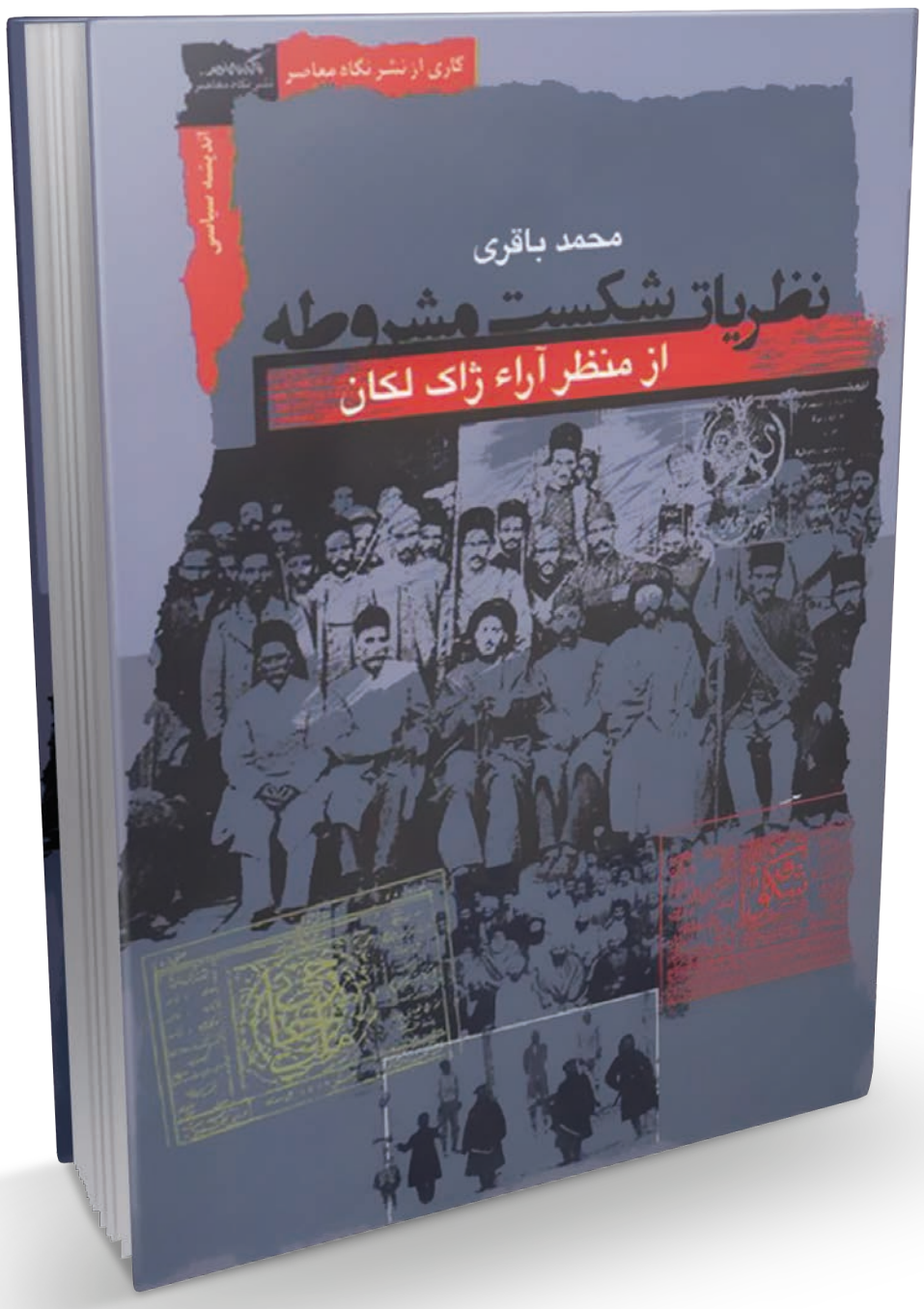


ادامه در صفحه ۱۵

اتفاق بیفتد و قانون حاکم بشود، ما به ترقی دست پیدا می‌کنیم اما تا یک حدی این اتفاق‌ها افتاد ولی نقدها به مشروطه شروع شد. یعنی میل ما یک دال بود، فانتزی ما یک دال بود. همیشه این‌طوری است که میل‌ها و فانتزی‌ها یک دال هستند و اینها به مدلول منتهی نمی‌شوند و باعث شکل‌گیری نارضایتی می‌شوند. لذا آمدیم و گفتیم که مشروطه شکست خورد.

**آدم به رسائل دوران مشروطه که نگاه می‌کند، از حجم زیاد این رساله‌ها تعجب می‌کند که آدم‌های مختلف با دیدگاه‌های مختلف از حوزه بگیرید تا روشنفکران در مورد مشروطه حرف می‌زنند. خود این گستره جای تعجب دارد؛ چراکه یک دیدگاهی وجود دارد که فکر می‌کند مشروطه فقط دعوای شیخ‌فضل‌الله و ملکم‌خان است. انگار دعوا خیلی گسترده‌تر از اینهاست. می‌توان در مورد کسانی که در خود مشروطه بوده‌اند این‌طور تفسیر کرد ساحت نمادینی که شکل گرفته بود، این افراد دچار یک آشفتگی شده بودند و یک علتش شاید حجم زیاد مطالبی بود که به آن می‌پرداختند؟**

حتما همین‌طور است. این مفاهیم که وارد شد -حالا این خیلی به موضوع ما ربطی ندارد- به‌خاطر اینکه ساحت‌های نمادین متفاوت بود، مفاهیم دچار تفسیرهای متعدد شد. ما مثلا آخوندزاده را داشتیم که خودش جزء واردکنندگان مفاهیم بود. طالبوف را داشتیم. میرزا آقاخان کرمانی را داشتیم که اینها همه مفاهیم زیادی را وارد کردند. آن مفاهیم در غرب زاده شده و شکل گرفته و هویت پیدا کرده بودند، و وقتی اینها را وارد می‌کردیم، در ترجمه و فهم آن می‌ماندیم. البته ما هنوز نیز با این مشکل مواجهیم. شما مثلا ببینید که یک مفهومی مثل سکولاریسم، کتاب‌ها در موردش نوشته شده است ولی هنوز سر آن دعواست که سکولاریسم چیست؟ بالاخره ما باید تکلیف‌مان را با این مفهوم معلوم کنیم؛ چراکه مثلا ما اندیشمندی داریم که می‌گوید اسلام دین سکولار است و به‌خاطر تفسیر خاص خودش، دلایل خودش را هم دارد. از طرف دیگر تفاسیر دیگری شده که می‌گوید اسلام با سکولاریسم سازگاری ندارد. ما هنوز هم درگیر این قضیه هستیم و همین هم شد که یک کسی مثل میرزای نایینی آمد و گفت که «هذا بضاعتنا ردت الینا» ما همه اینها را داشته‌ایم و الان رفته آنجا [در غرب] و دارد به خودمان برمی‌گردد.

**یک تفسیری است که الان هم هست.**

بله، این به خاطر این است که اینها با این ظرافت‌های زبانی بیگانه بوده و آشنا نبودند وگرنه مفهوم آزادی که غرب است، ما نمی‌توانیم بگوییم که «هذا بضاعتنا ردت الینا». آن آزادی هویتش با آزادی‌ای که در ایران یا آموزه‌های اسلامی‌ای که ما به‌دنبالش هستیم، فرق دارد. مابقی کلمات هم همین‌طور است. دموکراسی، پارلمان، قانون و یک عالمه مفهوم جدید...

**فهمی که از «مردم» می‌شود، متفاوت است؛ به‌عنوان «شهروند» یا «جامعه مدنی» که ما مدام مطرحش می‌کنیم.**

بله، همه متفاوت است. ما هنوز که هنوز است درگیرش هستیم و امروزه یکی از مشکلات علوم انسانی همین آشفتگی مفاهیم است که همه نیز به آن اذعان دارند. شما ببینید که اگر دو نفر جلوی هم بنشینند یکی جامعه‌شناس، دیگری فلسفه‌دان و یکی هم فلسفه‌خوان باشد، اینها وقتی که از «ایده‌آلیسم» صحبت می‌کنند، این دو «ایده‌آلیسم» با هم متفاوت است؛ چراکه یکی بعد «آرمان‌گرایی» و دیگری «ذهن‌گرایی» را می‌گوید. این آشفتگی مفاهیمی که ما در علوم انسانی داریم، خودش آفتی است که الان وجود دارد ولی خیلی به‌لحاظ لکان ربط ندارد. بله جاهایی اگر بحث ادامه پیدا کند، راهکارهای وجود دارد که جلوی این آشفتگی مفاهیم گرفته شود. ما این آشفتگی مفاهیم را این‌طور می‌توانیم به لکان وصل کنیم که دال به دال دیگر می‌رسد یعنی عین لغتنامه. لغتنامه چطور یک مفهومی را گذاشته است و جلوی آن یک توضیحی گذاشته، زبان نیز همین است؛ این دال شما را به یک دال دیگر هدایت می‌کند. اگر ما می‌گوییم مفهوم «عدالت»، این ما را به مدلول نمی‌رساند بلکه به یک دال دیگر می‌رساند. اگر از مفهوم «آزادی» صحبت می‌کنیم، دوباره به یک دال دیگر می‌رسیم. حالا می‌توان جلوی این لغزندگی را گرفت. لکان یک ایده‌ای دارد که می‌گوید می‌توان جلوی این شناور بودن دال‌ها را گرفت. حالا در ادامه بحث توضیح می‌دهم.

**قبل از اینکه به بحث شناور بودن دال‌ها بپردازیم، شما در مورد کسانی که درباره مشروطه دیدگاه‌هایی داشتند از کاتوزیان گرفته تا آجودانی و دیگران، به نحوی نقدهایی وارد کرده‌اید. این کتاب شما به همه اینها و هر کسی از یک زاویه زده است. گفتیم که با دید تاریخ‌نگاری مرسوم بعضی از زوال سیاسی صحبت کردند و برخی انحراف را عامل شکست مشروطه دانستند. حتی برخی از نحله‌هایی که بعد از انقلاب زیاد شد، فراماسونری و امثالهم را مطرح کردند که آقای زرشناس نمونه‌اش است. ممکن است همه اینها در سطوحی درست نیز باشد که من نیز روی آن بحثی ندارم. نکته‌ای که وجود دارد این است که این کتاب می‌گوید ما اگر بخواهیم بحث‌مان را این‌گونه طراحی کنیم، اتفاقا امروز نیز به این آشفتگی دچار خواهیم شد، یعنی فهم‌های متفاوت در امر نمادینی که در مشروطه داریم و بعد امر واقعی که می‌آید می‌گوییم که ما این را نمی‌خواستیم.**

البته این را بگویم که اصلا بحث ما فهم اشتباه یا درست نیست. من ادعایی ندارم یا بحث اصلا این نیست که وقتی ما مشروطه می‌گوییم، این معنای درستی دارد و معنای درستش نیز این است. کلمات یا ذات دارند یا ذات ندارند. بعضی‌ها می‌گویند که مفاهیم ذات دارند و سراغ ذات آن می‌روند و برخی مثل نومالیست‌ها می‌گویند که مفاهیم ذات ندارند و مفهوم را از ذات تهی می‌دانند. اصلا بحث درست و غلط نیست و بحث این نیست که ما به معنای درستی رسیدیم یا نه. چون به عقیده من مفهوم اگر ذات هم داشته باشد، آن ذات، قابل دسترسی نیست. این عقیده شخصی من نیست. حتی واحدهای مغز هم نمی‌شود گفت که ذات دارند یا ندارند. آنهایی که به دنبال مفهوم درست و غلط هستند، می‌گویند که این مفهوم ذات دارد و ما می‌خواهیم به ذاتش برسیم و به ذاتش نیز رسیدیم پس معنای درست این است. اصلا وارد این بحث نمی‌شویم چون به نظر من به فرض اینکه مفهوم ذات معنا داشته باشد، آن ذات قابل دسترسی نیست. لذا ما نمی‌توانیم بگوییم که الزاما فلان تعریف از مشروطه، تعریف درستی است و فلان تعریف، تعریف غلطی است. ما اصلا به این کاری نداریم و وارد این موضوع نمی‌شویم. چیزی که اهمیت دارد و باید روی آن دست بگذاریم این است که به این وحدت رسیده شود. لکان یک دانش واژه‌ای دارد که به «دکمه پرچ» ترجمه شده، به «نقطه آجیدن» و مفاهیم متعددی ترجمه شده است. حتما دیده‌اید که روی تشک‌های مبل، میخ‌هایی می‌کوبند برای اینکه این ابری که در زیر مبل وجود دارد، یک جا تثبیتش کنند.

نقطه پرچ همینجاست. لکان این را می‌گیرد و می‌گوید که ما باید این‌طور جلوی شناور بودن دال را بگیریم. یعنی یک میخی بکوبیم و بگوییم که اگر مشروطه و قانون و پارلمان و عدالت می‌خواهیم، بنشینیم و با هم به اجماع برسیم و نقطه را به یک جایی بکوبیم و یک تعریفی بدهیم و بگوییم که عدالت امروز تا پنج سال دیگر که می‌خواهد تغییر کند، امروز همه این معنا را از آن مراد می‌کنیم. می گوییم که به این معناست و عدالت این معنای خاص را می‌دهد. این دکمه را رویش می‌گذاریم تا جلوی لغزندگی و شناور بودنش را بگیریم تا این دعواها به وجود نیاید و تکلیف هم معلوم باشد. تا فردا روز هم اگر شما به این عدالت دست پیدا کردید بگویید که ما عدالت را این‌گونه تعریف کرده بودیم و به این نیز دست پیدا کردیم؛ نه اینکه یک مفهومی را وارد کنیم و هزار جور نیز از آن تفسیر بشود و شما نیز به سمتی یکی حرکت کنید و آن ۹۹۹ تای دیگر بگویند که نه این عدالت نیست و ما نرسیده‌ایم و هدف محقق نشد.

این بحث خیلی مهم است. ژیژک می‌گوید که وظیفه ایدئولوژی هست که این میخ را بکوبد. این کار ایدئولوژی است. ما امروز هم مشکل آشفتگی مفاهیم داریم. ما بعد از انقلاب هم این مساله را داشتیم. کسانی که در بطن انقلاب بودند می‌گویند که ما دنبال آزادی بودیم ولی منظورمان این نبود. ما دنبال استقلال بودیم ولی منظورمان این نبود. ما دنبال عدالت بودیم ولی منظورمان این نبود. شما حتما با این حرف‌ها مواجه شده‌اید. این به‌خاطر اینکه ایدئولوژی نتوانسته است مثل یک چتر و نقطه پرچ عمل کند و بیاید و بگوید که عدالتی که من الان از آن دم می‌زنم منظورم این است، به این معناست و مردم را نسبت به این قانع کند و همه به سراغ این بیایند. حالا درست است که عدالت هزار جور معنا دارد ولی ما منظورمان این است و به این سمت نیز می‌رویم. این کار ایدئولوژی هست و ما امروزه شاهد ضعف ایدئولوژی هستیم. ما اگر می‌بینیم که همچنان سر مفهوم آزادی همچنان از بطن انقلاب تا به امروز دعوا هست یا در دوره مشروطه نیز «آزادی» آفت جان مشروطه‌طلبان شد یعنی آزادی، هرج‌ومرجی را به وجود آورد که هزار مشکل ایجاد کرد. این به‌خاطر این است که ایدئولوژی این نقطه پرچ را بزند و جلوی لغزندگی دال را بگیرد.

**نمی‌خواهم سوالی که ناظر بر وضعیت روز می‌پرسم خیلی سویه سیاسی بگیرد. یکی از نکاتی که در اعتراضات سال ۹۶ و در اتفاقات اخیر نیز بود و من خیلی در مقابلش ایستادگی کردم، تفسیری بود که می‌گفت نیاز داریم تا شکلی از سطوح امر نمادین را در همه شکل قبول کنیم. مثل فیلم‌های فرهادی انتهای بازی را برای همه چیز لحاظ می‌کردند. دلیل مخالفتم هم این بود که به نظرم دوباره دارد ما را وارد دورباطلی می‌کند کما اینکه در مشروطه و انقلاب اسلامی ما همین‌ها را دیدیم. به همین خاطر تا به‌اصطلاح شما چیزی کوبیده نشود نمی‌توان در ساحت حکمرانی...**

این آفت‌های نگاه‌های پست‌مدرنیستی است که در ایران از بیست سی سال گذشته وارد دانشگاه شد. پست‌مدرنیسم اینقدر که در ایران طرفدار دارد در خود غرب ندارد. پست‌مدرنیسم، همین بحث پایان باز، همین بحث نسبی‌گرایی محض، این نگاه... ما باید یک تفکیکی قائل باشیم. این مال خود فرد شاید باشد و بگوید که من به نسبیت اعتقاد دارم و خط قرمزی در ذهنم نمی‌گذارم و هر سوالی که دوست داشته باشم می‌پرسم و طرف هر چیزی که بخواهم بروم، می‌روم و پژوهش می‌کنم. زمانی ما با فرد مواجه هستیم و زمانی با جامعه طرف هستیم. جامعه را نمی‌توان با نسبیت مدیریت کرد. جامعه حتما نیاز به قانون و چیزی دارد تا این جامعه را قوام بدهد و در کنار هم نگه دارد وگرنه اگر بخواهیم چنین بحث‌هایی را مطرح کنیم، جامعه از هم می‌پاشد و چه بسا یک عده اعتقاد دارند که واقعا ما به لحاظ علمی در ایران جامعه نداریم. یعنی از بس این نگاه پست‌مدرنیستی ریشه دوانده است و این نگاهی که من این‌طوری فکر می‌کنم، من این‌طوری دوست دارم و همینی که هستم را بپذیرید. خب این در جامعه جواب نمی‌دهد. هیچ جامعه‌ای در هیچ جای دنیا، این‌طور لجام‌گسیخته نیست. من فکر می‌کنم ریشه این به ادبیات پست‌مدرنیستی برمی‌گردد که خیلی سال است وارد جامعه ایران شده و متاسفانه در جامعه گسترده شده و دارد تبعات خودش را نشان می‌دهد.

**کتابی از شما را وقتی یکی از اهل فضل مشهد خوانده بود، چون شما را نمی‌شناخت از من پرسید که چه شد که مردم ما هم در مشروطه و هم در این اعتراضاتی که در سال‌های اخیر داشتیم، بدون اینکه ساختارگرایی و پساساختارگرایی را بخوانند، پست‌مدرن شدند؟ واقعا چه شد؟**

ما متاثریم، متاسفانه. این حرف خیلی جدی است که ما بدون اینکه مدرن را بفهمیم، بدون اینکه مدرنیسم را بفهمیم و درک کنیم، پست‌مدرن شدیم. این حرف جدی است منتها باید ریشه‌یابی شود. من الان می‌توانم همینجا بداهه‌گویی کنم و یک سری عقاید شخصی‌ام را بگویم ولی اینها نیاز به کار علمی دارد تا ما ببینیم که جامعه ایران چه خصوصیاتی دارد که به چنین وضعیتی درآمده است و چرا پست‌مدرنیسم توانست اینقدر در ایران طرفدار پیدا کند. اینها به نظر من ریشه‌های تاریخی و اجتماعی دارد و ریشه‌هایش بسیار ستبر و قطور نیز هست. چون دو سه هزار سال ریشه هست تا امروز ما، این‌گونه هستیم. اینها باید بررسی شود تا ببینیم که چه اتفاقی افتاده است که ما به این روز افتادیم که روزهای خوشایندی نیز نیست، ولی هست.

**نکته‌ای اگر در پایان دارید، بفرمایید.**

درمورد کتاب هم باز تاکید می‌کنم که این برای توسعه ادبیات موضوع هست و این کتاب هیچ ادعایی ندارد و نوعی نگاه متفاوت است که چرا ما هدفی را که تعریف می‌کنیم وقتی به آن می‌رسیم، به شکست آن رای می‌دهیم. این کتاب یک جور نگاه متفاوت است که ترکیبی است از روانشناسی، فلسفه، شناخت‌شناسی، زبان‌شناسی و تاریخ و جامعه‌شناسی. بسیار بین‌رشته‌ای، سنگین، ثقیل و پیچیده است. اتفاقا نقدی که به من درمورد این کتاب می‌کنند، مثلا دکتر کاشی به من فرمودند که شما آمدی و لکان را خیلی راحتش کردی؛ یعنی لکان بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. من به دکتر کاشی گفتم که اتفاقا من از قصد این کار را کردم. چندین سال طول کشید تا من خودم لکان را بفهمم و تمام تلاشم را کردم تا آن را طوری عرضه کنم که قابل فهم باشد. دوست دارم به این نکته هم اشاره کنم که لکان اندیشمند بسیار مهمی است و در ایران به‌خاطر پیچیدگی بسیار زیادش در ایران، مغفول واقع شده است وگرنه آنقدر که فوکو در ایران دارای اقبال هست اگر به لکان اقبال می‌شد، ما نتایج بهتری می‌گرفتم. این را ادعا می‌کنم. لکان استاد فوکو بوده است و فوکو در درس‌گفتارهای لکان شرکت می‌کرده است. دریدا در درس‌گفتارهایل شرکت می‌کرده و از او تاثیر پذیرفته است. لکان به نظرم قابلیت و انعطاف و ظرفیت بیشتری برای بررسی مشکلات امروز ایران دارد. امیدوارم این کتاب بتواند یک مقدار لکان را بیشتر به اندیشمندان و پژوهشگران ما بشناساند و بیشتر به این سمت بروند که به جای اینکه روی فوکو کار کنند، روی لکان کار کنند چراکه به نظر من خیلی از مشکلات ما را با نگاه بهتری ارزیابی می‌کند.

> ما جنبش مشروطه را داشتیم -حالا چون از همان اول این باور به وجود آمد، دست روی مشروطه گذاشتم ولی در همه جنبش‌ها [این هست]- سربداران و قیام مختار و نهضت جنگل و ملی شدن صنعت نفت را داشتیم ولی در همه اینها بعد از یک مدتی آمدند و گفتند که این شکست خورد و فایده نداشت. مگر ما می‌توانیم بگوییم که یک جنبش یا تحرک اجتماعی یا یک انقلاب بدون اثر باشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ حتما یک تاثیری داشته است. حداقل اینکه در گفتمان جامعه تاثیر داشته است یا اینکه گفتمانی شکل گرفته و آن جنبش را به وجود آورده است. بالاخره موثر بوده است و یک تاثیری داشته است ولی آن باور به شکست که به وجود می‌آید همه آن تاثیرها را منکر می‌شود و می‌گوید که شکست اتفاق افتاده و آن جنبش محقق نشده است

## گزارش خلاصه برنامه خط پیرامون سیاستگذاری فرهنگی در حوزه حجاب و عفاف

# دیالکتیک سرمایه اجتماعی و حکمرانی

### اقبالی: رها شدن حجاب به یارگیری از قشر خاکستری جامعه منجر نمی‌شود

### حسینی: حاکمیت باید سرمایه اجتماعی خود را احیا کند

**اساتید مدعو:**

**۱. دکتر ابوالفضل اقبالی، پژوهشگر حوزه خانواده و جنسیت، مدیر اندیشکده زن و جامعه**

**۲. دکتر سیدکمیل حسینی، پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی و جنسیت، مدیر موسسه آرمانا**

سیدکمیل حسینی در ابتدا با تشریح ابعاد حوزه سیاستگذاری گفت: «حوزه تصمیم‌گیری دو جنبه مهم دارد که به‌عنوان جنبه نرم و سخت تصمیم‌گیری به آن اشاره می‌کنم. جنبه نرم آن معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تصمیم است که به‌شدت در آن ضعف داریم و جنبه سخت آن فرآیند بروکراتیک این مساله است. مثلا در مورد حجاب، گلوگاه این ماجرا در همان وجه‌های سخت و نرم تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد که اگر اصلاح شود می‌توان امید داشت که در بخش‌های دیگر نیز روند اصلاح شود. وی با تحلیل نسبت فقه و احکام اجتماعی و تاکید بر این مساله که بین حکم و روش اجرای اجتماعی آن تفاوت عمل وجود دارد و نیاز است تا در زمینه اجرای احکام به‌نظر کارشناسان توجه شود، عنوان کرد: «این وظیفه پژوهشگر نیست که فضای چند ده میلیونی را مورد بررسی قرار دهد و وظیفه حاکمیت است. مثلا من معتقدم نقطه ورود در مساله حجاب باید جایی باشد که سرمایه اجتماعی وجود دارد. بعد از من می‌پرسند که ما سرمایه اجتماعی را کجا داریم. درحالی‌که من نمی‌توانم بفهمم که این سرمایه اجتماعی دقیقا کجا وجود دارد، بلکه این وظیفه حاکمیت است که با دارا بودن امکانات پول و قدرت بتواند موقعیت مناسب وجود سرمایه اجتماعی را پیدا کند.»

پژوهشگر حوزه خانواده بر این نکته تاکید و اضافه کرد: «چیزی که من متوجه می‌شوم این است که حاکمیت اسلامی برای تربیت و عدالت است. اگر من به‌عنوان حاکم اسلامی بفهمم که یکی از قوانین من در خدمت تربیت و عدالت نیست باید به آن شک کنم. چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که اعمال فشار بی‌ضابطه در مورد سبک زندگی، ضد تربیت اجتماعی است.»

سیدکمیل حسینی با اشاره به نقش نظام اسلامی در جامعه گفت: «از نظر من حاکمیت دستگاه فقط اجرای حدود الهی نیست. برای همین منظور حاکمیت باید کف خیابان پیمایش و بررسی کند تا ببیند نتیجه رفتار و حکم من چیست. پس وظیفه این نیست که فقط حدود را اجرا کند و به مابه‌ازای آن در جامعه توجه نکند.» وی در پایان افزود: «من معتقدم اگر کنش عقلانی صورت گیرد، مسیر می‌تواند تغییر کند؛ چراکه سرمایه اجتماعی می‌تواند احیا شود. اگر سرمایه اجتماعی احیا شود، حجاب نیز احیا خواهد شد.»

ابوالفضل اقبالی با اشاره به وجود خلأها در حوزه حجاب و عفاف و وجود یک روند صد ساله در تغییرات این حوزه بر این نکته تاکید کردند: «اولین نکته فهم پیچیدگی‌های مساله حجاب است که این در حکمرانی چهار دهه گذشته دقت کافی برای فهم این پیچیدگی‌ها وجود نداشته است و یک ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حوزه حجاب صورت گرفته است. حجاب در شرایط کنونی دارای ابعاد متعددی است و سویه‌های مختلف فرهنگی اقتصادی سیاسی اجتماعی دارد، درحالی‌که رویکرد ما شامل تمام این ابعاد نبوده و عزم جدی‌ای برای ورود به حوزه لباس و پوشاک وجود نداشته یا درباره تصویر حجاب و بازنمایی آن در فضای رسانه خلاف گفتمان انقلاب اسلامی عمل شده است.»

وی با تاکید بر پویایی فقه شیعی در بررسی مسائل اجتماعی گفت: «اگر امامین انقلاب را به‌عنوان معیار در حکمرانی قرار دهید به‌عنوان نماینده فقه شیعه می‌بینیم که تعامل بسیار موثری با جامعه بدنه نخبگان داشته‌اند. در موضوع کارشناسی قرار نیست فقیه به عدد تمام کارشناسان حکم خود را تغییر دهد، اگرچه بر اساس تغییر موضوع و تحولات موضوع حکم تغییر می‌کند اما این موضوع‌شناسی سازوکارهایی دارد. اما در موضوع حجاب اینگونه نیست که مثلا یک جامعه‌شناس بگوید حجاب باعث تضاد مردم با دین می‌شود و فقیه نیز حکم حجاب را تغییر دهد. کما اینکه نظرات کارشناسان نیز همگن نیست و مثلا در همین موضوع حجاب تعدد نظرات وجود دارد.»

اقبالی با اشاره به حساسیت موضوعات فرهنگی در دنیای امروز گفت: «شما در تحلیل‌هایتان باید ابعاد سیاسی امنیتی حجاب و کشف حجاب را ببینید و بعد درباره تقدم فعالیت فرهنگی بر فعالیت سیاسی صحبت کنید. جنس تحولات حجاب جنس فرهنگی و سبک زندگی است، اما الان سیر تطور را نمی‌توان با همان ادبیات دهه ۷۰ توضیح داد.»

اقبالی با اشاره به سخنان حسینی پیرامون اهمیت نظر جامعه عنوان کرد: «سوال اینجاست که اولویت‌ها در سیاستگذاری از کجا اخذ می‌شود، احتمالا اختلاف من با آقای حسینی اینجاست. وی احتمالا قائل به این مساله است که اولویت‌ها را باید از جامعه و میدان اخذ کنیم. مشخصا در مورد حجاب، حجاب قانونی و الزامی، مثلا اگر ۶۰ درصد از جامعه بگویند که حجاب نباید باشد، شما باید قانون حجاب را تعطیل کنید؟ اما من قائلم که شما اولویت‌ها را باید از پشتوانه‌های گفتمانی معرفتی اخذ کرده و میدان را در مقابل تصمیم خود قانع کنید. یعنی اسلامیت است که به ما مشروع‌ها را نشان می‌دهد، اما جمهوریت است که به شما نشان می‌دهد که آیا مقبول هستید یا نیستید. اما این مقبولیت و واکنش‌هایی که از سمت جمهور به‌سمت قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌آید اولویت‌ها را تغییر نمی‌دهد.»

این پژوهشگر حوزه خانواده با تاکید بر نقش رسانه‌ها در تصویرسازی از واقعیت و ضعف گفتمان انقلاب اسلامی در ساخت روایت درست، گفت: «من پاشنه آشیل حکمرانی فرهنگی را در گفت‌وگو با مردم می‌دانم. ما مردم را قانع نکردیم و روایت دست‌اول نداشتیم. برای همین است که در مورد حجاب، خانواده و طلاق، جمعیت و... به مشکل خورده‌ایم.» اقبالی در پاسخ به مساله وظیفه حکومت اسلامی تاکید کرد: «از نظر من وظیفه حکومت اسلامی نه تربیت است و نه عدالت، بلکه اقامه حدود الهی است. تکلیف شما در ظرفیت‌ها و توانایی‌های شما تعریف می‌شود. مثلا در حکم حجاب الان نمی‌توانیم مساله وجه و کفین را اجرا کنیم، چرا؟ چون ۷۰ درصد جامعه شما از این مساله گذر کرده‌اند. حکم حجاب مشخص است که وجه و کفین است و در پاسخ به مساله این نوشته می‌شود اما در حکم اجرای آن در جامعه نمی‌توان آن را اعمال کرد. اما در بحث کشف حجاب آمارها نشان می‌دهد حدود ۵ الی ۱۰ درصد مردم با این مساله مواجه هستند و خب طبیعتا می‌شود آن را با احکام مختلف کنترل کرد.»

این پژوهشگر با اشاره به تاثیر ابعاد مختلف جامعه بر مساله حجاب و رد دیدگاهی که معتقد است پافشاری بر مساله حجاب به ضرر حاکمیت است، گفت: «آنچه دل مردم را نسبت به حاکمیت سرد می‌کند بحث شرایط اقتصادی و رسانه است. اتفاقا رها شدن حجاب، یارگیری از قشر خاکستری برای حاکمیت نخواهد کرد بلکه هسته سخت نظام را متزلزل خواهد کرد.»

ادامه از صفحه ۱۴

### چرا با وجود افزایش تولید، فروش خودروسازان کم شده است

# خواب ماشین‌ها در جاده مخصوص

آمار منتشرشده سال ۱۴۰۲
رشد تولید سایپا: ۳۰ هزار، کاهش فروش: ۲۱ هزار
رشد تولید ایران‌خودرو: ۳۵ هزار، کاهش فروش: ۳۳ هزار

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

بررسی قیمت‌های هفت‌ماه اخیر خودرو در بازار نشان می‌دهد قیمت خودرو از نیمه اول اسفندماه تا روزهای اخیر کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی را تجربه کرده است. کارشناسان و فعالان بازار خودرو دلیل این کاهش قیمت‌ها را ناشی از کاهش فعالیت‌های سفته‌بازان در نتیجه ثبات نسبی نرخ ارز و ثبات نسبی در شاخص‌های اقتصاد کلان، کاهش نسبی انتظارات تورمی، افزایش تیراژ تولید و امیدواری بازار از تحقق وعده واردات خودرو می‌دانند. اما در روزهای اخیر ادعاهایی مبنی بر عدم حضور دو خودروساز بزرگ کشور در مرحله سوم از فروش سامانه یکپارچه و همچنین شائبه احتکار خودرو از سوی دو خودروساز دولتی مطرح شده است. گرچه «فرهیختگان» نمی‌تواند صحت و سقم احتکار خودرو از سوی خودروسازان را تایید کند اما بررسی آمارها نشان می‌دهد فروش دو خودروساز در نیمه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته برای سایپا (پنج‌ماهه) کاهش ۱۰ درصدی و برای ایران‌خودرو کاهش ۱۲ درصدی داشته است. کاهش عرضه خودروسازان درحالی است که تولیدات گروه سایپا امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته نزدیک به ۱۸ درصد و در گروه ایران‌خودرو ۱۶ درصد رشد داشته است. پرواضح است در صورت تایید مقاومت دو خودروساز از عرضه خودرو، تنها دلیل قابل تصور برای این اقدام، عدم رضایت خودروسازان از قیمت‌های فعلی خواهد بود. اینکه درخواست خودروسازان برای افزایش قیمت چقدر است، در این خصوص برخی رسانه‌ها مدعی درخواست افزایش ۳۰ درصدی قیمت‌ها را مطرح کرده‌اند که شورای رقابت می‌گوید این ادعا درست نیست.

## کاهش ۱۲ درصدی عرضه ایران‌خودرو

نگاهی به گزارش ماهانه تولید و فروش گروه ایران‌خودرو نشان می‌دهد تعداد تولید این گروه (تولید مکانیکی) تا شهریور به ۲۵۹ هزار و ۶۳۵ دستگاه رسیده که نسبت به تولید مدت مشابه سال ۱۴۰۱ رشد ۱۵٫۸ درصدی را نشان می‌دهد. طی شش‌ماهه نخست امسال بالاترین تعداد تیراژ تولید در این گروه مربوط به گروه پژو، پس از آن مربوط به گروه دنا و گروه سمند نیز سوم است. تارا و هایما نیز در رتبه‌های چهارم و پنجم و رانا ششم است. همچنین در این گروه بالاترین تیراژ تولید مربوط به خردادماه با ۵۷ هزار دستگاه بوده که با افت شدیدی در مردادماه به ۲۸٫۶ هزار دستگاه رسیده و اما در شهریور این تعداد بار دیگر افزایش یافته و به ۴۰ هزار و ۴۰۰ دستگاه رسیده است. اما برخلاف افزایش ۳۵ هزار و ۵۰۰ دستگاهی تولید این گروه (معادل ۱۵٫۸ درصد رشد)، اما فروش گروه همانند تولید افزایشی نبوده و نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۱ روند کاهشی داشته است، به‌طوری‌که در شش‌ماهه نخست امسال فروش گروه ایران‌خودرو درحالی ۲۴۶ هزار و ۶۷۲ دستگاه بوده که این تعداد در مدت مشابه سال ۱۴۰۱ تعداد ۲۷۹ هزار و ۹۰۹ دستگاه بوده است. به عبارتی فروش این گروه نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۱ کاهش ۱۱٫۹ درصدی را تجربه کرده است. اما نگاهی به تولید و فروش امسال ایران‌خودرو نیز نشان می‌دهد تولید گروه نزدیک به ۱۳ هزار دستگاه بیش از فروش گروه بوده است. اما در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱ درحالی تولید خودرو ۲۲۴ هزار و ۱۳۵ دستگاه بوده که فروش گروه ۲۷۹ هزار و ۹۰۹ دستگاه بوده است. یعنی فروش گروه نزدیک به ۵۶ هزار دستگاه از تولید بیشتر بوده است. در اینجا یکی از ابهاماتی که مطرح است اینکه آیا در سال ۱۴۰۱ تعداد خودروهای ناقص باعث شده حجم فروش از حجم تولید به‌طور قابل‌توجهی پیش بگیرد یا خیر، فعلا نمی‌توان در این خصوص به نتیجه‌گیری خاصی رسید. در هر حال، مقایسه فروش امسال با فروش پارسال و مقایسه تولید و فروش امسال این گروه نشان می‌دهد عرضه خودرو از سوی ایران‌خودرو کمتر از تولید امسال و فروش پارسال بوده است.

## کاهش ۱۰ درصدی عرضه سایپا

بررسی وضعیت تولید و فروش گروه خودروسازی سایپا (شامل مجموع تولید و فروش شرکت‌های سایپا، پارس‌خودرو، زامیاد و سایپادیزل) نیز نشان می‌دهد در پنج‌ماهه نخست امسال (آخرین گزارش ماهانه خساپا) مجموع تولید این گروه در پنج‌ماهه نخست ۱۴۰۲ به ۲۰۰ هزار و ۹۰۵ دستگاه رسیده که نسبت به تولید ۱۷۰ هزار و ۶۲۳ دستگاه در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱ رشد ۱۷٫۷ درصدی (معادل افزایش تولید ۳۰ هزار و ۲۸۲ دستگاه) داشته است. در این گروه بالاترین میزان تولید مربوط به ماه‌های خرداد و تیرماه با حدود ۴۷ هزار دستگاه بوده که این تعداد در شهریور به حدود ۳۲ هزار دستگاه کاهش یافته است. اما برخلاف افزایش ۱۷٫۷ درصدی تولید در گروه سایپا، فروش این خودروساز در پنج‌ماهه نخست امسال ۱۸۹ هزار و ۹۳۰ دستگاه بوده که از تولید پنج‌ماهه امسال نزدیک به ۱۱ هزار دستگاه کمتر بوده و نسبت به فروش ۵ ماهه مشابه سال گذشته نیز ۱۰ درصد (معادل ۲۱ هزار و ۲۵۰ دستگاه) کمتر است. در این گروه طی پنج‌ماهه نخست، بالاترین عرضه مربوط به اردیبهشت‌ماه با حدود ۵۵ هزار دستگاه بوده که این تعداد در ماه‌های خرداد و تیرماه به ترتیب به ۴۳ و ۴۶ هزار دستگاه و در مردادماه به ۲۸ هزار و ۲۵۸ دستگاه رسیده است. به عبارتی، روند ماهانه فروش این گروه به‌طور قابل توجهی نزولی بوده است. این درحالی است که در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱ بالاترین تعداد فروش در تیرماه با ۵۶ هزار دستگاه و در مرداد با بیش از ۴۴ هزار دستگاه بوده است.

## غیبت دو خودروساز در عرضه سامانه یکپارچه

روز گذشته سپهر داد جوی توکلی، رئیس روابط عمومی مرکز ملی رقابت اعلام کرد: «قرار بود عرضه خودروها در سامانه یکپارچه هفته قبل انجام شود، اما با توجه به جلساتی که برگزار شده است احتمالا طی روزهای آینده اطلاعیه مربوط به عرضه دور سوم در سامانه یکپارچه بارگذاری می‌شود و پیش‌بینی می‌شود طی هفته جاری این عرضه در سامانه یکپارچه صورت گیرد.» خبرگزاری تسنیم در این خصوص نوشت: «به نظر می‌رسد مرحله سوم فروش خودرو به ظرفیت‌های خالی خودروسازان اختصاص پیدا کند و خبری از فروش خودروهای ایران‌خودرو و سایپا نیست.» این خبرگزاری می‌نویسد: «سپهر داد جوی توکلی درخصوص اینکه آیا این هفته خودروسازان در سامانه یکپارچه عرضه‌ای خواهند داشت یا خیر؟ گفت: «این اقدام به ظرفیت‌های خالی اعلام‌شده از سمت خودروسازان ناشی از عرضه محصول جدید یا ظرفیت‌های خالی ناشی از انصراف یا افزایش تولید بستگی دارد.» درنهایت تسنیم نتیجه می‌گیرد که: «با توجه به اظهارات رئیس روابط عمومی شورای رقابت قرار است مرحله سوم فروش خودرو به ظرفیت‌های خالی خودروسازان اختصاص پیدا کند و با این حساب خبری از فروش خودروهای ایران‌خودرو و سایپا نیست و مرحله سوم هم به خودروهای مونتاژی اختصاص دارد.» گرچه این موضوع به‌طور رسمی از سوی مسئولان شورای رقابت تایید نشده اما درصورت تایید آن این موضوع مهر تاییدی بر این ادعا خواهد بود که خودروسازان دولتی از قیمت‌های خودروها راضی نیستند و فعلا برای عرضه خودرو دست نگه داشته‌اند.

## شائبه احتکار خودرو

کاهش عرضه خودرو از سوی دو خودروساز بزرگ دولتی و به دنبال آن ادعای عدم حضور دو خودروساز در مرحله سوم از عرضه سامانه یکپارچه این روزها کمی بحث‌برانگیز شده است. در همین خصوص در روزهای اخیر خبرگزاری فارس در گزارشی با عنوان «احتکار دو خودروساز بزرگ کشور با هدف اخذ مجوز افزایش قیمت» مدعی شد که: «اطلاعات واصله از منابع آگاه حاکی از آن است که خودروسازان قصد عرضه خودروهای ثبت‌نامی را تا پیش از اخذ مجوز جدید افزایش قیمت ندارند و با دپو محصولات خود، دنبال تحریک تقاضا و برهم زدن آرامش بازار خودرو هستند.» در ادامه این گزارش خبرگزاری فارس مدعی شده است: «براساس اطلاعات واصله از یک منبع آگاه، ایران‌خودرو برخی محصولات خود را در سایت‌های تولید تهران مرکزی، خراسان و تبریز دپو کرده است. همچنین در ماه‌های گذشته این خودروساز در تحویل انواع خودروها به مشتریان سامانه یکپارچه در موعد مقرر از جمله رانا پلاس، سورن پلاس، پژو پارس و... تاخیر داشته است. همچنین طبق اطلاعات واصله، خودروسازی سایپا فاکتورکردن شاهین را کند کرده و همین اتفاق روی قیمت بازاری این خودروی تاثیر منفی گذاشته است. بررسی اطلاعات منتشرشده سایپا در سایت کدال سازمان بورس نشان می‌دهد این خودروساز در مرداد فقط ۲۶ درصد از شاهین‌های تولیدی خود را برای مشتریان فاکتور کرده است، این اتفاق سبب شده تا قیمت بازاری این خودرو در بازه یک‌ماهه مرداد ۱۴۰۲ افزایش ۵٫۵ درصدی یابد. فارس مدعی شده است ایران‌خودرو پیشنهاد افزایش ۳۰ درصدی قیمت تولیدات خود را به سازمان حمایت و شورای رقابت ارائه داده است.» این خبرگزاری فارس در پایان می‌نویسد: «تصاویر مربوط به دپو محصولات ایران‌خودرو و سایپا در برخی سایت‌های تولید این دو خودروساز موجود است و درصورت لزوم روزهای آینده تصاویر مربوطه منتشر می‌شود.» «فرهیختگان» نمی‌تواند صحت و سقم این ادعاهای خبرگزاری فارس درخصوص احتکار خودرو را تایید کند اما آنچه قابل مشاهده است، اینکه فروش هر دو گروه خودروساز بزرگ کشور در ماه‌های اخیر روند کاهشی عجیبی را تجربه کرده‌اند که به نظر می‌رسد عدم رضایت دو خودروساز از قیمت‌ها در این اتفاق بی‌تاثیر نبوده است.

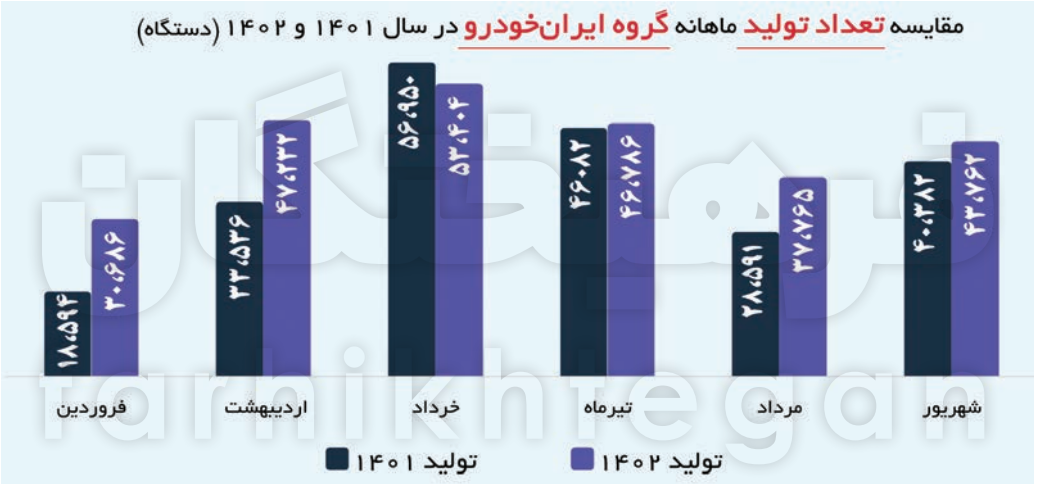


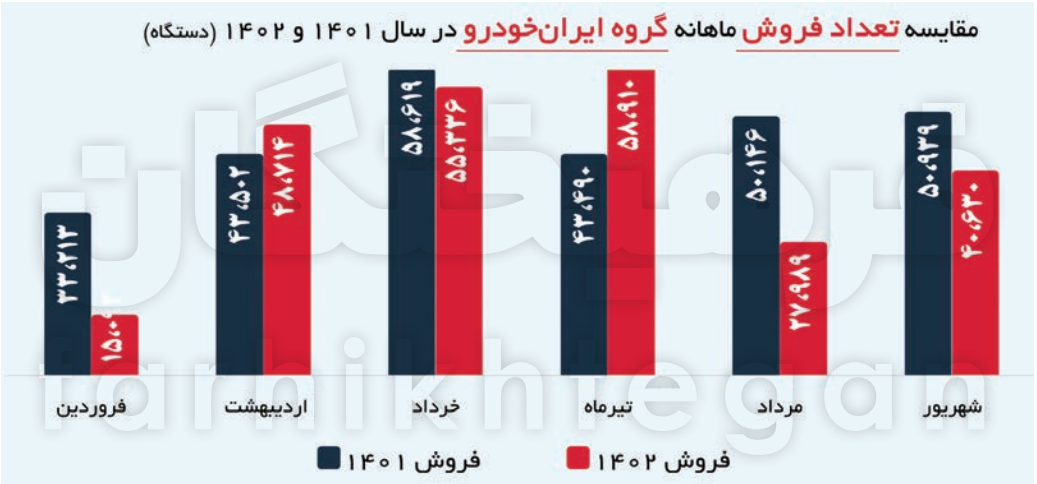


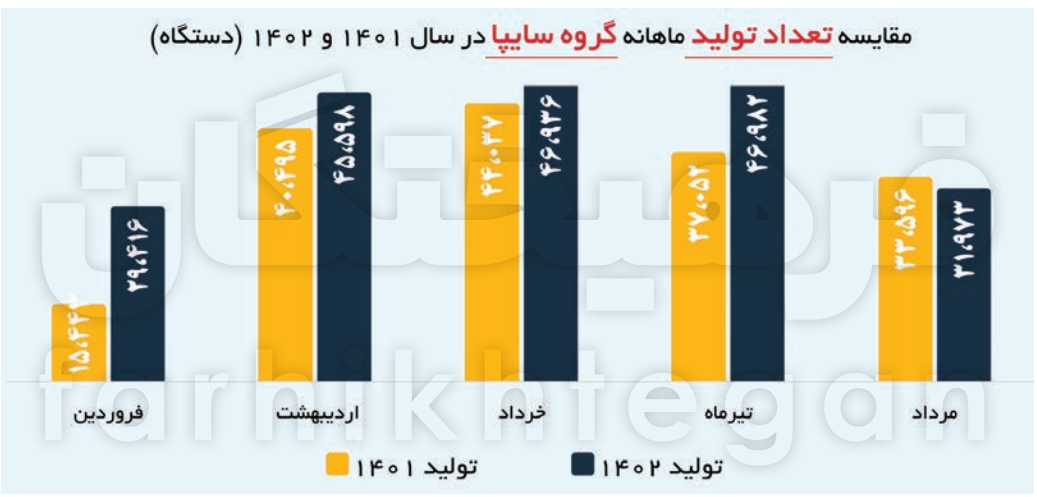


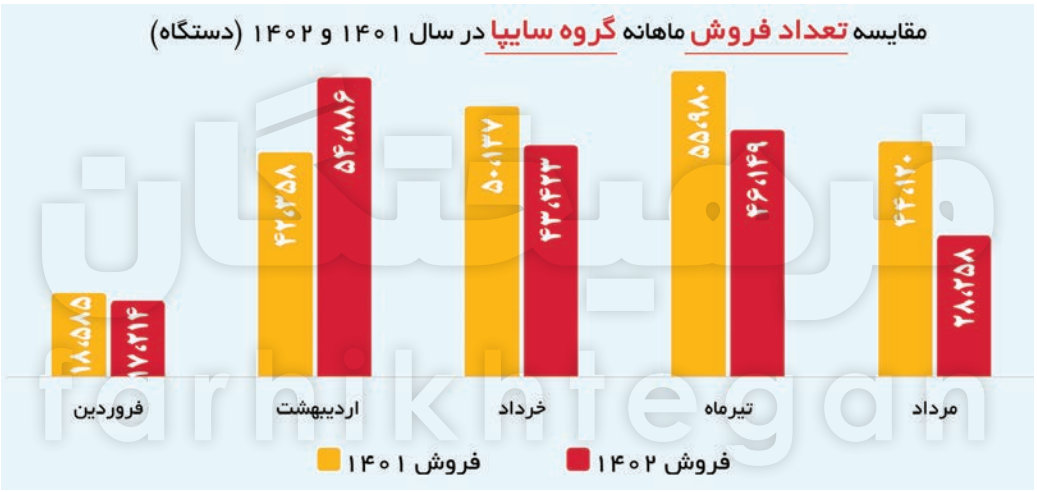


# ۸۰ همت اضافه برداشت بانک آینده!

مرکز پژوهش‌های مجلس در نخستین گزارش از سلسله گزارش‌های بررسی ثبات و سلامت بانکی، به وضعیت بانک آینده پرداخته است. در گزارش بازوی پژوهشی مجلس آمده است: «وجود ناترازی (کمتر بودن ارزش دارایی از بدهی‌ها یا حقوق صاحبان سهام منفی) فارغ از اینکه به هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها منجر شود یا نشود، موجب افت ظرفیت تولید اقتصاد و محدودیت دسترسی به اعتبار خواهد شد و اساسا بحران بانکی چیزی جز کاهش معنادار سرمایه بانک‌ها نیست. در ادامه این گزارش بیان شده است که یکی از علل اصلی مشاهده وضعیت تأسف‌بار متغیرهای اقتصادی در دهه ۱۳۹۰، وجود ناترازی بانکی در کشور بوده است و برای تغییر مسیر اقتصاد ایران باید آن را چاره‌ای کرد و شروع اصلاحات از بانک‌های شدیدا ناسالمی همانند آینده است. در این گزارش با اشاره به اینکه حل و فصل نظام بانکی مستلزم برنامه‌ای جامع برای همه بانک‌هاست، آمده است که اولویت اقدام، مختص بانک‌هایی است که عمق ناترازی آنها بیشتر بوده و به نوعی می‌توان آنها را شدیدا ناسالم دانست. این گزارش همچنین تاکید می‌کند که سامان‌دهی و حذف چند بانک شدیدا ناسالم می‌تواند مانع بروز رقابت ناسالم در بازار پول شده و به نوعی اثر جانبی مثبتی بر سلامت سایر بانک‌ها داشته باشد. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در این پژوهش، بانک آینده یکی از بحرانی‌ترین بانک‌های شبکه بانکی کشور است و ساختار معیوب درآمد هزینه‌ای بانک با اقدام‌هایی همانند تجدید ارزیابی اصلاح نخواهد شد.

بررسی‌های این گزارش نشان می‌دهد که در برخی نسبت‌ها شرایط بانک آینده به شدت بحرانی بوده و نیازمند چاره‌اندیشی اساسی است. بیشترین سهم در ترکیب دارایی‌ها به تسهیلات غیردولتی اختصاص دارد که در سال ۱۴۰۱ به ۵۵ درصد رسیده و نسبت به چهار سال گذشته آن روندی افزایشی داشته است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره بانک آینده این‌طور ادامه پیدا می‌کند که تا پایان خرداد سال ۱۴۰۲ این بانک حدود ۸۰ همت اضافه برداشت از بانک مرکزی به ثبت رسانده که بیانگر ریسک بالای نقدینگی سبد دارایی‌های بانک است. عمده تسهیلات به اشخاص مرتبط بانک آینده که ۷۵ درصد (۱۳۰ همت) از مانده تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص غیردولتی را تشکیل می‌دهد، مشکوک‌الوصول است. این گزارش بیان می‌کند که عمده هزینه‌های این بانک مربوط به هزینه سود سپرده‌ها بوده که سهم آن از مجموع هزینه‌ها ۸۱ درصد است؛ همچنین خالص هزینه تسهیلات و سپرده‌گذاری، زیان قابل توجهی را در سال‌های اخیر برای عملکرد بانک نشان داده که این زیان برای سال ۱۴۰۱ به ۳۹٫۲ همت رسیده است. مطابق گزارش‌های بانک مرکزی بانک آینده به‌طور میانگین ماهانه چهار همت زیان شناسایی می‌کند. در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه نسبت کفایت سرمایه بانک آینده در سال ۱۴۰۱ حدودا به منفی ۱۴۰ درصد رسیده، آمده است که این عدد با فرض پذیرش بازگشت ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول و شناسایی درآمد ۲۲ همتی به‌دست آمده و با فرض عدم صحت شناسایی این درآمد (مطابق نظر بانک مرکزی) نسبت کفایت سرمایه وخیم‌تر از این عدد است.

## آیا ایران‌مال می‌تواند بانک آینده را نجات دهد؟

یکی از سوال‌هایی که مطرح می‌شود این است که در صورت تجدید ارزیابی دقیق دارایی‌های بانک آینده آیا بانک از شمولیت ماده (۱۴۱) قانون تجارت خارج می‌شود یا خیر؟ آیا ناترازی دارایی بدهی بانک که معادل ۱۱۲٫۵ همت است با فرض نادیده گرفتن تمامی ابهام‌های مربوط به ارزش‌گذاری دارایی‌ها با تجدید ارزیابی دارایی‌های بانک قابل احیا خواهد بود یا خیر. از مهم‌ترین نکات قابل توجه برای پاسخ به این سوال آن است که منابع این بانک در قالب سرمایه‌گذاری‌ها و اعطای تسهیلات به شرکت‌های تابعه محبوس شده است. حدود ۸۰ درصد از مانده تسهیلات بانک متعلق به شرکت‌های تابعه تامین مالی پروژه‌های بانک است که طبق ضوابط اعلامی بانک مرکزی باید در سرفصل مشکوک‌الوصول قرار گیرند اما طبق صورت مالی منتشرشده بانک پس از امهال مکرر، مطالبات در سرفصل مطالبات جاری ثبت شده است؛ این دارایی‌ها فاقد سودآوری و جریان نقد لازم بوده و بسیاری از پروژه‌ها نیمه‌تمام و نیازمند منابع کلان است و نتیجه ضروری آن عدم درآمدسازی بانک از محل سرمایه‌گذاری‌هاست؛ در واقع باید تصریح کرد که ساختار معیوب درآمد هزینه‌ای بانک با اقدام‌هایی همانند تجدید ارزیابی اصلاح نخواهد شد و بانک قابلیت احیا از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را ندارد. علاوه‌بر این باید اشاره داشت که حتی در صورت تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌های نیمه‌تمام به دلایلی از قبیل مشکلات مالکیتی و زمین پروژه‌ها و تخلفات گسترده از ضوابط شهری شهرداری انعقاد قراردادهای بهره‌برداری غیرشفاف و بهای تمام‌شده زیاد و عدم چشم‌انداز درآمدی پایدار از دارایی‌ها، واگذاری این دارایی‌ها با مشکلات فراوان مواجه خواهد بود؛ لذا در صورتی که ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک با لحاظ مشکلات حقوقی و قراردادی برای هر یک از آنها لحاظ شود؛ دارایی‌ها و مال‌های متعلق به بانک ارزش مالی لازم برای جبران زیان را نخواهند داشت.

برای مثال یکی از مهم‌ترین دارایی‌ها پروژه ایران مال متعلق به شرکت توسعه بین‌الملل ایران مال است که ۹۹.۹۹ درصد از سهام آن متعلق به بانک آینده است. ابتدا باید توجه داشت آنچه که در ترازنامه بانک آینده به صورت مستقیم موثر خواهد بود ارزش شرکت توسعه بین‌الملل ایران مال خواهد بود و نه ارزش پروژه ایران مال به عنوان یکی از دارایی‌های این شرکت. ثانیا نکته قابل توجه در این شرکت زیان‌دهی بالای فعالیت‌های این شرکت است. به‌طوری که زیان انباشته ۸۵ همتی شرکت توسعه بین‌الملل ایران مال است که از سرمایه آن پیشی گرفته و شرکت مشمول مفاد ماده (۱۴۱) قانون تجارت شده است. گفتنی است در اثر تجدید ارزیابی دارایی‌ها و افزایش ارزش دفتری دارایی‌های این شرکت هزینه استهلاک به شکل چشمگیری افزایش یافته و مساله زیان‌دهی در سال‌های آتی به شکل جدی‌تری نمایان خواهد شد. نکته دیگری که باید مدنظر داشت این است که شرکت مزبور معادل ۷۴٫۵ همت بدهی (غالبا بدهی بانک آینده) داشته و در کنار ارزش فیزیکی پروژه ایران مال به عنوان مهم‌ترین دارایی این شرکت باید به میزان بدهی‌های آن هم توجه کرد؛ از این رو ارزش این شرکت به صورت محسوسی از ارزش پروژه ایران مال کمتر خواهد بود. ضمنا درخصوص ارزش‌گذاری این پروژه مسائل متعددی وجود دارد که اطلاعات مربوط به آن بر خلاف قوانین و مقررات بازار سرمایه به مدت دو سال از ۱۳۹۷ الی ۱۳۹۹ از چشم سهامداران مخفی نگه داشته شده است؛ از جمله این مسائل می‌توان به واگذاری انحصاری و بدون قید و حصر مدیریت و راهبری کامل تمام بخش‌های ایران مال به بهره‌بردار به مدت ۲۰ سال، عدم نقل و انتقال قطعی اسناد مالکیت زمین پروژه ایران مال به شرکت توسعه بین‌الملل ایران مال، اختصاص حداقل ۲ درصد و حداکثر ۵ درصد از درآمد کل سال مالی (قبل از کسر هزینه‌ها) به بهره‌بردار، الزام کارفرما به پرداخت همه هزینه‌های مربوط به تعهدات مدیر تعهد کارفرما به برقراری مفاد قرارداد حتی در صورت واگذاری تمام یا بخشی از بازار بزرگ ایران مال، معیار بودن محاسبات مدیر برای تسویه مطالبات پرداخت ۴۰ درصد از ارزش افزوده ایجاد شده بازار بزرگ ایران در خاتمه قرارداد با اعمال اثرات نرخ‌های تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی در سال‌های مربوط به بهره‌بردار و سلب اختیار کارفرما برای فسخ قرارداد تا پرداخت سهم ارزش افزوده اشاره کرد. همه این موارد بر ارزش‌گذاری پروژه موثر بوده و جزء معارض‌های کاهنده ارزش محسوب می‌شوند؛ این قرارداد نشانگر یکی از مصادیق فساد در شرکت‌های تابعه بانک بوده که اطلاعات مربوط به آن نیز افشا و شفافیت به موقع نداشته است. مشابه مشکلات حقوقی فوق‌الذکر برای سایر پروژه‌ها همانند هتل روتانا و فرمانیه مال نیز می‌توان مواردی را ذکر کرد.

درانتهای این گزارش آمده است که حضور بانک‌های شدیدا ناسالمی همانند آینده در نظام بانکی کشور، عملا امکان کنترل پایدار تورم و مهار بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان را از بین برده است. روند نزولی و بحرانی این بانک در شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد مرور زمان نه تنها نتوانسته از عمق ناترازی این بانک بکاهد، بلکه هزینه‌های حل و فصل ناترازی این بانک را افزایش داده است؛ از این رو به نظر می‌رسد انجام اقدام‌های فوری (انتظامی و قضائی) با هدف توقف روند بی‌انضباطی در بانک آینده ضروری است. این گزارش همچنین بر این نکته تصریح دارد که اگرچه بانک مرکزی در سال‌های اخیر با هدف بازگرداندن این بانک به مدار ثبات اقدام‌های مثبتی را انجام داده است، اما فهرست تخلفات صورت‌گرفته در این بانک نشانگر آن است که حصول تام به نتیجه مطلوب، علاوه بر تداوم تلاش‌های بانک مرکزی، به حمایت‌ها و تفاهمات فراقوه‌ای در کشور نیازمند است.

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم